

نماز

چیستی و چرایی

پرسش ها و پاسخ های دانشجویی (شماره ۴۳)
قسمت اول

به دانشجویانی (کارشناسی) که ۵۰ پرسش از کتاب را
مطالعه و در امتحان مربوطه حداقل ۵۰ درصد امتیاز را
کسب نمایند

۴ نمره (علاوه بر ۲۰ نمره) به درس معارفشان در این ترم اضافه
می شود

ضمناً به سه نفر از دانشجویانی که بالا ترین نمره را کسب نمایند به ترتیب
یک میلیون ریال، هفتصد هزار ریال، پانصد هزار ریال پرداخت می گردد
امتحان بصورت اینترنتی و سوالات بصورت تستی است

نماز

چیستی و چرایی

دفتر چهل و سوم پرسش ها و پاسخ های دانشجویی

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها

معاونت مطالعات راهبردی - اداره مشاوره و پاسخ

سرشناسه: موسوی، سیدحسن، ۱۳۵۵ - گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور: نماز (چیستی و چرایی) / سیدحسن موسوی؛ تنظیم و نظارت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، معاونت مطالعات راهبردی - اداره مشاوره و پاسخ.

مشخصات نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.

فروست: پرسش ها و پاسخ های دانشجویی؛ دفتر ۴۳ (اخلاق و عرفان؛ ۲).

شابک: ۳۰/۰۰۰ ریال: ۹-۳۶۶-۵۳۱-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: نماز -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع: نماز -- جنبه های قرآنی

شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها. معاونت مطالعات راهبردی. اداره مشاوره و پاسخ.

شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها. دفتر نشر معارف.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ - ۸/م۸۶/۷۴/۷۴/۷۴ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۳۰۷۶

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۲۱۱۷۱

پرسش ها و پاسخ ها: دفتر چهل و سوم - نماز (چیستی و چرایی)

تنظیم و نظارت: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها

معاونت مطالعات راهبردی - اداره مشاوره و پاسخ

مؤلف: سیدحسن موسوی

تایپ و صفحه آرایی: طالب بخشایش

ناشر: دفتر نشر معارف

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۰

تیراژ: ۵/۰۰۰ جلد

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۱-۳۶۶-۹

«همه حقوق برای ناشر محفوظ است»

مراکز پخش:

۱. مدیریت پخش نشر معارف: قم، خیابان شهدا، کوچه ۳۲، پلاک ۵، تلفن و نمابر: ۷۷۴۴۶۱۶

۲. فروشگاه شماره ۱: قم، خیابان شهدا، روبه روی دفتر مقام معظم رهبری، تلفن ۷۷۳۵۴۵۱

۳. فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، چهار راه کالج، جنب بانک ملت، پ ۷۱۵، تلفن ۸۸۹۱۱۲۱۲

فهرست مطالب

معنای نماز

پرسش ۱. نماز یعنی چه؟ خدا چه انتظاری از نماز ما دارد؟

پیشینه نماز

پرسش ۲. آیا نماز در زمان ادیان پیش از اسلام بوده است؟ و اگر وجود داشته شکل خواندن آن در ادیان مسیحی و یهودی و سایر ادیان آسمانی چگونه بوده است؟

نماز پیامبر صلی الله علیه و آله

پرسش ۳. آیا پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بعثت و نزول قرآن نماز می خواندند؟ اگر نماز می خواندند نماز ایشان چگونه بوده و آیا پس از بعثت نماز تغییر یافته است؟

وجوب نماز

پرسش ۴. خداوند چه احتیاج به نماز ما دارد که آن را واجب کرده است؟

چرایی نماز

پرسش ۵. چرا نماز می خوانیم؟ مگر چه چیزی در نماز وجود دارد که این قدر آن را با اهمیت کرده است؟

نماز و اصول دین

پرسش ۶. اگر نماز ستون دین است چرا جزو اصول دین مطرح نشده و به عنوان فروع دین مطرح شده است؟ چرا شیوه نماز و تعداد رکعت های آن در قرآن نیامده است؟

قبله نماز

پرسش ۷. مگر نه این که خداوند در همه جا حاضر است پس چرا نماز به سمت کعبه خوانده می شود؟ آیا این کار به بت پرستی شباهت ندارد؟

نماز به زبان عربی

پرسش ۸. چرا حتماً باید نماز را به زبان عربی خواند؟

نماز اول وقت

پرسش ۹. دلیل تأکید بر نماز اول وقت چیست؟ آیا بهتر نیست هرگاه وقت داشتیم نماز بخوانیم؟

نمازهای پنج گانه

پرسش ۱۰. چرا باید در پنج نوبت نمازهایمان را بخوانیم؟ چرا تعداد رکعات نماز در هر نوبت با هم تفاوت دارند؟

آثار تربیتی نمازهای پنج گانه

پرسش ۱۱. من قبول دارم نماز خوبه اما آیا بهتر نبود هر روز یکبار نماز می خواندیم؟

تکرار در نماز

پرسش ۱۲. چرا در نمازها برخی از الفاظ و سوره ها خیلی تکرار می شود؟

کیفیت نماز

پرسش ۱۳. آیا حتماً باید نماز به این شکل رکوع و سجود انجام دهیم؟ چه اشکالی دارد مانند مسیحیان ایستاده و با احترام مناجات کنیم؟

تکبیرة الاحرام

پرسش ۱۴. فلسفه این که نماز با گفتن تکبیر شروع شده و به هنگام گفتن «الله اکبر» دست ها را بالا می آوریم چیست؟

اسرار نماز

پرسش ۱۵. فلسفه کارهایی مانند: نیت، قیام، رکوع و سجود در نماز چیست؟

سوره حمد

پرسش ۱۶. چرا باید در نماز، حتماً سوره حمد خوانده شود؟

آهسته و بلند خواندن نمازها

پرسش ۱۷. فلسفه آرام خواندن قرائت در نماز ظهر و عصر و بلند خواندن آن در نماز مغرب و عشا چیست؟

قنوت نماز

پرسش ۱۸. فلسفه قنوت چیست و چرا در هنگام قنوت دست ها را بالا ببریم؟

تشهد نماز

پرسش ۱۹. فلسفه و اسرار تشهد در نماز چیست؟ آیا پیامبر صلی الله علیه و آله هم در تشهد برای خودش صلوات می فرستاد؟

سلام نماز

پرسش ۲۰. وجود سلام در نماز چه فلسفه ای دارد و چرا به جای این که در اول نماز گفته شود در آخر نماز گفته می شود؟...

تکبیر بعد از نماز

پرسش ۲۱. فلسفه این که در پایان نماز سه بار «الله اکبر» می گوییم و دست ها را به بالا می آوریم چیست؟

آثار سیاسی و اجتماعی نماز

پرسش ۲۲. نماز چه تأثیری در زندگی سیاسی - اجتماعی افراد می گذارد؟

رفاه بی نمازها

پرسش ۲۳. اگر نماز خواندن در رفع بلاها مؤثر است؟ پس چرا اروپایی ها وضعشان خیلی بهتر از ماست؟

قلب پاک

پرسش ۲۴. آیا بهتر نیست که به جای نماز ظاهری، قلب پاک داشته باشیم؟ خیلی ها نماز می خوانند اما مشکل دارند؟

تشکر از خدا

پرسش ۲۵. اگر نماز تشکر از خداست، چرا حتما باید نماز بخوانیم و حال آن که می توانیم به صورت زبانی از خدا تشکر کنیم؟

اهل حق

پرسش ۲۶. برخی مانند «اهل حق»، نماز نمی خوانند و می گویند ما به جای نماز «نذر و نیاز» داریم! آیا چنین چیزی مورد قبول است؟

خدمت به جای نماز

پرسش ۲۷. مگر نه این که با ارزش ترین اعمال خدمت به مردم است! پس اگر کسی به دیگران خدمت بکند مثل کسانی که با اختراعات خود به

مردم خدمت می کنند دیگر چه نیازی به نماز دارد؟

نماز و یوگا

پرسش ۲۸. فرق نماز با یوگا چیست؟

فلسفه وضو

پرسش ۲۹. فلسفه وضو چیست؟

تفاوت وضوی زن و مرد

پرسش ۳۰. چرا در وضو مردان باید از پشت آرنج آب بریزند ولی خانم ها باید از قسمت تالی دست (جلو) اینکار را انجام دهند؟

وضوی پیامبر صلی الله علیه و آله

پرسش ۳۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونه وضو می گرفتند مانند شیعیان یا مانند اهل تسنن؟

مسح در نماز

پرسش ۳۲. چرا ما در هنگام وضو پاها را مسح می کنیم، اما اهل سنت پاها را می شویند؟

غسل جنابت

پرسش ۳۳. قبول دارم که غسل یک فرمان الهی است اما چرا اسلام دستور می دهد که به هنگام جنب شدن تمام بدن را بشویند در حالی که فقط

عضو معینی آلوده می شود؟

فایده تیمم

پرسش ۳۴ . تیمم چه فایده ای دارد؟ آیا این کار بهداشتی است؟

فلسفه اذان

پرسش ۳۵ . فلسفه اذان گفتن چیست؟ و چرا در آن تکرار هست؟

اذان اهل سنت

پرسش ۳۶ . چرا در اذان اهل سنت «حی علی خیرالعمل» وجود ندارد؟ اذان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه بوده است؟

نماز میّت

پرسش ۳۷ . علت اینکه برای اموات نماز خوانده می شود چیست؟

نماز آیات

پرسش ۳۸ . چرا باید نماز آیات بخوانیم؟ آیا بهتر نیست به کمک زلزله زدگان بشتابیم و یا پدیده خورشید گرفتگی را تماشا کنیم؟

ثواب مستحبات

پرسش ۳۹ . فلسفه این ثواب های عجیب برای نمازهای مستحبتی در مفاتیح چیست؟

نماز امام علی علیه السلام

پرسش ۴۰ . می گویند علی علیه السلام هر شب هزار رکعت نماز می خواندند؟ چطور ممکن است؟

تیر پای امام علی علیه السلام

پرسش ۴۱ . چگونه حضرت علی علیه السلام تیر در پایشان فرو رفت و در حین نماز آن را از پای مبارکشان بیرون کشیدند، اما به دلیل حضور قلب در

نماز متوجه نشد ولی در جای دیگر به هنگام نماز متوجه فقیر شد و انگشتر خود را در رکوع به او داد؟

نمازهای حاجت

پرسش ۴۲ . اگر نمازهای مستحبتی برای حاجت گرفتن می باشد، چرا من هر چه این نمازها را می خوانم حاجتم را نمی گیرم؟

مُهر نماز

پرسش ۴۳ . چرا شیعیان در نماز از مُهر استفاده می نمایند؟

جمع بین دو نماز

پرسش ۴۴ . این که شیعیان نماز عصر را بلافاصله بعد از نماز ظهر می خوانند برخلاف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله نیست و نوعی دروغ نیست؟! زیرا هنوز عصر نشده است؟

نماز دست بسته

پرسش ۴۵ . چرا شیعیان مانند اهل تسنن دست بسته نماز نمی خوانند؟ سنت پیامبر صلی الله علیه و آله چه بود؟

آمین گفتن

پرسش ۴۶ . چرا اهل سنت بعد از سوره حمد «آمین» می گویند؟

قنوت نماز

پرسش ۴۷ . آیا پیامبر صلی الله علیه و آله در نمازشان قنوت می خواندند؟

نماز شکسته

پرسش ۴۸ . با توجه به این که سفرهای امروزه مانند گذشته سخت و پرخطر نیست چرا نمازها در سفر شکسته خوانده می شود؟

نماز در هواپیما

پرسش ۴۹ . گاهی به دلیل تأخیر هواپیما و دلایل مختلف امکان نماز خواندن نیست و یا اتوبوس ها برای نماز نگه نمی دارند! در چنین مواقعی وظیفه

ما چیست؟ ۱۰۴

حجاب در نماز

پرسش ۵۰ . فلسفه حجاب خانم ها در نماز چیست؟ خدا که با همه محرم است!؟

مقدمه

«پرسش گری» از آغاز آفرینش انسان، رخ نمایی کرده؛ بر بال سبز خود، فرشتگان را فرانشانده؛ بر برگ زرد خود شیطان را فرونشانده و در این میان، مقام آدمیت را نشان داده است. آفتاب کوفه چه زیبا فرموده است:

«مَنْ أَحْسَنَ السُّؤَالَ عِلْمٍ» و «مَنْ عِلِمَ أَحْسَنَ السُّؤَالَ»

هم سؤال از علم خیزد هم جواب

همچنان که خار و گل از خاک و آب

آری! هر که سؤال هایش آسمانی است، دانش و بینش پاسخش خواهد بود. پویایی و پایایی «جامعه» و «فرهنگ»، در گرو پرسش های حقیقت طلبانه و پاسخ های خردورزانه است.

از افتخارات ایران اسلامی، آن است که از سویی، سرشار از جوانانی پاک دل، کمال خواه و پرسش گر می باشد و از دیگر سوی، از مکتبی غنی برخوردار است که معارف بلند آن، گوارای دل های عطشناک پرسش گر و دانش جو است.

اداره مشاوره و پاسخ معاونت مطالعات راهبردی نهاد، محفل انسی فراهم آورده است، تا «ابر رحمت» پرسش ها را بر «زمین اجابت» پذیرا باشد و نهال سبز دانش را بارور سازد. ما اگر بتوانیم سنگ صبور جوانان اندیشمند و بالنده ایران پرگهرمان باشیم، به خود خواهیم بالید.

شایان ذکر است در راستای ترویج فرهنگ دینی، اداره مشاوره و پاسخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها با همکاری گروه های علمی، بیش از یکصد هزار پرسش دانشجویی را در موضوعات مختلف اندیشه دینی، مشاوره، احکام و... پاسخ داده است.

این اداره دارای هشت گروه علمی و تخصصی، به شرح زیر است:

۱. قرآن و حدیث؛

۲. احکام؛

۳. فلسفه، کلام و دین پژوهی؛

۴. اخلاق و عرفان؛

۵. تربیتی و روان شناسی؛

۶. اندیشه سیاسی؛

۷. فرهنگی و اجتماعی؛

۸. تاریخ و سیره.

آن چه پیش رو دارید، بخشی از پرسش های مربوط به «نماز» است که توسط محقق ارجمند حجه الاسلام سید حسن موسوی پاسخ دهی و بازپژوهی شده است.

بر آنیم با توفیق خداوند، به تدریج ادامه این مجموعه را تقدیم شما خوبان کنیم. پیشنهادها و انتقادهای سازنده شما، راهنمای ما در ارائه شایسته و پربار مجموعه هایی از این دست خواهد بود.

در پایان از تلاش های مخلصانه همکاران اداره مشاوره و پاسخ، و مدیر گروه «اخلاق و عرفان» حجه الاسلام سید مصطفی علم خواه و آقای علیرضا

مختارپور که زحمت ویراستاری و بازنگری را متقبل شدند و حجه الاسلام والمسلمین صالح فنادی (زیدعزه) که در بازخوانی و آماده سازی این اثر

تلاش کرده اند، تشکر و قدردانی می شود. دوام توفیقات این عزیزان را در جهت خدمت بیشتر به مکتب اهل بیت علیهم السلام و ارتقاء فرهنگ دینی جامعه - به ویژه دانشجویان - از خداوند متعال مسئلت داریم.

... ولی التوفیق

معاون مطالعات راهبردی نهاد

محمد اسحاق مسعودی

معنای نماز

پرسش ۱. نماز یعنی چه؟ خدا چه انتظاری از نماز ما دارد؟!

عده ای معتقدند واژه «نماز» در لغت فارسی از لفظ پهلوی نَمَک (namac) گرفته شده که آن هم از ریشه ایران باستان واژه «نم» (nam) به معنای خم شدن و تعظیم کردن گرفته شده است. ۱ از جمله معانی نماز در کتاب های لغت فارسی عبارتند از: بندگی، اطاعت، سجود، پرستش، خدمتکاری و فرمان برداری ۲ و در اصطلاح شرعی به مجموعه اذکار و حرکات خاصی گویند که به عنوان ستایش و توجّه بنده به خداوند انجام می گیرد.

«خواندن نماز» معادل با کلمه «قرائت» در عربی است و از آن جهت که یک قسمت از نماز عبارت از: خواندن و تلفظ کردن حمد و سوره و اذکار است روی این جهت کسی که این اعمال را انجام دهد و این الفاظ را بر زبان جاری کند می گویند نماز را خواند. اما در قرآن و روایات همه جا سخن از «اقامه» است که معادل فارسی آن «برپا داشتن» می باشد.

قرآن کریم، درباره «اقامه نماز» بسیار تأکید کرده است؛ تا آن جا که ۴۶ بار، نماز را با واژه «اقامه» در تعبیرهای گوناگون، تکرار کرده است. شاید بتوان انتظار خداوند را همان «اقامه نماز» گفت؛ برای «اقامه نماز» چند معنا و تفسیر مطرح شده است:

گسترش نماز

بدون تردید از مصادیق «اقامه نماز» گسترش و مطرح کردن نماز در جامعه است. قرآن کریم می فرماید:

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» ۳؛ «آنها کسانی

هستند که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند و زکات را ادا می کنند و امر به معروف و نهی از منکر می نمایند».

منظور از «اقامه» این است که تنها خودتان نمازخوان نباشید؛ بلکه چنان کنید که آیین نماز در جامعه انسانی برپا شود و مردم با عشق و علاقه، به آن روی آورند.

نماز با شرایط

به گفته برخی بزرگان ۴ «در تمام مواردی که خداوند به نماز سفارش کرده است واژه «اقامه نماز» آمده است تا به این معنا توجّه داده شود که مقصود از نماز، گزاردن نماز واجد شرایط است نه تنها بجای آوردن ظاهر نماز (بدون روح)».

به گفته بعضی مفسران، تعبیر «اقامه نماز» به جای «خواندن» یا «برپا داشتن نماز»، بیان گر این نکته است که نماز تنها اذکار و حرکات نیست، بلکه باید آن را به طور کامل به پا دارید؛ آن گونه که آثار نماز در چهره و زندگی شما دیده شود؛ تنها لقلقه زبان و راست و خم شدن نباشد، بلکه روح نماز که همان تسلیم مطلق در برابر خدا در همه امور است در زندگی شما جلوه کند و توجّه قلبی به خدا، در نماز حاصل شود. ۵

تداوم نماز

برخی «اقامه» را به معنای تداوم در برپایی نماز می دانند؛ یعنی کسی نماز را به درستی بر پا می دارد که همیشه آن را ادامه دهد نه این که گه گاهی نماز بخواند:

«قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ. الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» ۶؛ «پس وای بر نمازگزارانی که در نماز خود سهل انگاری می کنند».

در سوره معارج پس از آن که خداوند برخی صفات ناشایست انسان ها را مورد تذکر قرار می دهد، اوصاف شایسته آنها را هم ذکر می کند که از جمله آن:

«إِلَّا الْمُصَلِّينَ. الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» ۷؛ «مگر نمازگزارانی که بر نماز خود تداوم دارند».

ظاهر آیه دوام است؛ یعنی هم به وقت، نماز می خوانند و هم همیشه نماز می خوانند، این گونه نیست که نماز خواندن آنها مقطعی باشد و چنین نمازی است که اگر جزو برنامه زندگی شد و با شرایط آن بجای آورده شد انسان را از فحشا و منکر باز می دارد. و اصولاً برنامه های تربیتی جز با تداوم، کارایی لازم را ندارند، لذا در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَيَّ اللَّهُ

عَزَّ وَجَلَّ مَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْعِبَادُ وَإِنْ قُلَّ» ۸؛ «محبوب ترین اعمال نزد خداوند کاری است که بنده بر آن مداومت داشته باشد هر چند کم باشد».

در یک جمع بندی و با مروری به آیه های قرآن می توان همه معانی گفته شده را در «اقامه نماز» منظور کرد و آن این که نماز کامل، پیوسته و با خشوع و اثرگذار در جامعه باشد.

شهید مطهری در این زمینه می گوید: «به پا داشتن نماز آن است که حق نماز ادا شود؛ یعنی نماز به صورت یک پیکر بی روح انجام نگردهد، بلکه نمازی باشد که واقعاً بنده را متوجه خالق و آفریننده خویش سازد...» ۹.

پیشینه نماز

پرسش ۲. آیا نماز در زمان ادیان پیش از اسلام بوده است؟ و اگر وجود داشته شکل خواندن آن در ادیان مسیحی و یهودی و سایر ادیان آسمانی چگونه بوده است؟

با مطالعه پیرامون تاریخ ادیان و مذاهب و همچنین آیات و روایات نقل شده از معصومین علیهم السلام، این مطلب کاملاً روشن می گردد که قدیمی ترین عبادت در تمامی ادیان نماز بوده است.

از هنگام اقامت حضرت آدم و حوا علیهما السلام در زمین، خداوند نماز را بر حضرت آدم علیه السلام واجب کرد ۱۰.

کشتی نوح علیه السلام دارای پنجره ها و سوراخ هایی بود که از آن نور خورشید به داخل منعکس می شد و از این طریق وقت نماز را تشخیص می دادند ۱۱.

حضرت ابراهیم علیه السلام آن گاه که همسر و فرزند خود را در کنار کعبه نو بنیاد نهاد، دست به دعا برداشت و به خدای متعال چنین گفت: خدایا من، خاندان خود را در سرزمینی غیر حاصل خیز و کنار خانه ات ترک نمودم تا نماز را به پا دارند پس دل های مردم را در هوای (گرو) آنان قرار ده ۱۲.

وقتی حضرت موسی علیه السلام به کوه طور آمد و پیام رسالت را دریافت نمود خداوند به او فرمود: «من خدای یکتا هستم. پس مرا عبادت کن و نماز را به پا دار» ۱۳.

حضرت عیسی علیه السلام در گهواره به امر خداوند این گونه سخن گفت: «من بنده خدا هستم که کتاب آسمانی را بر من نازل کرد و مرا پیامبر قرار داد و هر جا که باشم مرا مایه برکت قرار داد و به نماز و زکات تا وقتی که جان در بدن دارم مرا توصیه نمود» ۱۴.

علاوه بر پیامبران اولوالعزم، در آیات و روایات متعددی از نماز پیامبرانی همچون؛ شیث، ادريس، یونس، صالح، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، لوط، شعیب، داوود، زکریا، ایوب علیهم السلام و... سخن به میان آمده که همگی گویا وجود نماز در تمامی ادیان و شریعت های پیش از اسلام می باشد ۱۵.

اما در خصوص کیفیت و چگونگی اقامه نماز در ادیان مسیحی و یهودی و سایر ادیان آسمانی پیش از اسلام باید گفت: آنچه براساس تاریخ ادیان و آیات و روایات غیرقابل انکار می باشد این است که نماز به عنوان عبادت در کلیه ادیان وجود داشته و دارد و متناسب با تکامل دین، روند تکاملی داشته است و این تکامل در دین مبین اسلام - همانند جنبه های دیگر آن معارف، مثل قوانین، و مقررات اجتماعی - متناسب با انسان رشد یافته عصر خاتمیت به اوج خود رسیده است ۱۶.

یهودیان روزی سه بار نماز می خوانند. نماز صبح، نماز عصر و نماز مغرب. نماز در کنیسه بهتر است و در صورتی که حداقل ده نفر مرد حضور داشته باشند، نماز جماعت برقرار می شود. در این حال یک نفر کاهن، لایوی یا مسن ترین فرد که عبری را خوب می داند، جلو می ایستد و دعاها و متونی از تورات را می خواند. معروف ترین عبارتی که می خوانند شِمَعْ (بشنو) (Shema) نام دارد که عبارت است از:

«ای اسرائیل بشنو؛ یهوه خدای ما یهوه واحد است. پس یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما» ۱۷.

شستن دست ها تا میج (وضو) و بستن بازوبند و پیشانی بندی که در آن آیاتی از تورات نوشته شده (تفیلین) (Tefilin) برای مردان در نماز صبح واجب است. قبله یهود شهر اورشلیم است.

در مسیحیت نماز به شیوه خاصی که در اسلام وجود دارد مطرح نیست، بلکه آنها در برابر خدا دعا بجا می آورند. مسیحیان کاتولیک پیش از ورود به کلیسا با آب مقدس خود را تطهیر می کنند، به این صورت که دست خود را در آب فرو برده و به صلیب می کشند. ۱۸ یکی از دعاها مرسوم برای برگزاری نماز، دعای زیر است: «ای پدر ما که در آسمانی نام تو مقدس باد، اراده تو چنان که در آسمان است در زمین نیز به انجام رسد. نان کفاف امروز ما را بده، گناهان امروز ما را ببخش چنان که ما نیز کسانی را که به ما بدی می کنند ببخشیم. ما را در آزمایش نیاور، بلکه از شریر رهایی ده؛ زیرا ملکوت، قوت و جلال از آن توست.» ۱۹. «آمین»

البته برخی از حرکت های بدن مانند دست ها را رو به آسمان گرفتن و یا خم کردن زانو در نماز مسیحیان مرسوم است. بنا بر آنچه گفته شد؛ نماز در ادیان آسمانی گذشته نیز سابقه داشته است اگر چه برگزاری آن به شکل های متفاوت بوده است.

نماز پیامبر صلی الله علیه و آله

پرسش ۳. آیا پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بعثت و نزول قرآن نماز می خواندند؟ اگر نماز می خواندند نماز ایشان چگونه بوده و آیا پس از بعثت نماز تغییر یافته است؟

علامه طباطبایی در تفسیر سوره علق به تشریح این مسئله پرداخته و بیان داشته اند: سیاق این آیات دلالت دارد بر این که رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از بعثت نیز مناجات با خدا داشته و نماز می خوانده. البته نمازهای پنج گانه با شکل خاص خود و دو رکعتی بود که بعد واجب شد و بنا بر شواهدی نمازهای قبل از معراج مشتمل بر مقداری تلاوت قرآن و نیز مشتمل بر سجده بوده است. در بعضی از روایات هم آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در اوایل بعثت با خدیجه و علی علیهما السلام نماز می خواندند ۲۰.

امام رضا علیه السلام در خصوص تعداد رکعات نماز و روند تغییر آن فرموده اند: اصل نماز یک رکعت است چون اصل عدد، یک می باشد لذا هر گاه نماز را از یک رکعت کمتر بیاورند عمل آورده شده نماز نیست. اما از آنجا که خداوند می دانست آن یک رکعت را بندگان به طور کامل بجا نیاورده بلکه ناقص ادا می نمایند لذا یک رکعت دیگر را با آن مقرون ساخت تا با رکعت دوم نقص رکعت اول جبران شود و بدین ترتیب نماز دو رکعت واجب گردید... ۲۱

در حدیثی امام سجاد علیه السلام با اشاره به چگونگی و علت تغییر نماز فرموده اند: «در مدینه و زمانی که دعوت عمومی به اسلام آشکار گردید و اسلام قوت یافت و خداوند متعال جهاد را بر مسلمانان واجب فرمود، رسول خدا صلی الله علیه و آله هفت رکعت به نمازهای شبانه روز افزود به این ترتیب: دو رکعت به نماز ظهر، و دو رکعت به نماز عصر، و یک رکعت به نماز مغرب، و دو رکعت به نماز عشاء، و نماز صبح را به همان صورت که در مکه واجب گردیده بود باقی گذاشت و بر آن نیفزود» ۲۲.

در پایان ذکر این مطلب ضروری می نماید که افزودن رکعت های نماز به دستور و اذن خداوند توسط پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفته است زیرا پیامبر مأمور الهی است و از طرف خود چیزی نمی گوید:

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ؛ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» ۲۳؛ «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید؛ آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست».

وجوب نماز

پرسش ۴. خداوند چه احتیاج به نماز ما دارد که آن را واجب کرده است؟

باید بدانیم که خداوند متعال گذشته از این که احتیاجی به نماز بندگان ندارد، اطاعت و طغیان بندگان نیز، نفع و ضرری به او نمی رساند. قرآن مجید در این باره می فرماید:

«إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ» ۲۴؛ «اگر همه مردم روی زمین کافر بشوند نقصی بر خدا وارد نیست و کمبودی برای خدا ایجاد نمی شود».

و یا در آیه دیگر می فرماید:

«وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلٰى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا» ۲۵؛ «هر کس به جاهلیت و گمراهی پسروی کند هرگز خدا را زیان نمی رساند».

اما این که خداوند متعال با وجود این که نیازی به نماز بندگان ندارد، آن را واجب نموده به این دلیل است که، پروردگار عالمیان می داند چه چیزهایی برای بندگان مفید بوده و می تواند سعادت اخروی او را تأمین می کند و چه چیزهایی زیان بار و نابودکننده مسیر کمال آنها می باشد؛ خداوند می داند که اگر انسان را به حال خود واگذارد، نه تنها به کمال و سعادت اخروی نمی رسد، بلکه خود را به ذلت و پستی می کشاند؛ لذا از روی محبت و لطفی که به بندگان خود دارد آنها را به انجام عباداتی همچون نماز دستور داده است. تصور کنید استادی، دانشجویی را به درس خواندن ملزم کند و حتی ممکن است به دلیل درس نخواندن نمره منفی دهد و یا مشروط کند و حال آن که نه به درس خواندن او نیازی دارند و نه ترک تحصیل دانشجوی، ضرری به او می رساند. بنابراین، آنچه در وجوب نماز وجود دارد، در واقع چیزی نیست جز لطف و رحمتی از سوی پروردگار به بندگان، تا به این وسیله هر چه بهتر و سریع تر به کمال و سعادت دنیوی و اخروی خود برسند. و اما درباره وجوب نماز در اوقات خاص خداوند می فرماید:

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» ۲۶؛ «نماز را از زوال خورشید تا نهایت تاریکی شب (نیمه شب) برپا دار، و همچنین قرآن فجر (نماز صبح) را، چرا که قرآن فجر مورد مشاهده (فرشتگان شب و روز) است». دلوک شمس به معنی زوال آفتاب از دایره نصف النهار است که وقت ظهر می باشد.

از امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه روایت شده است: «دلوک شمس به معنی زوال آن (از دایره نصف النهار) است، و غسق اللیل به معنی نیمه شب است، این چهار نماز است که پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را برای مردم قرار داد و توقیت نمود، و قرآن الفجر اشاره به نماز صبح است» ۲۷.

چرایی نماز

پرسش ۵. چرا نماز می خوانیم؟ مگر چه چیزی در نماز وجود دارد که این قدر آن را با اهمیت کرده است؟

علت اصلی خواندن نماز و اهمیت آن این است که مجموعه امتیازهایی در نماز وجود دارد که در دیگر عبادات این امتیازها یافت نمی شود. به تعدادی از آنها اشاره می نماییم:

یاری گرفتن

در قرآن آمده است:

«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» ۲۸؛ «از صبر و نماز در برخورد با مشکلات نیرو بگیرید؛ همانا نماز سنگین است مگر برای خاشعان».

از همین رو هرگاه مشکلی برای خانواده رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش می آمد ایشان (برای رفع آن) بیان می داشت: برخیزید نماز (مستحبی) بخوانید بعد می فرمود: این دستور خدای من است. ۲۹ و یا در سیره حضرت علی علیه السلام می خوانیم وقتی برای ایشان مشکلی پیش می آمد، به نماز پناه می برد و آیه: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» ۳۰ را تلاوت می کرد. امام رضا علیه السلام از پدانش از امام علی علیه السلام روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس یک نماز واجب را بجای آورد در نزد خداوند یک دعای مستجاب دارد» ۳۱. بدون تردید انسان نمازخوان همواره مشمول رحمت و الطاف الهی است.

«وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» ۳۲؛ «و نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید، و رسول (خدا) را اطاعت کنید تا مشمول رحمت (او) شوید».

یاد و رحمت الهی به انسان آرامش، عزت و اقتدار می بخشد:

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» ۳۳؛ «آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل ها آرامش می یابد».

از نظر قرآن، نماز عامل فلاح و رستگاری و سعادت انسان است:

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى. وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» ۳۴؛ «به یقین کسی که پاکی جست (و خود را تزکیه کرد)، رستگار شد. و (آن که) نام پروردگارش را یاد کرد سپس نماز خواند!».

در اوصاف متّقین می فرماید:

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ... وَأَوْلِيَهُمْ مَا لَمْ يُلْفِحُوا» ۳۵؛ «متّقین کسانی هستند که به غیب آنچه از حس پوشیده و پنهان است [ایمان می آورند؛ و نماز را برپا می دارند...؛ و آنان رستگاراند».

از همین رو، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مفتاح الجنة الصلاة» ۳۶؛ «نماز کلید بهشت است». و همچنین در جای دیگر از نماز به عنوان بهای خرید بهشت یاد فرموده اند: «لِكُلِّ شَيْءٍ ثَمَنٌ وَ ثَمَنُ الْجَنَّةِ الصَّلَاةُ الْخَمْسُ» ۳۷؛ «برای هر چیزی قیمتی است و قیمت بهشت نماز است». در جای دیگر نماز نور مؤمن معرفی شده است: «الصلوة نور المؤمن» ۳۸؛ «نماز نور مؤمن است».

ستون و سیمای دین

لازم به ذکر است؛ در دو کتاب حدیثی «وسائل الشیعه» و «مستدرک الوسائل» که شامل روایات و احادیث فقهی شیعه است؛ در مجموع ۵۹۰۰۰ روایت وجود دارد و از این تعداد تقریباً نوزده هزار حدیث مربوط به نماز است و این می تواند گویای اهمیت نماز در اسلام باشد که تقریباً یک سوّم روایات فقهی مربوط به نماز و مقدمات آن است. ۳۹

حضرت باقر علیه السلام می فرماید: «الصلاة عمود الدين مثلها كمثل عمود الفسطاط إذا ثبتت العمود ثبتت الأوتاد والأطناب وإذا مال العمود وانكسر لم يثبت وتد ولا طناب» ۴۰؛ «نماز ستون دین است، مثل نماز، مثل ستون خیمه است، هرگاه ستون، ثابت و پا برجا باشد میخ ها و طناب ها ثابت خواهند بود و هر گاه کج شده و بشکند میخ و طنابی نمی ماند».

حضرت علی علیه السلام در وصیت های پایان عمرشان فرموده اند: «اللّٰه اللّٰه فی الصلّٰة فإنّها خیر العمل إنّها عماد دینکم» ۴۱؛ «خدا را خدا را درباره نماز، چرا که نماز ستون دین شماست».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «برای هر چیز چهره ای است و چهره دین شما نماز است، مبدا کسی چهره و سیمای دینش را خراب نماید» ۴۲.

معیار مسلمانی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «ما بین المسلمین و بین أن یکفر إلا أن ینترک الصلّٰة الفریضة متعمداً أو یتهاون بها فلا یصلیها» ۴۳؛ «فاصله بین مسلمانی و کفر نیست جز آن که نماز واجب را از روی عمد ترک کند یا در انجام آن سستی نماید و نماز نخواند».

امام صادق علیه السلام فرمود: «آزمایش کنید شیعه ها را در اوقات نماز که چگونه مواظب آن هستند، و درباره اسرار ما که چگونه آنها را از دشمن ما نهفته می دارند، و درباره اموال خودشان که چگونه با آنها درباره برادران (دینیشان) یاری می دهند» ۴۴. و نیز در جای دیگر «نماز» علامت و نشانه عمل کنندگان به دین معرفی شده است: «قال لقمان لابنه یا بنی لکل شیء علامه یعرف بها و یشهد علیها... و للعامل ثلاث علامات الصلاة و الصیام و الزکاة» ۴۵؛ «حضرت لقمان به فرزندانش فرمود: برای هر چیزی علامتی است که به وسیله آن علامت شناخته می شود و به او شهادت داده می شود... برای عامل به دین سه علامت است: نماز، روزه، زکات».

محبوب ترین عبادت

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «لیس عمل أحبّ إلی الله عزّ و جلّ من الصلّٰة» ۴۶؛ «هیچ عمل و طاعتی نزد خدای با عزّت و جلال از نماز محبوب تر نیست».

امام صادق علیه السلام فرمود: «أحبّ الأعمال إلی الله عزّ و جلّ الصلّٰة» ۴۷؛ «محبوب ترین اعمال نزد خداوند متعال نماز است». و نیز از آن حضرت نقل شده است: «أول ما یحاسب به العبد علی الصلّٰة فإذا قبلت قبل منه سائر عمله و إذا ردتّ علیه ردّ علیه»

سَائِرُ عَمَلِهِ «۴۸»؛ «نخستین چیزی که در روز قیامت بنده برای آن مورد حساب کشی قرار می گیرد و به آن رسیدگی می کنند نماز است، اگر نماز پذیرفته شد سایر اعمالش نیز پذیرفته می شود، و هرگاه نماز مقبول نیفتاد و به بنده بازگردانده شد باقی اعمالش نیز مردود و بازگردانده خواهد شد».

امام صادق علیه السلام از نماز به بهترین اعمال در قیامت یاد می کند: **«إِنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ»** «۴۹»؛ «همانا بهترین عمل در روز قیامت نزد خداوند، نماز است».

دژ محکم

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: **«الصَّلَاةُ حِصْنٌ مِنَ سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ»** «۵۰»؛ «نماز، دژ محکمی است در مقابل حملات شیطان» و باز از آن حضرت نقل شده است: **«الصَّلَاةُ حِصْنُ الرَّحْمَنِ وَ مَدْحَرَةُ الشَّيْطَانِ»** «۵۱»؛ «نماز، دژ محکم خداوند رحمان و وسیله راندن شیطان است».

احمدبن عامر طائی از حضرت رضا علیه السلام از پدراناش از علی علیه السلام روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «شیطان از مؤمن دلتنگ است مادامی که نمازهای پنج گانه را بجای آورد، هرگاه نماز خود را ترک گفت شیطان بر او مسلط می گردد و او را گرفتار گناه و فساد می کند» «۵۲».

نخستین پرسش روز قیامت

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: **«حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَدْعُو الْعَبْدَ فَأَوْلُ شَيْءٍ يَسْأَلُ عَنْهُ الصَّلَاةُ فَإِنْ جَاءَ بِهَا تَامَةً وَ إِلَّا رُخَّ بِهِ فِي النَّارِ»** «۵۳»؛ «نمازهای پنج گانه را محافظت کنید، زیرا روز قیامت که می شود خداوند بنده اش را فرا می خواند و نخستین چیزی که از او می پرسد نماز است، اگر آن را به طور کامل انجام داده باشد، (به بهشت می رود) وگرنه در آتش افکنده می شود».

نماز همگانی

در پایان گفتنی است؛ هر یک از تکالیف شرعی چه بسا در شرایطی واجب نباشد مثلاً روزه بر بیمار و مسافر و... واجب نیست. خمس و زکات و حج بر کسانی که از تمکن مالی برخوردارند تعلق می گیرد. از حضور در صحنه جهاد، زنان، پیرمردان و اصناف دیگری معافند. اما نماز فریضه ای است همگانی در زمان خوف و در حال امنیت در روز و شب، در تمامی ماه های سال بر مرد و زن (البته به استثنای ایام عادت و ولادت)، غنی و فقیر، صحیح و مریض، مقیم و مسافر و... واجب است. حتی قرآن می فرماید اگر شرایط آن چنان سخت و سهمگین بود که مجال پیاده شدن از مرکب وجود نداشت، پیاده یا سواره باید نسبت به انجام این فریضه اقدام گردد. «۵۴»

نماز و اصول دین

پرسش ۶. اگر نماز ستون دین است چرا جزو اصول دین مطرح نشده و به عنوان فروع دین مطرح شده است؟ چرا شیوه نماز و تعداد رکعت های آن در قرآن نیامده است؟

در پاسخ به این سؤال گفتنی است: مجموعه دین شامل دو بخش است؛

یک - اعتقادات و معارف نظری،

دو - تکالیف و دستورات عملی.

«اصول دین» مجموعه عقاید بنیادی و پایه ای دین است مانند اعتقاد به توحید، نبوت و... اما «نماز» گرچه دارای اهمیت فراوان است ولی از آنجا که رفتار دینی است؛ از اصول اعتقادی شمرده نشده و به عنوان «فروع دین» از آن یاد می گردد «۵۵». البته از آن جهت که نماز با تمامی ارکان دین اعم از اصول اعتقادی، مبانی اخلاقی، آداب فردی و اجتماعی، نظام سیاسی و اقتصادی اسلام و... پیوند ناگسستنی برقرار نموده به گونه ای که تداوم آن موجب حفظ تمامی این بنیان ها خواهد بود؛ از این عمل عبادی به عنوان ستون دین یاد شده است.

به عنوان نمونه به واسطه اقامه نماز در هر روز چندین نوبت به یگانگی خداوند و رسالت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و همچنین ولایت حضرت علی علیه السلام اقرار شده و این گروه از مبانی اعتقادی یادآوری می شود و یا این که غصبی نبودن و مباح بودن مکان نماز، لباس نمازگزار، آبی که با آن وضو می گیرد را جزو شرایط صحت نماز قرار داده شده و این امر نیز نشان دهنده پیوند آداب اجتماعی اسلام مبتنی بر اقتصاد اسلامی با نماز می باشد. با توجه به همین رابطه است که در قرآن کریم نماز بلافاصله بعد از ایمان به مبدأ و معاد مطرح شده است:

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ» ۵۶.

و اما درباره این که چرا تعداد رکعات نماز در قرآن نیامده، باید دانست؛ روش قرآن بیشتر بیان کلیات و اصول عمومی است و تعیین موارد و جزئیات غالباً بر عهده پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله نه تنها مأمور به تلاوت قرآن بود، بلکه در تبیین آن نیز مأموریت داشت، چنان که قرآن می فرماید:

«وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» ۵۷؛ «و قرآن را بر تو فرستادیم تا آنچه برای مردم نازل شده

است، برای آنها بیان کنی و آشکار سازی، شاید آنان بیندیشند».

خداوند متعال در قرآن همه جزئیات زکات را تعیین ننموده و یا با وجود این که دستور انجام حج در قرآن آمده اما مقدار هفت دور طواف در آن ذکر نگردیده بلکه این موارد را رسول خدا صلی الله علیه و آله برای مردم شرح داده اند.

قبله نماز

پرسش ۷. مگر نه این که خداوند در همه جا حاضر است پس چرا نماز به سمت کعبه خوانده می شود؟ آیا این کار به بت

پرستی شباهت ندارد؟

قرآن کریم می فرماید:

«قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ...» ۵۸؛ «پس روی کن به طرف مسجدالحرام و شما

مسلمین نیز هر کجا باشید در نماز روی بدان جانب کنید...».

«قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ...» ۵۹؛ «و ای رسول از هر جا و به هر دیار بیرون شدی

روی به جانب کعبه کن و شما مسلمین هم به هر کجا بودید روی بدان جانب کنید...».

همان خدایی که فرموده است به هر طرف رو کنید آنجا وجه خدا است و او از رگ گردن به انسان نزدیک تر است، همو دستور داده است که به هنگام نماز به طرف مسجدالحرام نماز بخوانید.

بر این اساس همه جا بودن خداوند با برگزاری نماز به سوی جهت خاص منافات ندارد. چنان که خدا همه زبان ها را می داند ولی قرآن را به زبان عربی نازل کرده و باید نماز را به زبان عربی خواند.

نماز خواندن به طرف قبله، نه از این جهت است که خداوند مکان یا جهت معینی دارد. قرآن در ضمن آیات مربوط به قبله مخصوصاً در دو مورد، خداوند به این حقیقت تصریح کرده و می فرماید:

«وَ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ» ۶۰؛ «مشرق و مغرب از آن خداست و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست».

و در آیه دیگر می گوید:

«قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ» ۶۱؛ «بگو مشرق و مغرب از آن خداست».

بلکه از این نظر است که انسان به حکم این که جسم است هنگام نماز ناچار است به یک طرف متوجه باشد و چه بهتر که یک جهت همگانی مشخص شود تا رمز وحدت باشد و به سوی ولی اسلام خواسته است از این موضوع حداکثر استفاده را برای تکمیل این عبادت خانه کعبه قدیمی ترین مرکز توحید نیز باشد. خانه ای که به دست قهرمان توحید، ابراهیم خلیل علیه السلام تجدید بنا شده و مورد توجه تمام راهنمایان توحید و پیغمبران خدا بوده است. توجه به این مرکز توحید، توجه به خداست. توجه عموم مسلمانان جهان در هر

شبانۀ روز پنج مرتبه به این مرکز مقدّس، روح وحدت و یگانگی را در دل و جان آنها پرورش می دهد و به وحدت اسلامی و هماهنگی مسلمین جهان کمک می کند و اجتماعات مختلف اسلامی را از شرق و غرب عالم به هم مربوط می سازد و شوکت و عظمت آنها را ظاهر می نماید و جهان اسلام را با وحدت هدف و عقیده به دنیا نشان می دهد. ۶۲

جابرین حیّان از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا مرکز بودن کعبه برای نماز اهمیتش بیشتر است، یا برای حج؟ آن حضرت فرمود: مرکزیت آن برای نماز؛ زیرا بسیاری از مسلمانان نمی توانند در تمام عمر حتی یک بار به مکه بروند؛ ولی هر مسلمان در هر نقطه از جهان، روزی پنج بار به سوی کعبه نماز می خواند. می توان گفت در هر شبانۀ روز پنج بار، نگاه تمام مسلمین جهان در کعبه به هم می رسد و گویا تمام مسلمانان جهان، شبانۀ روزی پنج مرتبه در چشمان یکدیگر می نگرند و سخن آنان در آنجا به هم می رسد و تکبیر مسلمان در شرق و غرب دنیا، در کعبه شنیده می شود. این مرکزیت در هیچ یک از ادیان گذشته وجود نداشته و در آینده هم به وجود نخواهد آمد. ۶۳

به عبارت دیگر کعبه مغناطیس دل های اهل ایمان و رمز وحدت و استقلال مسلمانان است و ارتباط نماز و کعبه، ارتباطی دائمی است. «اگر کسی از فراز آسمان ها به صفوف نمازگزاران کره زمین بنگرد، دایره های متعدّدی را می بیند که مرکزیت همه آنها کعبه است و توحید، نقطه تمرکز فکر و دل و جان و صفوف مسلمین است». ۶۴

بنابراین، خداوند جهت ندارد؛ ولی ما انسان ها در زندگی و حیات مادی و معنوی خود، نیازمند جهت هستیم و قبله، تعیین کننده جهت حرکت مسلمانان در طول تاریخ بوده و هست. اگر فرض کنیم که نماز بدون قبله بود، چه اتفاقی می افتاد؟ هر کس به سمتی نماز می خواند و همین امر موجب می شد تا عده ای، جهتی ترجیح بدهند و دیگران را نیز به آن دعوت کنند؛ مثلاً عده ای به مشرق، برخی به مغرب، گروهی به شمال، برخی به جنوب و... این موضوع خود عاملی برای تفرقه و نزاع و درگیری می شد؛ قبله، صفوف نماز را متحد و یکپارچه می کند و روحیه جامعه پذیری و الفت در بین مسلمانان و جوامع اسلامی را ایجاد و هویت مستقل فرهنگی در جامعه اسلامی پدید می آورد. ۶۵ علاوه بر تحقّق وحدت و همدلی، توجّه به قبله توجّه به نداگر یکتاپرستی حضرت ابراهیم علیه السلام، توجّه به زادگاه و خاستگاه دعوت توحیدی پیامبر صلی الله علیه و آله و توجّه به اولین بناء معبد روی زمین است زیرا کعبه اولین نقطه ای است که برای عبادت مردم وضع شده است:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِنَاءَ مَبَارَكًا» ۶۶

در پایان گفتنی است؛ نماز و عبادت به سوی کعبه به هیچ عنوان قابل مقایسه با بت پرستی نمی باشد، زیرا مهمترین ویژگی نماز به سوی کعبه این است که انسان در نماز خالق هستی را به عنوان پروردگار خود مورد پرستش و ستایش قرار می دهد برخلاف بت پرستی که بت را به عنوان «پروردگار» خود دانسته و آن را مورد پرستش و ستایش قرار می دهد لذا اگر قرار بود در نماز خواندن به سوی کعبه نوعی بت پرستی وجود داشته باشد باید مسلمانان از نظر اعتقادی، به این مسئله خود را ملتزم بدانند و حال آن که تمامی مسلمانانی که به سوی کعبه نماز می خوانند علاوه بر این که «کعبه» را به عنوان پروردگار خود قبول ندارند، با بررسی محتوای نماز معلوم می شود در نماز از کعبه هیچ گونه سخن و ستایشی مطرح نشده؛ بلکه همه آنها، کعبه را تنها به عنوان قبله و جهت نماز خود قبول داشته و در نماز نیز تنها خداوند و خالق هستی خود را مورد ستایش قرار می دهند نه کعبه را.

نماز به زبان عربی

پرسش ۸. چرا حتماً باید نماز را به زبان عربی خواند؟

خواندن نماز به زبان عربی، حکمت های فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

غنائی زبان عربی

غنائی زبان عربی از جهت واژگانی، ساختاری و معنایی - به ویژه در حوزه معارف دینی - به گونه ای است که با دیگر زبان ها قابل قیاس نیست. بررسی های انجام شده، نشان می دهد که برخی از مفاهیم قرآنی، در زبان های دیگر معادل ندارد. رایج ترین آیه قرآن؛ یعنی

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» به هیچ زبانی ترجمه دقیق نشده است و گویی هیچ مترجمی نمی تواند معادل های دقیق برای برخی از واژه های به کار رفته در آن بیابد. جالب است بدانید که برخی از مترجمین قرآن در مواردی به جای معادل گذاری، خود واژه های قرآن را به کار می برند و از این طریق، واژه های قرآن وارد بسیاری از زبان ها (چون فارسی، انگلیسی و...) شده است.

به عنوان مثال، مارمادوک پیکتال - یکی از مترجمان نامدار قرآن به زبان انگلیسی - هرگز کلمه God را به جای «الله» به کار نبرده است؛ بلکه Allah را استعمال نموده و آن را از جهات متعددی برتر از God می داند. و یا دو کلمه «رحمن و رحیم» این دو واژه یکی رحمت عامه خداوند را می رساند که شامل مؤمن و کافر است و آن «رحمن» است و یکی رحمت خاصه به مؤمنان را که واژه «رحیم» است.

در فارسی ما دو معادل برای بخشنده نداریم که یکی تعمیم را برساند و دیگر مخصوص بودن آن را برای عده ای خاص و اگر در ترجمه «رحیم» گفته می شود مهربان به جهت تنگ بودن قافیه است والا مهربان معادل «رئوف» عربی است و معادل رحیم نیست. بنابراین معادل صریحی برای این دو واژه نداریم و بخشنده و مهربان دو واژه نزدیک به لفظ عربی آن هستند و نه مرادف دقیق. بنابراین فارسی سازی نماز و یا هر زبان دیگری نمی تواند دربردارنده تمامی معانی نماز باشد و این امر مساوی با از دست دادن آثار و فواید نماز خواهد شد.

مصونیت از تحریف

خواندن نماز به یک صورت معین، آن را از دستبرد، تحریف و آمیخته شدن به خرافات و مطالب بی اساسی که بر اثر مداخله افراد غیرمتخصص، هنگام ترجمه آن به زبان های دیگر، رخ می دهد، نگاه می دارد و به این وسیله روح این عبادت اسلامی محفوظ تر می ماند.

ایجاد روح اتحاد و همدلی در مسلمانان

شاید بتوان گفت به عربی خواندن نماز، بیانگر روح اتحاد در جوامع مسلمانان است. هر مسلمانی در هر جای عالم باشد به سوی یک قبیله و با یک طریق و یک زبان با معبود خوش به راز و نیاز می پردازد و در هر دیار و کشوری که انسان مسلمان وارد شود - هر چند زبان ها متفاوت است - اما در هر مسجدی که قدم بگذارد شیوه نیایش با خدای سبحان یکی است و این خود بهترین نوع اتحاد و همدلی را پدید می آورد. ۶۷.

خواندن نماز به زبان عربی، یکی از نشانه های جهانی بودن دین اسلام است؛ زیرا جمعیتی که در یک صف قرار می گیرند و در یک جبهه فعالیت می کنند، ناگزیرند، زبان واحدی داشته باشند که به وسیله آن تفاهم کنند؛ یعنی علاوه بر زبان مادری و محلی، یک زبان عمومی و جهانی هم داشته باشند. نماز خواندن به یک زبان، از طرف تمام مسلمانان رمز وحدت و نشانه یگانگی مسلمانان است. و از آنجا که زبان عربی به اعتراف اهل فن، یکی از وسیع ترین و جامع ترین زبان های دنیاست، این حقیقت روشن تر می شود که تمام فرق مسلمان می توانند آن را به عنوان یک زبان بین المللی شناخته و از آن به عنوان تفاهم و همبستگی اسلامی استفاده نمایند.

زبان معارف دینی

زبان عربی نه تنها زبان یک قوم؛ بلکه زبان دین ما است و آشنایی با آن، ما را مستقیماً با پیام خدا و سنت قولی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام آشنا می سازد. عربی بودن نماز، موجب انس و ارتباط دائمی مسلمانان با زبان دین و کتاب آسمانی می شود و زمینه آشنایی هرچه بهتر و مستقیم تر از معارف دینی را فراهم می آورد.

اعجاز گونگی

لطافت و زیبایی و اعجازین بودن سوره های قرآن، در صورت ترجمه از دست خواهد رفت و زیباترین ترجمه های بشری، هرگز جانشین لطافت و زیبایی کلام خداوند و آهنگ دلنشین و دل نواز آن نخواهد شد. «مارمادوک پیکتال» - در مقدمه ترجمه انگلیسی خود از قرآن - می نویسد: «قرآن را نمی توان ترجمه کرد؛ زیرا نغمه و آوای بی نظیر و آهنگ دلنشین آن، انسان را دگرگون می سازد و او را به خشوع و گریه و یا شور و شوق وا می دارد». ۶۸.

مصونیت فرهنگی

از منظر جامعه شناسی زبان، یکی از مهم ترین ابزارهای انتقال و پویایی فرهنگی است. فرهنگ پذیری (Acculturation) و جامعه پذیری (Socialization) در حد بسیار بالایی وامدار زبان می باشد. اگر استعمار جدید (Neo_colonialism) با تمام توان خود در بسط زبان خود می کوشد، از آن روست که بهترین راه تحمیل فرهنگ خود و بیگانه سازی ملت ها با هویت خویش، در گرو تغییر زبان و ادبیات است. برای مسلمانان، پیوند دائمی و فزاینده با زبان عربی - که حاوی فرهنگ، ادبیات و معارف دینی است - یک ضرورت اجتناب ناپذیر است و بدون آن جامعه اسلامی، با شتاب بیشتری دستخوش استحاله فرهنگی خواهد شد. از این رو شارع مقدس اسلام از طریق نمازهای پنج گانه، پیوند با زبان دین را نهادینه و دائمی ساخته تا به این وسیله انتقال و پویایی فرهنگ اسلامی، در همه نسل ها و صیانت آن در برابر تهاجمات فرهنگی بیگانگان، در حد بالایی تضمین شود. وحدت زبان ضامن حفظ و مصونیت این عبادت بزرگ از تحریف و آمیختگی با خرافات است.

گذشته از همه این حکمت ها، خداوند که آفریدگار انسان ها است و انسان را برای تکامل و رسیدن به سعادت آفریده است، نماز را به همین شکل وسیله عروج و ارتقای آدمی قرار داده است که این عروج و پرواز در فضای معنویت و تعبد و بندگی است، بندگی که مولای عارفان علی علیه السلام به آن افتخار می کند: «کفی بی فخرا ان اکون لک عبدا»؛ «خدایا! افتخارم همین بس که بنده تو هستم». البته انسان می تواند در قالب دعا و نیایش با هر زبان که خواسته باشد با پروردگار خویش راز و نیاز داشته پیوند و ارتباط برقرار نماید. اما نماز، کامل ترین شکل آن است.

در پایان این نکته را یادآوری می نمایم که دانستن معنای آیات و اذکار نماز باعث بهره مندی بیشتر از نماز و توجه به خدا می شود لذا بر هر مسلمان شایسته است نسبت به یادگیری معنای نماز اقدام نموده و از آنجا که این جملات هر روز چندین نوبت در نمازها تکرار می شود فراگیری آن ساده و آسان است.

نماز اوّل وقت

پرسش ۹. دلیل تأکید بر نماز اوّل وقت چیست؟ آیا بهتر نیست هرگاه وقت داشتیم نماز بخوانیم؟

به طور طبیعی هر کاری زمانی ویژه دارد که در صورت تحقق یافتن در آن زمان، دارای تأثیر بیشتر و مناسب تر خواهد بود. برای مثال ورزش یا خوردن غذا و مصرف دارو هر کدام زمان خاصی می طلبد. اگر در شرایط و فرصت مناسب خودش باشد، بسیار آرامش بخش و مفید خواهد بود؛ ولی اگر در زمان و شرایط خاص تنظیم شده آن انجام نشود انسان با مشکل مواجه خواهد شد. لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: «أَلْأَمْرُ مَرْهُونَةٌ بِأَوْقَاتِهَا»؛ «کارها در گرو زمان و فرصت خاص خویشند».

اوقات نماز نیز فرصت هایی هستند که نوعاً مناسب ترین شرایط برای نماز است از همین رو نماز خواندن در آن اوقات نشاط آور، انرژی بخش و دارای تأثیرات ویژه است. مثلاً در مورد نماز ظهر از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَتَحَّتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَهَبَّتِ الرِّيحُ وَنَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى خَلْقِهِ»؛ «به هنگام ظهر درهای آسمان گشوده می شود و بادهای (رحمت) وزیده می شود و خداوند به مخلوقاتش نظر می کند» که در مورد بقیه نمازها نیز به همین صورت است ۷۱.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده اند: «هیچ عمل و طاعتی نزد خدای با عزّت و جلال از نماز محبوب تر نیست، پس هیچ چیز از امور دنیا از بجا آوردن نماز در وقت هایش شما را مشغول نگرداند، زیرا خداوند با عزت و جلال جماعت و گروهی را مذمت کرده و فرموده: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»؛ «کسانی که از نمازشان غفلت می ورزند یعنی وقت های آن را سبک می شمارند».

در جای دیگر امام صادق علیه السلام تفاوت نماز اوّل وقت با آخر وقت را چنین بیان داشته اند: «فَضْلُ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْأَخِيرَةِ عَلَى الدُّبَا»؛ «فضیلت اوّل وقت بر آخر آن همانند فضیلتی است که آخرت بر دنیا دارد».

اهمیت این مسئله زمانی به اوج خود می رسد که از سوی ائمه علیهم السلام خواندن نماز اوّل وقت به عنوان یکی از علائم شیعه مطرح می گردد. امام صادق علیه السلام فرموده اند: «امْتَحِنُوا شِيعَتَنَا عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ كَيْفَ مُحَافِظَتِهِمْ عَلَيْهَا»؛ «شیعیان ما را در اوقات نماز آزمایش کنید که چگونه بر خواندن نماز خود در موعد مقرر محافظت می کنند».

برخی آیات قرآن نیز بر لزوم نماز اول وقت اشاره دارد. خداوند می فرماید:

«وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» ۷۵؛ «و بر نمازهای خویش، مراقبت می کنند».

تفسیر معروف آیه، این است که مراد از محافظت بر نماز، محافظت بر وقت نماز است. ۷۶.

«رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ» ۷۷؛ «مردانی که نه تجارت و نه معامله آنها را از یاد خداوند و بر پا داشتن نماز غافل نمی کند».

در روایت آمده: آنها تاجرانی هستند که تجارت و بیع، آنان را از یاد خداوند غافل نمی سازد، هنگامی که وقت داخل می شود حق آن را ادا می کنند. ۷۸.

«فَخَلَفَ مِنْ بَدْهِمْ خَلْفًا أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيَابًا» ۷۹؛ «اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند؛ و به زودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید!»

خداوند متعال در این آیه از گروهی نام برده اند که به دلیل ضایع کردن نماز و پیروی شهوات گرفتار غی ۸۰ خواهند شد. از امام صادق علیه السلام روایت شده: مراد از ضایع کردن نماز در این آیه ترک نماز نیست، بلکه از این ضایع کردن نماز در این آیه تأخیر در نماز است. ۸۱.

«قَوْلٍ لِّلْمُصَلِّينَ، الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» ۸۲؛ «پس وای بر نمازگزارانی که، در نماز خود سهل انگاری می کنند».

یونس بن عمار می گوید: از حضرت صادق علیه السلام از معنای این آیه سؤال کردم که آیا مراد، وسوسه شیطان است که انسان را گرفتار سهو می کند؟ حضرت فرمودند: «خیر، هر انسانی گرفتار سهو در نماز می شود و لیکن مراد این است که نماز می خواند، ولی آن را در اول وقتش نمی خواند» ۸۳.

نماز اول وقت موجب عادت دادن شخص به نظم و باعث نشاط و آمادگی و حضور قلب بیشتر در نماز می باشد؛ علاوه بر این موارد در نصوص دینی نیز آثار دنیوی و اخروی فراوانی برای نماز اول وقت نقل شده که می توان در این زمینه از امور زیر نام برد:

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ رَبَّكُمْ يَقُولُ هَذِهِ الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ الْمَفْرُوضَاتُ فَمَنْ صَلَّاهُنَّ لَوْفَتِهِنَّ وَحَافِظَ عَلَيْهِنَّ لَقِيَنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ عِنْدِي عَهْدٌ أَذْخِلُهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَمَنْ لَمْ يَصَلِّهِنَّ لَوْفَتِهِنَّ وَ لَمْ يَحَافِظْ عَلَيْهِنَّ فَذَلِكَ إِلَيَّ إِن شِئْتُ عَذَّبْتُهُ وَ إِن شِئْتُ غَفَرْتُ لَهُ» ۸۴؛ «خدا می فرماید: این نمازهای پنج گانه فریضه است، پس کسی این نمازها را در وقتش بجا آورد و محافظت بر او نماید، روز قیامت مرا ملاقات خواهد کرد. و بر عهده من است که او را وارد بهشت کنم، و کسی که در وقتش نمازها را بجا نیاورد و محافظت بر او نکند، در این صورت بر من است که اگر بخواهم او را عذاب می کنم، و اگر بخواهم او را می بخشایم».

امام حسن عسکری علیه السلام فرموده اند: «موسی به عمران با خداوند سخن گفت و از پروردگار خویش پرسید: خدایا! پاداش کسی که نمازش را اول وقت می خواند چیست؟ خداوند تبارک و تعالی فرمود: خواهش و خواسته او را برآورده می کنم و بهشت را بر او مباح می گردانم» ۸۵.

رسول الله صلی الله علیه و آله وعده داده: «إِذَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَاهَةً مِنَ السَّمَاءِ عَوْفَى مِنْهَا حَمَلَةٌ الْقُرْآنِ وَ رِعَاءُ الشَّمْسِ أَى الْحَافِظُونَ لِأَوْقَاتِ الصَّلَوَاتِ وَ عَمَارُ الْمَسَاجِدِ» ۸۶؛ «هنگامی که خداوند سبحان، از آسمان آفت نازل کرد حاملین قرآن، رعایت کنندگان خورشید، یعنی کسانی که اوقات نماز را مراعات کنند، و مساجد را آباد می سازند از این آفت در امانند».

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «مَا مِنْ صَلَاةٍ يَحْضُرُ وَقْتَهَا إِلَّا نَادَى مَلَكٌ بَيْنَ يَدَي النَّاسِ قَوْمُوا إِلَي نِيرَانِكُمْ الَّتِي أَوْقَدْتُمُوهَا عَلَى ظُهُورِكُمْ فَأَطْفِئُوهَا بِصَلَاتِكُمْ» ۸۷؛ «وقت هر نماز فرا می رسد، فرشته ای در میان مردم ندا سر می دهد برخیزید، به وسیله نمازتان، آن آتش گناه را که خودتان فراهم کردید، خاموش کنید».

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَلِكُ الْمَوْتِ يَدْفَعُ الشَّيْطَانَ عَنِ الْمُحَافِظِ عَلَى الصَّلَاةِ وَ يَلْقَنُهُ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ

مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فِي تِلْكَ الْحَالَةِ الْعَظِيمَةِ» ۸۸؛ «هنگام مرگ ملک الموت شیطان را (در آن هنگام که می خواهد ایمان انسان ها را بگیرد) از کسی که محافظت به (اوقات) نماز می کند، دفع می کند و شهادتین «شهاد ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله» را در این

حالت به او تلقین می کند».

از همین رو، پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَا مِنْ عَبْدٍ اِهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ وَ مَوَاضِعِ الشَّمْسِ إِلَّا ضَمِنْتُ لَهُ الرُّوحَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ انْقِطَاعِ الْهُمُومِ وَ الْأَحْزَانِ وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ» ۸۹؛ «بنده ای (نمازگزار) که اهتمام و مواظبت به اوقات نماز نماید، و مواضع آفتاب را برای وقت نمازش دقت کند، من ضمانت می کنم برای او راحتی در دم مرگ را و دفع و رفع هموم و درد و اندوه و نجات از آتش جهنم را».

امام باقر علیه السلام فرموده است: «هرگاه نماز در اوّل وقت بالا برود، سفید و درخشان به سوی صاحبش باز می گردد و به او خطاب می کند: از من مواظبت نمودی خدا تو را حفظ کند...» ۹۰.

امام باقر علیه السلام فرموده اند: «أَيُّمَا مُؤْمِنًا فَطَعَلَ عَلَى الصَّلَاةِ تَأَلَّفَ رُوضَةً فَصَلَّاهَا لَوْ فُتِنَ بِهَا فَلَيْسَ هَذَا مِنَ الْغَافِلِينَ» ۹۱؛ «هر مؤمنی محافظت بر نمازش نماید، و او را در وقتش بجا آورد، از انسان های غافل شمرده نمی شود».

نمازهای پنج گانه

پرسش ۱۰. چرا باید در پنج نوبت نمازهایمان را بخوانیم؟ چرا تعداد رکعات نماز در هر نوبت با هم تفاوت دارند؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، فلسفه اوقات نمازهای پنج گانه را چنین بیان نموده اند:

نماز صبح؛ «پروردگرم مرا امر نموده که قبل از طلوع خورشید و قبل از آن که کافر برای آفتاب سجده کند، نماز صبح بخوانم؛ تا آن که اتم برای خداوند سجده نمایند، و زود بجای آوردن آن در پیشگاه خداوند محبوب تر است. این نمازی است که ملائکه شب و روز شاهد آن می باشند».

نماز ظهر؛ «در این ساعت خداوند نماز را بر من و اتم واجب ساخت و این ساعتی است که جهنمیان را در قیامت به جهنم وارد می کنند، پس در این ساعت هر مؤمنی در حال رکوع یا سجود یا قیام مشغول باشد خداوند سبحان جسدش را بر آتش جهنم حرام می گرداند».

نماز عصر؛ «و آن در ساعتی است که حضرت آدم از آن میوه که از خوردن آن نهی شده بود، خورد و خداوند او را از بهشت خارج کرد. پس خداوند ذریه حضرت آدم را امر به نماز عصر نمود، و خداوند سبحان این نماز عصر را برای امت من نیز اختیار نمود و این نماز از محبوب ترین نمازها در نزد خداوند است و مرا سفارش نمود به حفظ بیشتر این نماز در بین نمازهای یومیه».

نماز مغرب؛ «و آن در ساعتی است که خداوند سبحان توبه حضرت آدم را در آن ساعت قبول نمود، در هنگام مغرب دعا مستجاب می شود، پروردگرم به من وعده داده که دعای مؤمنین را در این وقت مستجاب نماید و این همان نمازی است که خداوند در قرآن مرا به آن امر نموده و فرمود خدا را هنگام شام و صبحگاه در نماز مغرب و صبح تسبیح و ستایش گویند».

نماز عشاء؛ «پروردگرم به من و اتم به نماز عشاء امر فرمود، برای نورانیت قبر و روشن ساختن آن، و این که به من و به اتم نوری روی صراط عطا فرماید، و هر کس قدمی در راه نماز عشاء بردارد، خداوند بدنش را از آتش جهنم حرام می گرداند و این نمازی است که پروردگار آن را برای مرسلین و انبیای قبل از من اختیار نمود. ۹۲»

از حضرت امام رضا علیه السلام نیز روایت است که به فضل بن شاذان فرمود: «خداوند دوست داشته که بندگان قبل از هر کاری، ابتدا طاعت خداوند را انجام دهند پس ایشان را در اوّل طلوع روز، امر کرده است که به عبادتش بپردازند و سپس در پی کار و روزی خویش روند و امر دنیای خود را اداره کنند، پس در این وقت نماز صبح را بر ایشان واجب کرد و چون نیم روز شود از کار دست کشند و آن وقتی است که مردم به جای خود بازگردند و لباس از تن به در آرند و بیاسایند و به خوردن مشغول شوند و استراحت کنند و در چنین هنگامی خداوند آنان را امر فرموده که ابتدا به ذکر و عبادت او بپردازند، از این رو نماز ظهر را بر ایشان واجب کرده است تا به آن آغاز نمایند و سپس به کارهای دیگر بپردازند و چون امور شخصی را انجام دادند و خواستند پی کار و کسب خود روند باز دستور نماز عصر را داده که آن را انجام دهند، و سپس به کاری که در نظر دارند رهسپار گشته و به اصلاح آن امر دنیایی خود پردازند، و چون شب شد،

لباس از تن بیفکنند و به جایگاه و منزل بازگردند، پیش از هر کار باید به عبادت و ذکر پروردگارشان ابتدا کنند و بعد به امور دیگر بپردازند، از این رو نماز مغرب را بر ایشان واجب فرمود، و چون وقت استراحت و خواب آید و از کوشش فراغت یافتند خداوند دوست داشته است که در آغاز به عبادت و طاعت او پردازند، سپس در پی اموری که می خواهند انجام دهند روند و آن چنان باشند که ابتدا کرده باشند در هر فصلی از ساعات شبانه روز به طاعت و پرستش او، و از این جهت در این وقت نماز عشاء را واجب کرد. پس چون این دستور را به کار بندند او را فراموش نخواهند کرد و از او غافل نخواهند شد و در این صورت دل هایشان سخت نگردد و رغبتشان نکاهد. چنان که خداوند عزّ و جل خود فرموده است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ» ۹۳.

کوتاه سخن این که نماز موجب یاد خداست، یاد خدا بهترین وسیله برای خویشتن داری و کنترل غرایز سرکش و جلوگیری از روحیه طغیان گری است، روی همین جهت است که خداوند دستور داده است که آدمی صبحگاهان موقعی که از خواب بیدار می شود، زندگی را با یاد خدا شروع کرده و شب نیز با یاد خداوند به خواب رود. ادای فریضه صبح، ظهر و عصر، مغرب و عشاء که از برترین اوقات است، باعث می شود که انسان همواره به یاد خداوند و مقام عبودیت و بندگی باشد.

در پایان گفتنی است؛ سرّ تفاوت رکعات نماز، چه بسا این باشد که نمازهای یومیّه هر کدام مناسب اوقات خاص خود تعیین شده اند بدین صورت که: صبحگاهان وقتی که انسان از خواب برمی خیزد، روی مصالحی از جمله این که انسان هنوز با مسائل دنیا و زندگی درگیر نشده، نماز دو رکعتی خوانده می شود و در وسط روز به جهت اشتغال به امور مادی و زندگی نیاز بیشتری برای راز و نیاز و عبادت وجود دارد، تا انسان از یاد خدا غافل نشود و او را فراموش نکند.

آثار تربیتی نمازهای پنج گانه

پرسش ۱۱. من قبول دارم نماز خوب است اما آیا بهتر نبود هر روز یک بار نماز می خواندیم؟

در این باره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «نمازهای پنج گانه چون رود پر آب جاری بر در (خانه) شماسست که هر روز پنج بار در آن (خود را) می شوئید». ۹۴ به طوری که اگر در فاصله میان دو نماز غفلت و یا گناهی از انسان سر زد، با برگزاری نماز، انسان به یاد خدا بیاید و گناهِش پاک شود. چنان که خداوند می فرماید:

«إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» ۹۵؛ «نماز انسان را از زشتی ها و منکرات باز می دارد».

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَ زُلْفَاً مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يَذْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ» ۹۶؛ «در دو طرف روز، و اوایل

شب، نماز را بر پا دار؛ چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها را) از بین می برند؛ این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند!».

از همین رو، نقل شده به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفتند: فلانی در روز نماز می خواند و شب ها به دزدی می پردازد پیامبر خدا

صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ صَلَاتَهُ لَتَرُدَّعَهُ»؛ «همانا نمازش جلوی او را خواهد گرفت».

بنابراین، اگرچه نماز یک ارتباط روحی و معنوی است و هدف از آن یاد خداست، اما اسلام خواسته این روح را در قالب یک سلسله برنامه های تربیتی پیاده کند و لذا شرایط زیادی را برای آن قرار داده است، شرایط صحیح بودن نماز، شرایط قبولی و شرایط کمال نماز و در پرتو همین برنامه های تربیتی است که نمازگزار ناچار است که برای صحت و قبولی نماز خود در این سیستم تربیتی قرار گرفته و رشد نماید؛ مثلاً، از شرایط صحت نماز مشروع بودن و مباح بودن تمام وسایلی است که در آن به کار می رود، مانند آب وضو و غسل، جامه ای که با آن نماز می گزارد و مکان نمازگزار، این موضوع سبب می شود که او از حرام دوری کند و در کار و کسب خود از هر نوع حرام اجتناب نماید؛ و به مرور زمان با همین روحیه تربیت شده و از مال حرام اجتناب می نماید.

و یا این که برای قبولی نمازش در پیشگاه خداوند باید زکات و حقوق مستمندان را بپردازد؛ غیبت نکند؛ از تکبر و حسد بپرهیزد؛ از

مشروبات الکلی اجتناب نماید و با حضور قلب و توجه و نیت پاک به درگاه خدا رو آورد.

نمازهای پنج گانه از لحاظ تربیت فردی و اجتماعی نیز دارای فلسفه گوناگونی می باشد که به اختصار به مواردی از آنها اشاره می گردد:

از آنجا که نمازگزار باید به عنوان «وضو» و «غسل» شستشو کند تا برای نماز آماده شود به طور معمول یک فرد تمیز خواهد بود. از این نظر نماز به بهداشت فردی کمک شایانی می کند.

انضباط و وقت شناسی

نمازهای پنج گانه هر کدام برای خود وقت مخصوص و معینی دارد و فرد نمازگزار باید نمازهای خود را در آن اوقات بخواند، لذا این عبادت اسلامی به انضباط و وقت شناسی کمک مؤثری می کند. به ویژه نمازگزار باید برای ادای فریضه صبح پیش از طلوع آفتاب از خواب برخیزد، یک چنین فردی گذشته از این که از هوای پاک و نسیم صبحگاهان استفاده می نماید، به موقع فعالیت مثبت زندگی را آغاز می کند.

همگرایی

نماز در اوقات معین نموداری از وحدت و یگانگی ملت بزرگ اسلام است؛ زیرا همه مسلمان ها در وقت های مخصوصی رو به قبله ایستاده و با آداب خاصی خداوند جهان را می پرستند، این خود نمونه بزرگی از اتحاد و یگانگی مردم است. هرگاه این نمازها به صورت جماعت برگزار گردد، روح وحدت و اتحاد و مساوات و برابری، از صف های منظم و فشرده نمازگزاران بیشتر نمایان خواهد بود.

پرورش فضائل اخلاقی

نماز روح اخلاص و خداباوری را در انسان افزایش می دهد و نتیجه آن پرورش فضایل اخلاقی و تکامل روحی انسان است؛ چه تکاملی بالاتر از این که روح ما از جهان محدود ماده و چهار دیوار طبیعت بیرون رفته و با جهان بیکران کمال مطلق «خدا» مرتبط گردد و در انجام وظایف بندگی و کارهای زندگی، از قدرت نامتناهی و نیروی نامحدود او استمداد بطلبد و خدا را در همه حال حاضر و ناظر خود بداند و به اندازه ای شایسته و لایق گردد که بتواند با او سخن بگوید.

یکی از اهداف نماز خشوع و خضوع در پیشگاه مقام ربوبیت و کنار رفتن پرده های تکبر و غرور می باشد. به طور موبایستادن، رکوع کردن، جبینبهاکساییدن، سجده و نشستن دوزانو... همهنشانهای خضوع است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «مِنْ تَغْفِيرِ عِتَاقِ الْوُجُوهِ بِالْتَّرَابِ تَوَاضَعًا»؛ «خدای سبحان نماز را مقرر داشت تا پیشانی از روی تواضع به خاک مالیده شود».

هنگامی که انسان در هر شبانه روز هفده رکعت و در هر رکعت دو بار پیشانی بر خاک در برابر خدا می گذارد و خود را ذره کوچکی در برابر عظمت او می بیند، از این رو پرده های کبر و غرور و خودخواهی را کنار می زند.

حضرت علی علیه السلام بعد از بیان فلسفه عبادت، یکی از آثار نماز را تکبر زدایی بیان نمود: «خداوند ایمان را برای پاکسازی انسان ها از شرک واجب کرده است و نماز را برای پاکسازی از کبر» ۹۸.

حضرت فاطمه علیها السلام نیز می فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ الصَّلَاةَ تَنْزِيهَا لَكُمْ مِنَ الْكِبَرِ»؛ «خداوند نماز را مقرر داشت تا دامن انسان را از کبر و منیت پاک گرداند».

خویشتن داری و کنترل غرایز

از لحاظ تربیتی، یاد خدا بهترین وسیله برای خویشتن داری و کنترل غرایز سرکش و جلوگیری از روح طغیان است. «نمازگزار» همواره به یاد خدا می باشد و کمترین اثر یاد خدا این است که به خودکامگی انسان و هوس های وی پایان می بخشد، چنان که غفلت از یاد خدا و بی خبری از پاداش ها و کیفرهای او، موجب تیرگی عقل و خرد و کم فروغی آن می شود.

بزرگ ترین مصیبت برای رهروان راه حق آن است که هدف آفرینش خود را فراموش کنند. و غرق در زندگی مادی و لذائذ زودگذر گردند، اما نماز به حکم این که در فواصل مختلف در هر شبانه روز پنج بار انجام می شود، مرتباً به انسان اخطار می کند و هشدار می دهد و هدف آفرینش او را خاطر نشان می سازد... و این نعمت بزرگی است که انسان وسیله ای در اختیار داشته باشد که در هر شبانه روز چند مرتبه به او بیدار باش گوید. ۱۰۰

هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام پرسید: چرا نماز واجب شد، در حالی که هم وقت می گیرد و هم انسان را به زحمت می اندازد؟

امام فرمود: «پیامبرانی آمدند و مردم را به آیین خود دعوت نمودند. عده ای هم دین آنان را پذیرفتند، اما با مرگ آن پیامبران، نام و دین و یاد آنها از میان رفت. خداوند اراده فرمود که اسلام و نام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله زنده بماند و این از طریق نماز امکان پذیر است» ۱۰۱.

کنترل هیجانات و آرامش قلبی

مقطع حساس جوانی همراه با فوران احساسات و هیجانات درونی می باشد و به طور طبیعی بخشی از این هیجانات موجب بروز مشکلاتی برای این نسل می گردد اما از آنجا که خداوند متعال در انس با نماز و یاد خودش آرامش و طمأنینه قرار داده: «**أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ**» ۱۰۲. لذا جوانانی که همراه با نماز رشد می نمایند جوانانی با وقار، آرام و به دور از هرگونه هیجانات کاذب می باشند. حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه معروف به خطبه قاصعه گوشه هایی از مفاسد اخلاقی همچون کبر و سرکشی و ظلم را برمی شمرد و سپس می فرماید: خداوند بندگان را، با نماز و زکات و تلاش در روزه داری، حفظ کرده است. آنگاه در مورد آثار نماز می فرماید: «**تَسْكِينًا لِطُرَافِهِمْ، تَخْشِيعًا لِإِصْرِهِمْ، تَذَلِيلًا لِنَفْسِهِمْ، تَخْفِيزًا لِقُلُوبِهِمْ، إِزَالَةً لِلْخِيَلِ عَنْهُمْ**» ۱۰۳؛ «نماز به همه وجود انسان آرامش می بخشد، چشم ها را خاشع و خاضع می گرداند، نفس سرکش را رام، دل ها را نرم و تکبر و بزرگ منشی را محو می کند».

بررسی ها و تحقیقات به عمل آمده نیز نشان داده است که جوانان و نوجوانانی که گرایش به نماز دارند از میزان اعتماد به نفس و کنترل درونی بالا و هیجان خواهی کمی برخوردارند. ۱۰۴

تکرار در نماز

پرسش ۱۲. چرا در نمازها برخی از الفاظ و سوره ها خیلی تکرار می شود؟

قبل از پاسخ به سؤال به عنوان مقدمه باید بگوییم که انسان برای ادامه حیات مادی خود بسیاری از کارها را خواسته یا ناخواسته تکرار می نماید و اگر تکرار آنها متوقف شود زندگی اش به خطر می افتد، به عنوان نمونه: نفس کشیدن انسان به طور دائم تکرار می شود، قلب انسان بدون تعطیلی به ضربان خود ادامه می دهد، انسان برای رفع خستگی می خوابد و این کار را بارها و بارها تکرار می کند بدون آن که از تکرار آن خسته شود، انسان برای زنده نگه داشتن خود بارها و بارها غذا می خورد، آب می نوشد و برای حفظ سلامت خود بارها و بارها نظافت بدن را تکرار می کند و نه تنها این امور زمینه کسالت و خستگی او را فراهم نمی کند بلکه باعث نشاط و شادابی بیشتر وی نیز می گردد.

با توجه به مقدمه گفته شده در پاسخ به این سؤال می گوییم: همان گونه که انسان در زندگی مادی خود نیاز به تکرار برخی کارها دارد، در زندگی معنوی نیز باید برخی اعمال عبادی همچون نماز را، ذکرها و سوره های مهم را بارها تکرار کند تا انسان نشاط معنوی خود را بازآورد و یا تثبیت کند و یا ارتقاء بخشد.

ناگفته نماند گاهی انسان دچار پراکندگی ذهنی و حواس پرتی می شود و تکرار، موجب جبران می شود. علاوه بر این که معانی بلند و مطالب مهم این ویژگی را دارد که با هر تکرار، انسان به یکی از ابعاد آن توجه می کند و با تکرار الفاظ نورانیت بیشتر برای نمازگزار حاصل می شود.

کیفیت نماز

پرسش ۱۳. آیا حتما باید نماز را به این شکل رکوع و سجود انجام دهیم؟ چه اشکالی دارد مانند مسیحیان ایستاده و با

احترام مناجات کنیم؟

در ابتدا باید دانست؛ «تنوع» و «تحرک» علاوه بر معانی بلند حمد و سوره و اذکار نماز از ویژگی های ممتاز «نماز» نسبت به سایر انواع عبادت ها در ادیان مختلف است و این نشانه جامعیت و برتری اسلام است. یکی از آثار تنوع و تغییر وضعیت چه بسا ایجاد حس هشیاری

و دوری از یکنواختی است که در توجّه انسان در مراحل عبادت می تواند بسیار مؤثر باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: «**صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أَصْلَى**»؛ «همان گونه که من نماز می خوانم، شما نیز بخوانید». ۱۰۵ شکل عبادت و پرستش به دستور پیامبر از جانب خدا بوده است. وقتی که پذیرفتیم باید نماز بخوانیم نحوه نماز خواندن را باید از فرمان خداوند و پیام آور خدا یاد بگیریم، همانطور که وقتی بیمار مراجعه به پزشک را ضروری تشخیص داد، چگونگی و نحوه مصرف دارو، تابع نظر و دستور پزشک می باشد.

علاوه بر این که کیفیت و شکل و نحوه خواندن نماز یک امر تعبدی است، اسرار و رموزی که در نماز نهفته، هم زیبا است و هم معارف بلند اسلامی در آن قرار داده شده؛ هم تسبیح و تقدیس لفظی است و هم تقدیس عملی می باشد. رکوع و سجود و تسبیح و تحمید و دعا و تکبیر و سلام و خلاصه همه زیبایی ها در نماز جمع شده است.

نماز سفره ای است گسترده که خداوند آن را در پنج نوبت در شبانه روز برای بندگانش باز می کند و بر سر این سفره انواع و اقسام غذاهای لذیذ وجود دارد و هر کس مطابق ذوق و سلیقه و به اندازه توان و مرتبه وجودی و استعداد خود از آن بهره مند می شود. نماز عبادتی جامع است که می تواند تمام وجود انسان (از جهات بدنی و ظاهری گرفته تا جهات ذهنی و قلبی و باطنی) را در خدمت بندگی و پرستش قرار دهد.

تکبیرة الاحرام

پرسش ۱۴. فلسفه این که نماز با گفتن تکبیر شروع شده و به هنگام گفتن «الله اکبر» دست ها را بالا می آوریم چیست؟ امام رضا علیه السلام در پاسخ به این سؤال فرموده اند: حق تعالی در ابتدای نماز، تکبیر را واجب نموده زیرا در این جمله ابتداء نام «الله» آمده و حق تعالی اراده اش تعلق گرفته است که به نام او آغاز شود و این مقصود در ابتدا به تسبیح «سبحان الله» و تحمید «الحمد لله» و تهلیل «لا اله الا الله» تأمین نمی شوند زیرا «الله» در این کلمات مؤثر آمده است ۱۰۶. علاوه بر این که در معنای تکبیر، عظمت الهی به بهترین وجه تجلی می نماید چرا که «الله اکبر» یعنی خدا برتر از همه موجودات هستی، عقلی، ملکی و ملکوتی است، یعنی خدا برتر از آن است که کسی بتواند او را توصیف کند... از همین رو امام صادق علیه السلام می فرماید: همین که تکبیر می گویی باید همه چیز نزد تو کوچک شود جز او ۱۰۷. اما در خصوص فلسفه بالا آوردن دست ها در احادیث چنین آمده که بلند نمودن دو دست نوعی تضرع و تواضع است لذا حق تعالی دوست دارد که بندگان در وقتی که یادش می کنند با حالت تضرع و تواضع باشند ۱۰۸.

اسرار نماز

پرسش ۱۵. فلسفه کارهایی مانند: نیت، قیام، رکوع و سجود در نماز چیست؟

فلسفه نیت

عنصری که به عمل انسان، بها می دهد، نیت و انگیزه و هدف اوست. نیت رکن عبادت است. اگر عملی بدون نیت انجام شود، یا نیت غیرخدایی داشته باشد، باطل است. نیت، اصل و اساس عمل است. مقدس ترین کارها به خاطر نیت بد، فاسد می شود و ساده ترین کارها، با نیت خوب، ارزشی بسیار پیدا می کند.

نیت خدایی، عامل جذب الطاف الهی است. هر که در راه خدا تلاش کند خداوند هم راه های خودش را به او می نمایاند: «**وَالَّذِينَ**

جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» ۱۰۹ و نیت شرط قبولی عمل است.

امام صادق علیه السلام از قول خدای متعال نقل می کنند و می فرمایند: «لَمْ أَقْبَلْهُ إِلَّا مَا كَانَ خَالِصاً» ۱۱۰؛ «جز آنچه را خالص برای من می باشد، نمی پذیرم» ۱۱۱.

فلسفه قیام

«حقیقت قیام عبارت از ایستادن در پیشگاه پروردگار برای اداء حق عبودیت و بندگی او... و بدانند که در فردای قیامت او را در پیشگاه ذات اقدس خود ایستادنی است که چگونگی آن را این ایستادن تعیین می کند و لذا سزاوار است که انسان آن چه در توان دارد در تصحیح قیام نماز خود، به کار گیرد...۱۱۲».

فلسفه رکوع

رکوع آن است که پس از پایان سوره، به نیت تعظیم و فروتنی در برابر فرمان و عظمت پروردگار، تا حدی خم شویم که دست ها به زانوها برسد، کمر صاف باشد، گردن کشیده باشد.

حضرت علی علیه السلام در بیان فلسفه چنین حالتی در رکوع می فرماید: «معنای کشیدن گردن در رکوع این است که در ایمان به خدا استوارم، اگر چه گردنم زده شود، و معنای سر برداشتن از رکوع و گفتن «سمع الله» این است که حمد و ثنای ما را می شنود، آن خدایی که مرا از نیستی و عدم به وجود آورده است»۱۱۳.

فلسفه سجده

سجده، نشان تذلل و خاکساری در برابر خداوند و عالی ترین درجه عبودیت است. انسان با سجده، خود را هم رنگ با هستی می کند:

«وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» ۱۱۴.

سجده بهترین حالتی است که انسان به خدا نزدیک می شود. سجده، رمز دوران های چهارگانه زندگی انسان است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: سجده اول، یعنی این که از خاک هستم، سر برداشتن رمز زندگی دنیایی است. سجده دوم، رمز مردن و به خاک خفتن است، سر برداشتن از سجده دوم، رمز محشور شدن است ۱۱۵ و این کلام امیرالمؤمنین علیه السلام مضمون این آیه است که:

«مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى» ۱۱۶؛ «ما شما را از خاک آفریدیم و به خاک بر می گردانیم و بار دیگر از خاک، بیرونتان می آوریم».

سوره حمد

پرسش ۱۶. چرا باید در نماز، حتماً سوره حمد خوانده شود؟

در خصوص علت خواندن سوره حمد و عدم جایگزینی دیگر سوره های قرآن به چند دلیل عمده می توان اشاره نمود؛ جامعیت این سوره

سوره حمد آیات الهی از زبان بندگان خداوند است و ارتباط خالق و مخلوق را به اوج می رساند. امام رضا علیه السلام فرموده اند: «هیچ سوره ای از سوره های قرآن مثل سوره حمد مشتمل بر جوامع خیر و حکمت نیست و شرح آن چنین است:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» با این عبارت بنده آنچه حق تعالی بر او واجب کرده یعنی شکر توفیق یافتنش برای اعمال خیر را ادا می کند. «رَبِّ الْعَالَمِينَ» این عبارت تمجید حق تعالی و تحمید او بوده و نیز با آن بنده اقرار می کند که او فقط خداوند؛ خالق و مالک است نه دیگری.

«الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» با این عبارت بنده عطوفت خالق را نسبت به خود طلب کرده و همچنین پروردگار و نعمت هایش بر جمیع مخلوقات را یادآور می شود.

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» اقرار به بعث و زنده شدن مردگان و حساب و مجازات بندگان بوده و نیز با این کلام بنده ملک آخرت را برای حق تعالی اثبات نموده همان طوری که ملک دنیا را برایش ایجاب می نماید.

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ» با این عبارت بنده رغبت و تقرب خود به خدا را بیان کرده و نیز خبر می دهد از اخلاص عمل فقط برای خالق نه دیگری. «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» بنده با این عبارت از خدا تقاضا می کند که توفیق و عبادتش را زیاد کرده و نعمت ها و نصرتش را خالق نسبت به او ادامه دهد.

«أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» بنده با این جمله از خدا تقاضای ارشاد کرده و نیز بدین وسیله به ریسمان هدایتش چنگ زده و همچنین از خدا می خواهد که معرفتش را به او و به عظمت و کبریائیش زیاد نماید.

«صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» این جمله تأکید بنده نسبت به هدایت و رغبتش در ارشاد شدن را رسانده و نیز با این عبارت بنده متذکر نعمت های حق تعالی بر اولیانش شده و همچنین رغبت و میلش به مثل چنین نعمت هایی را می رساند.

«غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» بنده با ادای این عبارت پناه به خدا برده و استعاذه می جوید از این که در زمره معاندین و کافرین و کسانی باشد که پروردگار و امر و نهی او را خفیف و کوچک می شمردند.

«وَلَا الضَّالِّينَ» با این کلمه بنده از خدا تقاضا می کند او را معصوم و محفوظ بدارد از این که در گروه آنان که از طریق مستقیم حق تعالی گمراه بوده و بدون عرفان چنین می پندارند که اعمال پسندیده و شایسته بجا می آورند باشد.

و بدین ترتیب در این سوره جوامع خیر و حکمت نسبت به امر آخرت و دنیا جمع بوده به طوری که با هیچ چیز دیگری برابری نکرده و قابل قیاس نیست. ۱۱۷ به دلیل همین ویژگی است که نماز بدون سوره حمد ناقص است.

از امام باقر علیه السلام درباره حکم کسی که در نمازش «فاتحه الكتاب» قرائت نکرده بود، سؤال شد؛ حضرت فرمود: «لَا صَلَاةَ لَهُ إِلَّا أَنْ يُفْرَأَ بِهَا»؛ «نمازش، نماز شمرده نمی شود، مگر این که در آن «فاتحه الكتاب» را قرائت کند.

فواید سوره حمد

روایات متعددی در خصوص آثار و فواید این سوره بیان گردیده که در اینجا تنها به دو مورد آن اشاره می نمایم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: «ای جابر! آیا برترین سوره ای که خدا در کتابش نازل فرموده به تو بیاموزم؟ جابر عرض کرد: آری، پدر و مادرم فدای تو باد! ای رسول خدا! آن را به من بیاموز. پس رسول اکرم صلی الله علیه و آله سوره «حمد» (آم الكتاب) را به او تعلیم داد و فرمود: ای جابر! آیا آگاهی سازم از این سوره؟ عرض کرد: چرا، پدر و مادرم فدای تو باد! یا رسول الله! از آن مرا باخبر ساز. فرمود: آن شفای هر دردی است جز مرگ» ۱۱۸.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ مَقْطَعٌ فِي أَمِّ الْكِتَابِ» ۱۱۹؛ «اسم اعظم خداوند، در فاتحه کتاب مندرج است». با توجه به دلایل گفته شده معلوم می شود سوره حمد، به سبب ویژگی های منحصر به فردی که دارد، بر دیگر سوره ها مقدم است و بر آنها برتری دارد. از این رو در نماز، سوره حمد را می خوانیم.

آهسته و بلند خواندن نمازها

پرسش ۱۷. فلسفه آرام خواندن قرائت در نماز ظهر و عصر و بلند خواندن آن در نماز مغرب و عشا چیست؟

جهر و اخفات در نماز - چنان چه از بعضی از روایات استفاده می شود - یکی از سنت های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که خداوند خواسته با این سنت امت را نسبت به پای بندی به سیره و سنت پیامبرش آزمایش کند کما این که پیامبر خدا در خصوص نماز می فرمودند: «صلوا کما رأیتُمونی اصلی» ۱۲۰؛ «نماز بخوانید آن گونه که من می خوانم».

در علل الشرائع و عیون اخبارالرضا از امام رضا علیه السلام نقل شده که حضرت فرمود: «علت این که بعضی نمازها باید بلند و بعضی آهسته خوانده شود این است که نمازهایی که باید بلند خوانده شوند (صبح، مغرب، عشاء) در اوقاتی است که هوا نسبتاً تاریک و واجب است بلند خوانده شوند که اگر کسی از آنجا عبور می کند، بداند که جماعتی در آنجا نماز می خوانند تا اگر خواست به آنها ملحق شود؛ چون تاریکی مانع دیدن اوست و بلند خواندن باعث می شود او صدای نمازگزاران را بشنود. ولی دو نمازی که آهسته خوانده می شوند (ظهر و عصر) به دلیل این که روز است و عملشان کاملاً قابل رؤیت است، احتیاج به بلند خواندن ندارد» ۱۲۱.

در روایت است که از امام صادق علیه السلام سؤال شد که چرا باید نمازهای جمعه، مغرب، عشاء و صبح را بلند خواند ولی نماز ظهر و عصر را آهسته؟ حضرت فرمود: «زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی به معراج رفتند اولین نمازی که خدا بر او واجب کرد، نماز جمعه بود؛ آنگاه خداوند به ملائکه امر کرد تا پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله بایستند و به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که نمازش

را بلند بخواند تا فضل و برتری خود را به ملائکه نشان دهد. سپس نماز عصر را بر او واجب کرد، ولی کسی را به پیامبر صلی الله علیه و آله اضافه نکرد تا به وی اقتدا کند؛ از این رو دستور داد تا آهسته قرائت کند. سپس نماز مغرب را واجب کرد و ملائکه را به پیامبر صلی الله علیه و آله افزود. پس امر کرد تا بلند بخواند و همین طور در نماز عشاء. وقتی فجر نزدیک شد، پیامبر صلی الله علیه و آله از آسمان نزول کرد، آنگاه خداوند نماز صبح را بر او واجب کرد و امر کرد تا بلند بخواند تا فضل خود را به مردم نشان دهد، چنان که به ملائکه فضل خود را نشان داده بود» ۱۲۲.

قنوت نماز

پرسش ۱۸. فلسفه قنوت چیست و چرا در هنگام قنوت دست ها را بالا ببریم؟

بهترین حالت به هنگام دعا این است که انسان دست ها را به طرف بالا گرفته و درخواست خود را مطرح می کند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «هیچ بنده ای دستش را به سوی خداوند عزیز جبار دراز نمی کند مگر این که خداوند حیا می کند از این که آن را خالی برگرداند و در آن قرار می دهد از فضل و رحمت خودش آن قدر که بخواهد، به همین جهت هر گاه کسی از شما دعا کرد دست خود را برنگرداند تا این که آن را به سر و صورتش بکشد» ۱۲۳.

اما چرا به طرف بالا؟ مگر خداوند در همه جا حضور ندارد؟ حضرت علی علیه السلام در پاسخ همین سؤال فرمودند: «وقتی از نماز فارغ شدید، دستانتان را به طرف آسمان بالا ببرید و دعا کنید. سؤال شد: مگر خداوند در همه مکان ها نیست؟ حضرت فرمود: درست است. سؤال کرد: پس چرا دستمان را به طرف آسمان بالا ببریم؟ حضرت فرمود: آیا قرآن نخوانده اید که فرموده است: «رزق شما و آنچه وعده داده شده اید، در آسمان است». پس از کجا باید رزق را طلب کرد؟ باید از موضع و جای رزق و آنچه که خداوند وعده کرده، طلب نمود که آسمان است» ۱۲۴.

تشهد نماز

پرسش ۱۹. فلسفه و اسرار تشهد در نماز چیست؟ آیا پیامبر صلی الله علیه و آله هم در تشهد برای خودش صلوات می

فرستاد؟

در ابتدا گفتنی است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله یک شخصیت حقیقی دارد به عنوان یک انسان و یک شخصیت حقوقی به عنوان پیامبر و فرستاده خدا و از این جهت احترام مقام رسالت و شخصیت حقوقی پیامبر صلی الله علیه و آله حتی برای خود پیامبر صلی الله علیه و آله نیز لازم است. از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله موظف بودند نماز را همان گونه که خداوند امر فرموده است، بجای آورند. قرآن مجید نیز می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» ۱۲۵؛ «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می

فرستد؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید».

از آن جایی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله خود در رأس مؤمنان است؛ آیه شامل خود آن حضرت نیز می شود که به مؤمنان دستور می دهد به پیامبر صلوات بفرستند، بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله موظف به فرستادن صلوات و درود بر خود بودند. و اما درباره اسرار تشهد گفتنی است؛ «تشهد تجدید و تکرار شهادتین است که تجدید ایمان و اسلام است و اعتراف به مبعوث شدن بعد از مرگ» ۱۲۶ در تشهد گواهی به یگانگی خدا و رسالت پیامبر در کنار هم آمده و پیوند نبوت و رهبری را با توحید و عبودیت می رساند. تشهد شاید گویای این باشد که این گواهی را هر کس باید با آگاهی و اعتقاد عمیق خود اظهار بدارد و بیعت خویش را با خدا و رسول، تجدید کند.

در شهادت به رسالت و عبودیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله هم عظمت مقام آن حضرت نهفته، که خداوند، شهادت به رسالت او را در کنار توحید قرار داده است، هم پیوند نمازگزار را با خط رهبری الهی و قدردانی از او می رساند، و هم مقدم بودن (عَبْدٌ) بر (رَسُولٌ)

می رساند که رمز رسالت پیامبر، عبودیت اوست، و چون بنده خدا بوده به مقام پیامبری برگزیده شده است. فراز دیگر تشهّد، صلوات است. گرچه اهل سنت، این جمله را در تشهّد نمی خوانند، ولی امام شافعی از رهبران اهل سنت در شعری چنین سروده است:

يا أهل بيت رسول الله حبكم فرض من الله في القرآن أنزله
كفاكم من عظيم القدر أنكم من لم يصل عليكم لا صلاة له

ای خاندان پیامبر! محبت شما بر ما فرض است و خدا این را در قرآن نازل کرده است. در عظمت قدر شما همین بس که هر کس بر شما صلوات نفرستد، نمازش، نماز نیست. ۱۲۷ در کیفیت صلوات بر پیامبر و آلش و نیز در اصل آن، حدیث های متعددی در کتب تفسیر و فقه و حدیث اهل سنت نیز آمده است. حتی در صحیح بخاری روایت است که از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: ما چگونه صلوات بفرستیم فرمود: بگویید: «اللهم صلّ علی محمد و علی آل محمد» ۱۲۸.

در احادیث دیگری نیز آل محمد در کنار نام پیامبر آمده است. ۱۲۹

و در احادیثی، نکوهش از کسانی شده که هنگام صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله اهل بیت آن حضرت را یاد نمی کنند، همچون حدیث پیامبر که فرمود: «مَنْ قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدًا، وَ لَمْ يَصَلِّ عَلَيَّ آلِهِ لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ»؛ ۱۳۰؛ «کسی که بگوید: صلی الله علی محمد و بر آل او صلوات نفرستد بوی بهشت را درک نخواهد کرد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ أَرَادَ التَّوَسُّلَ إِلَيَّ وَ أَنْ تَكُونَ لَهُ عِنْدِي يَدٌ أَشْفَعُ لَهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلْيَصِلْ عَلَيَّ أَهْلَ بَيْتِي وَ يَدْخُلِ السُّرُورَ عَلَيْهِمْ»؛ ۱۳۱؛ «کسی که می خواهد به من توسّل پیدا کند و این که برای او در نزد من دست شفاعت کننده ای برایش باشد پس باید بر اهل بیت من صلوات بفرستد و سرور و شادی را در آنها ایجاد کند». به هر حال، یاد کردن از آل پیامبر صلی الله علیه و آله در صلوات، نشان قدرشناسی از دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله و عمل به توصیه خود آن حضرت است. ۱۳۲

سلام نماز

پرسش ۲۰. وجود سلام در نماز چه فلسفه ای دارد و چرا به جای این که در اوّل نماز گفته شود در آخر نماز گفته می شود؟ آخرین مرحله نماز، سلام و درود فرستادن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بندگان صالح و همه نمازگزاران است. «تکبیرة الاحرام» اجازه ورود به نماز و «سلام» اجازه خروج از آن است. درباره حکمت و فلسفه «سلام» می توان به موارد زیر اشاره کرد:

یگانگی و همدلی مسلمانان

نمازگزار وقتی در سلام نماز به همه مؤمنان و بندگان صالح و بر خودش سلام می دهد، احساس می کند که تنها نیست و یکی از آحاد امت بزرگ اسلام است و با مردان خدا، در هر جای زمین، احساس همبستگی می کند. واژه سلام دو معنا دارد؛

۱. درود و تحیت و آرزوی سلامتی کامل برای مؤمنان،

۲. نام مقدّس خداوند.

بر این اساس، نمازگزار به اذن پروردگار، سلامتی و امان از عذاب را برای مؤمنان درخواست می کند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «معنی السلام فی ذبّر کلّ صلاة الامان»؛ ۱۳۳؛ «معنای سلام در آخر هر نمازی، امان است»؛ اگر نماز را در حالی که قلبش خاضع است بجای آورد، از بلاهای آخرت در امان خواهد بود. ۱۳۴.

امام علی علیه السلام می فرماید: «السلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته»؛ «از خدا ترحم خواستن برای خود و همه بندگان است، که این خود سبب ایمن شدن از عذاب قیامت است» ۱۳۵.

یادآوری نام الهی

امام صادق علیه السلام فرموده است: «سلام، یکی از اسم های خدا است و اگر می خواهی سلام نماز را به خوبی انجام داده و معنایش را ادا کنی، پس باید از خدا بترسی و دین، قلب و عقلت را سالم نگه داری و آنها را به ظلمت گناه نیالی» ۱۳۶.

تلقین نیکی ها و شایستگی ها

یکی از درس ها و ثمرات نماز این است که هر نمازگزار، در هر شبانه روز، پنج بار به خود تلقین می کند که: از بندگان نیکوکار و شایسته خداوند است «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین». کسی که نماز می خواند، اگر به معنای این جمله توجه کند، وجدانش تحت تأثیر قرار می گیرد و سعی می کند با پیام آن تلقین، مخالفت نکند و اعمال خلاف مرتکب نشود و خود را هر چه بیشتر به نیکوکاران، نزدیک سازد. ۱۳۷.

نمازگزار با سلام دادن، نشان می دهد که دوست دار و خیرخواه همه خوبان و نیکوکاران است و همواره آرزوی سلامتی آنان را دارد. این مسئله باعث نزدیکی قلب ها به هم و مستحکم تر شدن دوستی ها و برادری ها است. ۱۳۸.

گفتنی است که سلام فقط برای شروع و آغاز دیدار نیست؛ بلکه در فرهنگ و لغت عرب، به معنای خداحافظی نیز می باشد. آنان زمانی که از یکدیگر جدا می شوند، می گویند: «سلام علیکم».

درباره «سلام آخر» نماز گفته شده است: انسان در نماز، ارتباطی وثیق با خدا برقرار و با دیگران قطع رابطه می کند. اما در پایان نماز - که بازگشت از معراج است - با خلق خدا ارتباط پیدا می کند و در این مرحله به مؤمنان و صالحان سلام و درود می فرستد.

تکبیر بعد از نماز

پرسش ۲۱. فلسفه این که در پایان نماز سه بار «الله اکبر» می گوئیم و دست ها را به بالا می آوریم چیست؟

آنچه مورد توصیه روایات و در نتیجه فتوای مراجع محترم تقلید است، این می باشد: «مستحب است نمازگزار پس از اتمام نماز، سه مرتبه دست ها را بالا آورده و در همین حالات سه مرتبه «الله اکبر» هم بگوید؛ هم چنین به هنگام سلام بدون روی گرداندن از قبله به جانب راست توجه کند و اگر در سمت چپ او نیز کسی هست به سمت چپ نیز اشاره و سلام را تکرار کند و اگر نماز جماعت است یک سلام نیز به سمت جلو به سمت امام ادا نماید» ۱۳۹.

در خصوص علت استحباب این عمل نیز یکی از شاگردان حضرت صادق علیه السلام می گوید: از حضرت امام صادق علیه السلام پرسیدم به چه علت نمازگزار پس از سلام نماز سه مرتبه تکبیر گفته و با هر تکبیر دست ها را بلند می کند؟ ایشان پاسخ فرمودند: بدین علت که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله، مکه را فتح نمود، نماز جماعت ظهر را با اصحابش در کنار حجرالاسود اقامه کرد و آنگاه که سلام نماز را داد دست ها را بلند کرد و سه مرتبه تکبیر گفت و این دعا را خواند: «لا اله الا الله وحده و حده انجز وعده و نصر عبده و اعز جنده و

غلب الاحزاب وحده فله الملك و له الحمد یحیی و یمیت و هو علی کل شیء قدیر» ۱۴۰؛ «پس رو به یارانش فرموده و خطاب

کردند: این تکبیرات و دعا را هیچ وقت بعد از ادای نماز واجب، فراموش نکنید، چرا که ذکر تکبیرات بعد از سلام نماز و خواندن دعای مذکور به منزله سپاس و تشکر از خداوند بر پیروزی اسلام و مسلمانان بر کفر و الحاد است».

بنابراین، «الله اکبر» در واقع شعار برتری و اعتلای مکتب توحید و پیروزی اسلام بر کفر است که در فتح مکه تحقق پیدا کرد و لذا است که نماز با «الله اکبر» شروع می گردد و مستحب است که با «الله اکبر» ختم شود.

برخی برای این تکبیر آخر نماز اسراری را نیز مطرح نموده اند:

۱. هر تکبیر به یک نوع از توحید الهی اشاره دارد: توحید افعالی، توحید ذات خدا، توحید در اسماء و صفات و نمازگزار با هر تکبیر زبان به

اعتراف می گشاید.

۲. بلند کردن دست ها و نزدیک ساختن به گوش، اشاره به دور افکندن تعلق خاطر خود حتی نسبت به نماز است تا مبادا عجب و خودبینی در قلب او راه یابد.

۳. اظهار ذلت، عجز، قصور و تقصیر خویش در محضر مقدّس حضرت باری تعالی است. ۱۴۱

آثار سیاسی و اجتماعی نماز

پرسش ۲۲. نماز چه تأثیری در زندگی سیاسی - اجتماعی افراد می گذارد؟

آثار سیاسی - اجتماعی نماز جماعت را در چندین شاخص مهم می توان یافت؛

برقراری وحدت اجتماعی

نماز باعث بروز همکاری اجتماعی بین نمازگزاران می شود؛ اگر این همکاری بین مردم در شئون مختلف زندگی اجتماعی باشد و این همکاری ها افزایش یابد، زمینه برای انجام کارهای خیر که جنبه عمومی دارد و همچنین، تعهدات اجتماعی نمازگزاران نسبت به جامعه افزایش می یابد. این گونه تعاملات اجتماعی که برخاسته از روحیه معنوی و خدامحوری است، تنها در بُعد مادی همچون کمک مالی به نیازمندان خلاصه نمی شود؛ بلکه در ابعاد مختلف عاطفی و معرفتی نیز می باشد و هر چه این ابعاد گسترش بیشتری پیدا نمایند، میزان ناامیدی و انفعال اجتماعی در جامعه کمتر می شود. ۱۴۲

جامعه پذیری افراد

نماز به صورت مستقیم و غیرمستقیم در جریان جامعه پذیری افراد تأثیر می گذارد. تأثیر مستقیم نماز در جامعه پذیری بدین صورت است که نمازگزاران با پذیرش و درونی ساختن ارزش های موجود در نماز، رفتاری مطابق با انتظارات جامعه اسلامی از خود بروز می دهند. تأثیر غیرمستقیم نماز در جامعه پذیری بستگی به میزان تأثیر نماز و دین در سایر نهادها و نظام های اجتماعی در جامعه دارد. با توجه به تأثیر فراوان نماز و دین در نهادها و نظام های اجتماعی در جامعه اسلامی می توان بیان نمود که نماز تأثیری بنیادی در نهادها و نظام های اجتماعی جامعه داشته و به همین میزان، نماز تأثیر غیرمستقیم فراوانی بر جامعه پذیری افراد دارد. ۱۴۳

تشخیص و اطاعت از رهبری

برای امام جماعت شرایطی گفته شده که در صورت وجود آن شرایط می توان به وی اقتدا کرد. مشکل امروز مسلمانان آن است که نماز می خوانند ولی رهبرانشان افراد ترسو و وابسته و دست نشانده و بدون ملاک های الهی اند. با زبان از خداوند راه مستقیم می خواهند، ولی در عمل بیراهه می روند. امام جمعه و جماعت علاوه بر دارا بودن زهد و تقوا، باید شخصیت آگاه به مسایل روز و انسانی با بصیرت باشد در غیر این صورت نمی تواند جامعه اسلامی را به سمت کمال و پیشرفت رهنمون باشد.

امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرماید: «كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِعِبَادَةٍ يَجْهَدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيَهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ» ۱۴۴؛ «هر کسی که به خدا ایمان دارد و عبادت های طاقت فرسا هم انجام می دهد ولی امام لایقی از طرف خدا ندارد، تلاشش بی فایده است».

در صورتی که مسئولین و دست اندکاران جامعه از نمازگزاران واقعی باشند و در مساجد حضور پیدا کنند، این امر خود باعث ایجاد و افزایش تفاهم سیاسی و اعتماد متقابل مردم و مسئولان می شود و از امکانات، محدودیت ها و قابلیت طرفین باخبر شده و زمینه پذیرش انتقادات سازنده بین مسئولین و مردم نیز فراهم می گردد. ۱۴۵.د

کوتاه سخن این که از نظر «سیاسی» نماز و به خصوص نمازهای جمعه و اعیاد نشانگر شکوه و اتحاد مسلمانان و همچنین زمینه ساز پویایی و رشد سیاسی جوامع اسلامی می باشد و همین امور دست به دست هم می دهد تا مسلمانان همواره برای مقابله با توطئه های دشمن آماده بوده و در نتیجه دشمنان اسلام را در پیاده نمودن نقشه های شومشان ناکام بگذارند.

پرسش ۲۳. اگر نماز خواندن در رفع بلاها مؤثر است؟ پس چرا اروپایی ها وضعشان خیلی بهتر از ماست؟!

در این باره اشاره به چند نکته شایان توجه است؛

۱. ارتباط و تأثیرگذاری متقابل جسم و روح و جهان مادی و معنویت به روشنی قابل اثبات است و بر کسی پوشیده نیست که نشاط روحی و شادی روانی بر شادابی جسمی اثر مثبت دارد هم چنان که سلامتی و تندرستی بر آسایش و آرامش درونی انسان تأثیرگذار است. البته میزان تأثیرگذاری متقابل وابسته به عوامل و موانع متعدّد است.

۲. نشانه نظام مندی جهان آن است که هر رفتاری و سلسله عواملی، نتیجه خاص خودش را داشته باشد. به طور مثال اگر دانه گندم کاشته شود و مراحل داشت و رسیدگی به خوبی انجام شود برداشت محصول خوبی را نیز چه بسا به دنبال داشته باشد و در این باره تفاوتی میان مسلمان و غیرمسلمان نیست بلکه هر کس نتیجه کار منظم یا نامنظم خود را خواهد دید که در فرهنگ دینی از این نظام مندی عمومی به «مشیت عام» نام برده شده است.

بنا بر دو اصل پیش گفته؛ انسان باید براساس نظام مندی جهان فعالیت کند و نباید مسلمان بودن با نمازخوان بودن بهانه شود که کارها از مسیر خودش با تخصّص های لازم آن انجام نگیرد. اما باید دانست عوامل شکل دهنده نظام مندی جهان، شامل عوامل مادی و عوامل معنوی می شود و غفلت از هر کدام خسارت ها و ناکامی های خاص خودش را به دنبال خواهد داشت. توجه به عوامل معنوی در کنار عوامل مادی از غرور و ناامیدی جلوگیری می کند و انسان را از بن بست نجات می دهد. آیا می توان خنثی شدن توطئه آمریکا در طبس را با تمامی تجهیزات مادی استکبار جهانی انکار کرد و عوامل معنوی را نادیده گرفت؟!

آیا می توان موفقیت های انسان های مؤمن و عالمان وارسته را با حداقل زندگی مادی انکار کرد؟! از این لطف ویژه خداوند به بندگان خوب در اصطلاح به «مشیت خاص» و «توفیق الهی» یاد می شود.

کسانی که مشمول لطف خاص می شوند انتظار بیشتری نیز از آنها هست چنان که حضرت یونس علیه السلام به دلیل کم حوصلگی به سختی دریا و شکم ماهی گرفتار شد در حالی که گناهی از او سر نزده بود. کسانی که در محیط مذهبی و خانواده مذهبی نیز رشد کرده اند انتظار بیشتری از آنان هست و اگر نماز را سبک بشمارند چه بسا گرفتاری هایی به سراغ آنان بیاید که برای پیروان ادیان دیگر چنین اتفاقی نیفتد.

در هر صورت عوامل معنوی مانند رعایت تقوا، یاد خدا و نماز نقش بسیار مهمی در آسایش زندگی طبیعی انسان دارد. خداوند می فرماید: **«وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»** ۱۴۶؛ «و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت». و از سوی دیگر خداوند متعال فرموده است:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» ۱۴۷؛ «و اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم».

البته آثار متعدّدی که برای عبادتی مانند نماز در روایات بیان شده به این معنا نیست که لزوما همه آنها با هم در یک فرد ظهور می یابد بلکه ممکن است در هر فردی متناسب با شرایط روحی و جسمی او برخی در آنها تحقق یابد و یا در فردی که آمادگی و زمینه کامل دارد همه آنها محقق شود.

هم چنین، آثار مادی و معنوی فراوانی که در آیات و روایات برای نماز بیان شده مشروط به وجود شرایطی مثل اخلاص و توجه و حضور در نماز و مانند آن می باشد و علاوه بر آن باید موانع موجود بر سر راه تحقق این آثار نیز برطرف گردد. مثلاً اگر انسان نماز شب بخواند ولی از گناهان پرهیز نداشته باشد و یا نسبت به والدینش رعایت احترام را نکند و یا به حق الناس بی توجه باشد بدون شک این آثار زمینه تحقق و تبلور پیدا نمی کند.

بنا بر آنچه گفته شد نماز و عبادت، برکات متعدّدی در زندگی انسان دارد که در جوامع توسعه نیافته با این همه مشکلات، زندگی تحمّل پذیر شده است و اگر در جوامع توسعه یافته نیز نماز و عبادت نهادینه شود به طور بدیهی موفقیت های آنان بیشتر خواهد بود در غیر این

صورت اگر چه ظاهر زندگی شان رفاه مند باشد ولی آرایش پایدار و معنوی نخواهند داشت. چنان چه مصرف بالای داروهای ضدافسردگی و آرامش بخش در آن کشورها دلیل روشنی بر این واقعیت است.

قلب پاک

پرسش ۲۴. آیا بهتر نیست که به جای نماز ظاهری، قلب پاک داشته باشیم؟ خیلی ها نماز می خوانند اما مشکل دارند؟

در این باره اشاره به چند نکته شایان توجه است؛

۱. بدیهی است در اسلام کیفیت، بیشتر از کمیت و باطن، بیشتر از ظاهر و ریشه بیشتر از ریش!! مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.
 ۲. تأثیرگذاری متقابل ظاهر و باطن قابل انکار نیست چنان که آراستگی چهره و لباس در نشاط و شادابی روحیه مؤثر است و آلودگی لباس و بدن در تنفر درونی انسان مؤثر است. هم چنین پریشان حالی عدم رسیدگی به آرامش را به دنبال دارد و نشاط و سرحالی توجه به آراستگی و خودآرایی را در پی دارد.
 ۳. مهم تر از دو نکته پیش گفته آن است که حفظ ظاهر در حفاظت باطن تأثیر بسزایی دارد. چنان که به طور طبیعی پوست میوه ها در سالم نگه داشتن خود میوه و جلوگیری از نفوذ گرد و خاک... به میوه جلوگیری می کند. به طور مثال اگر پوست موز کنده شود نگهداری آن مشکل است و اگر پوست نازک خرمای رطب برداشته شود به سرعت بخش اصلی خرما ترشیده و غیرقابل استفاده می شود. همین رابطه در ظاهر و باطن عبادات وجود دارد اگر چه ظاهر شریعت، همانند پوسته است و آنچه مهم است باطن و حقیقت و پاکی قلب است. اما اگر ظاهر رعایت نشود چه بسا باطن به سرعت دچار آسیب شود.
- البته چه بسا هر «ریش داری»، «ریشه» پاک نداشته باشد! و هر باحجابی عفت و حیای قابل قبول نداشته باشد و هر نمازخوانی پاکی قلب ممتاز نداشته باشد. اما کسی که دارای قلب پاک است اگر نماز را کنار بگذارد رفته رفته زنگار بر دل او می نشیند و کسی که حجاب را رعایت نمی کند، رفته رفته آسیب پذیر می شود. اتفاقاً مهم ترین نقش نماز حفظ پاکی دل و جلوگیری از کدورت قلب است. این که در همه نمازها از خدا می خواهیم ما بر «صراط مستقیم» ثابت قدم باشیم به همین جهت است.
- نکته پایانی این که چه کسانی از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیه السلام دلشان پاک تر است؟! در حالی که این بزرگان بیش از دیگران به نماز همت داشتند بنابراین کسانی که به طور واقعی خواهان قلب پاک و پاکی در زندگی هستند از بهترین کارها «نماز» است.

پی نوشت :

۱. بن خلف تبریزی، برهان قاطع، تحقیق محمد معین، ج ۴، ص ۲۱۶۷.
۲. برهان قاطع، فرهنگ دهخدا، ج ۱۴، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۲۷۳۱.
۳. حج ۲۲، آیه ۴۱.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت، دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق، اول، ص ۴۹۱.
۵. ر.ک: آیه الله مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۰۹، دارالکتب الاسلامیه؛ محمد محمدی اشتهاردی، نماز از دیدگاه قرآن و عترت.
۶. ماعون ۱۰۷، آیه ۵ و ۴.
۷. معارج ۷۰، آیه ۲۳ و ۲۳.
۸. الکافی، ج ۲، ص ۸۲.
۹. آشنایی با قرآن، سوره های حمد و بقره، ص ۶۷ و ۶۸.
۱۰. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۹۶.
۱۱. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۳۳.
۱۲. ابراهیم ۱۴، آیه ۳۷.
۱۳. طه ۲۰، آیه ۱۴.
۱۴. مریم ۱۹، آیه ۳۱ و ۳۰.
۱۵. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید: سیمای نماز، حسین انصاریان، فصل: نماز در آئینه ی حیات انبیا و امت ها.

۱۶. مجتبی کلباسی، یکصد و ده پرسش درباره نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز، نهم، ۱۳۸۸ش، ص ۱۱۴.

۱۷. تثنیه ۶: ۴-۵. البته آنان در قرائت آن، به جای لفظ یهوه، از ادونای استفاده می کنند.

۱۸. (. Carol Zaleski, Philip Zaleski ۲۰۰۵ Houghton Mifflin Books. A History of Prayer.)

۱۹. متی، ۶: ۹.

۲۰. سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی و سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش،

پنجم، ج ۲۰، ص ۵۵۱.

۲۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۶۱.

۲۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۵۵.

۲۳. نجم ۵۳، آیه ۳ و ۴.

۲۴. ابراهیم ۱۴، آیه ۸

۲۵. آل عمران ۳، آیه ۱۴۴.

۲۶. اسراء ۱۷، آیه ۷۸

۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ش، اول، ج ۱۲، ص ۲۲۱.

۲۸. بقره ۲، آیه ۴۵.

۲۹. سنن النبی صلی الله علیه و آله، با ترجمه، ج ۱، ص ۱۵۸.

۳۰. بقره ۲، آیه ۴۵.

۳۱. همان.

۳۲. نور ۲۴، آیه ۵۶.

۳۳. رعد ۱۳، آیه ۲۸.

۳۴. اعلی ۸۷، آیه ۱۵ و ۱۴.

۳۵. بقره ۲، آیه ۵-۳.

۳۶. عوالی اللالی، ج ۱، ص ۳۲۲.

۳۷. جامع الأخبار، ص ۷۳.

۳۸. شهاب الاخبار، ص ۵۰.

۳۹. محمد وحیدی، دانستنی های لازم از نماز، قم: مؤسسه بوستان کتاب مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷ش، چهارم، ص ۲۴.

۴۰. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۷۰.

۴۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰.

۴۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۷۰.

۴۳. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۱۶.

۴۴. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۹۱.

۴۵. بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۴۱۵.

۴۶. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۳.

۴۷. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۴.

۴۸. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۸.

۴۹. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۲.

۵۰. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۷۵.

۵۱. همان.

۵۲. مسند الإمام الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۵۶

۵۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۱.

۵۴. محمدرضا رضوان طلب، پرستش آگاهانه، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵ش، دوم، ص ۸۴.

۵۵. مجتبی کلباسی، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز، ستاد اقامه نماز، پاییز ۱۳۸۰ش، چاپ نهم، ج ۲، ص ۵۴.

۵۶. توبه ۹، آیه ۱۸.

۵۷. نحل ۱۶، آیه ۴۴.

۵۸. بقره ۲، آیه ۱۴۴.

۵۹. همان، آیه ۱۵۰.

۶۰. بقره ۲، آیه ۱۱۵.

۶۱. بقره ۲، آیه ۱۴۲.

۶۲. ناصر مکارم شیرازی و جعفر سبحانی، پاسخ به پرسش های مذهبی.

۶۳. محمد ری شهری، مناظره در رابطه با مسائل ایدئولوژیک، ص ۸۴ و ۸۵.

۶۴. قرآنی، محسن، پرتوی از اسرار نماز، ص ۱۰۹، تهران: ستاد اقامه نماز، چاپ هفدهم ۱۳۷۸.

۶۵. مجتبی کلباسی، یکصد و ده پرسش درباره نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸، نهم، ص ۴۴.

۶۶. آل عمران ۳، آیه ۹۶.

۶۷. مجتبی کلباسی، یکصد و ده پرسش و پاسخ درباره نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸، نهم، ص ۲۴.

۸۱. The Meaning of The Glorious Quran Muslim World League-RabitaPickthall. Muhammad M .p ۷۷۹۱.

۶۹. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۶۶.

۷۰. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۶۶.

۷۱. مجتبی کلباسی، یکصد و ده پرسش درباره نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸، نهم، ص ۸۹.

۷۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۳.

۷۳. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۳۶.

۷۴. بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۴۹.

۷۵. انعام ۶، آیه ۹۲.

۷۶. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش، پنجم، ج ۷،

ص ۳۸۹.

۷۷. نور ۲۴، آیه ۳۷.

۷۸. مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۱۴، ص ۴۸۶.

۷۹. مریم ۱۹، آیه ۵۹.

۸۰. امام کاظم علیه السلام در خصوص «غی» فرموده اند: «آن کوهی از مس گذاخته که در وسط جهنم می چرخد»، بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۲۳.

۸۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش، سوم، ج ۶، ص ۸۰۲.

۸۲. ماعون ۱۰۷، آیه ۴ و ۵.

۸۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۴.

۸۴. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۹.

۸۵. بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۲۷.

۸۶. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۴۹.

۸۷. آمالی، صدوق، ص ۴۹۶.

۸۸. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۷.

۸۹. بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۹.

۹۰. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۸.

۹۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۷۰.

۹۲. کتاب جامع آیات و احادیث موضوعی، ج ۱، به نقل از: وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۴.

۹۳. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۳۵.

۹۴. پیام پیامبر صلی الله علیه و آله، ترجمه فارسی، ص ۶۶۷.

۹۵. عنکبوت ۲۹، آیه ۴۵.

۹۶. هود ۱۱، آیه ۱۱۴.

۹۷. سید رضی، نهج البلاغه، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق، اول، ص ۲۹۴.

۹۸. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۶۸۳.
۹۹. محدث اربلی، كشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق، اول، ج ۱، ص ۴۸۳.
۱۰۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش، اول، ج ۱۶، ص ۲۹۰ - ۲۹۱.
۱۰۱. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۱۷.
۱۰۲. ردع ۱۳، آیه ۲۸؛ «تنها با یاد خدا دل ها آرامش می یابد!».
۱۰۳. نهج البلاغه، ص ۲۹۴.
۱۰۴. ر.ک: بررسی شیوه های تشویق و ترغیب کودکان و نوجوانان به نماز جماعت، ملیحه اسلامیان.
۱۰۵. همان، ج ۸۵، ص ۲۹۲.
۱۰۶. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۲۳.
۱۰۷. بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۳۰؛ عبدالرزاق گیلانی، مصباح الشریعة، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷ش، اول، باب ۱۳.
۱۰۸. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۳۷.
۱۰۹. عنکیوت ۲۹، آیه ۶۹.
۱۱۰. بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۳.
۱۱۱. قرائتی، محسن؛ پرتوی از اسرار نماز، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، هجدهم، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.
۱۱۲. حاج میرزا جواد ملکی تبریزی، اسرار الصلوة، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۶۳، ص ۳۲۳.
۱۱۳. بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۵۳.
۱۱۴. نحل ۱۶، آیه ۴۹.
۱۱۵. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۳۹.
۱۱۶. طه ۲۰، آیه ۵۵.
۱۱۷. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۲۵.
۱۱۸. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۲۳۷.
۱۱۹. وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۳۸.
۱۲۰. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۷۹.
۱۲۱. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۳۳؛ وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۸۲، ح ۷۴۰۶.
۱۲۲. وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۸۳، ح ۷۴۰۷.
۱۲۳. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۵۱، چاپ آل البيت.
۱۲۴. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ص ۱۱۸.
۱۲۵. أحزاب ۳۳، آیه ۵۶.
۱۲۶. بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۵۳.
۱۲۷. الغدير فی الكتاب و السنه و الادب، ج ۳، ص ۲۴۵.
۱۲۸. صحیح بخاری، ج ۸، باب الصلاة علی محمد.
۱۲۹. تفسیر فخر رازی، ج ۲۵، ص ۲۲۷؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۴۹۵.
۱۳۰. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۲۰۳.
۱۳۱. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۲۰۳.
۱۳۲. محسن قرائتی، پرتویی از اسرار نماز، ص ۱۸۶.
۱۳۳. مصباح الشریعة، ص ۹۵.
۱۳۴. محسن قرائتی، پرتویی از اسرار نماز، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۷ش، هجدهم، ص ۱۶۲.
۱۳۵. وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۳۹۲.
۱۳۶. امام خمینی، ره، آداب الصلاة، ص ۳۹۹.
۱۳۷. رموز نماز، ص ۸۳.
۱۳۸. مجتبی کلباسی، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز، ستاد اقامه نماز، پاییز ۸۰ش، چاپ نهم، ج ۲، ص ۲۷.
۱۳۹. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۵۲؛ عروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۴۰.

۱۴۰. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۵۲.

۱۴۱. رک: آداب نماز، امام خمینی ره، ۳۷۷.

۱۴۲. علیرضا وحدت پناه، نماز و جامعه شناسی، ستاد اقامه نماز و احیای زکات، بهار ۸۴، دوم، ص ۱۶۴.

۱۴۳. همان، ص ۵۳.

۱۴۴. الکافی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۱۴۵. علیرضا وحدت پناه، نماز و جامعه شناسی، ص ۱۶۲.

۱۴۶. طه ۲۰، آیه ۱۲۴.

۱۴۷. أعراف ۷، آیه ۹۶.

تشکر از خدا

پرسش ۲۵. اگر نماز تشکر از خداست، چرا حتما باید نماز بخوانیم و حال آن که می توانیم به صورت زبانی از خدا تشکر کنیم؟

در ابتدا گفتنی است؛ نماز تنها جنبه شکرگزاری ندارد، بلکه عبادت چند منظوره است. کارکردهایی همچون:

1. طهارت و پاکیزگی از طریق وضو، غسل، لباس پاک و مکان پاک؛
2. رعایت حلال و حرام از جهت مکان غیرغصبی، آب مباح و لباس مباح؛
3. توجه به زمان و نظم در اوقات نماز؛
4. یادآوری اصول اعتقادی در سوره حمد و...؛
5. ارتباط روحی و عاطفی با الگوها و اولیای الهی (انعمت علیهم - عبادالله الصالحین (...)) -؛
6. اعلام و شعار (اذان و اقامه)؛
7. وحدت و همدلی (نماز جماعت - نمازهای جمعه و عید)؛
8. نشاط (ارتباط با آب در وضو و غسل)؛
9. همگرایی و نظم اجتماعی با برگزاری نماز جماعت؛
10. تحرک بدنی (قیام - رکوع و سجده) ۱.

حال آیا می توان گفت که تنها تشکر زبانی قابلیت جایگزینی نماز را دارد؟

علاوه بر آنچه گفته شد، تشکر از خداوند وقتی به خوبی انجام خواهد شد که آنچه او خواسته است ما انجام دهیم.

برای سپاسگزاری از خدا به وسیله نماز نیز شکل خاصی وجود دارد که نمی توان آن را نادیده گرفت. خداوند متعال برای نماز آداب و خصوصیات ویژه ای قرار داده که باید رعایت شود تا عبادت و تشکر از خدا محسوب شود مانند بیان ذکرهای مخصوص با شرایط خاص و در زمان خاص و معین. بنابراین وقتی ما مأمور هستیم که نماز را به پا داریم و برای نماز اوقات خاصی تعیین شده و ارکان خاصی (نیت، رکوع، سجود و...) قرار داده شده، نمی توانیم به سلیقه خود عمل کرده و ادعای تشکر از خداوند متعال نیز داشته باشیم!

اهل حق

پرسش ۲۶. برخی مانند «اهل حق»، نماز نمی خوانند و می گویند ما به جای نماز «نذر و نیاز» داریم! آیا چنین چیزی مورد قبول است؟

«اهل حق» نام یکی از فرقه هایی است که علی الهی هم نامیده می شوند. پیروان این فرقه بیشتر در شهر کرمانشاه، شهرستان کرد غرب (منطقه دالاهو)، بخش گهواره، کوزران، سرپل ذهاب و اطراف قصر شیرین زندگی می نمایند.

در خصوص علت نماز نخواندن این فرقه باید بگوییم: متأسفانه پیروان این فرقه دلیل محکمی برای نماز نخواندن خود ارائه ننموده اند به گونه ای که برخی از آنها در پاسخ به این سؤال که چرا نماز نمی خوانند این بیت را بیان می کنند:

اگر نیاز نباشد نماز بی سود است

اگر نیاز دهی پس نماز بیهوده است

بین مردم عادی اهل حق نیز در رابطه با نخواندن نماز بهانه هایی مطرح است. به طور مثال می گویند: چون به حقیقت رسیده ایم نیازی به نماز نداریم.۲.

در حالی که آیات قرآن کریم بر وجوب و اقامه نماز، به ویژه نمازهای یومیه بسیار تأکید و سفارش شده و برای آن وقت های معینی قرار داده شده است، قرآن کریم می فرماید:

«اقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»3؛ «نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب [نیمه شب] برپا دار؛ و همچنین قرآن فجر [نماز صبح] را؛ چرا که قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است!»
لذا این گونه نیست که هر کسی به سلیقه خود زمانی را برای نماز قرار داده یا آن را ترک کند. علاوه بر این که اینان ادعای پیروی از امام علی علیه السلام دارند در حالی که حضرت علی علیه السلام تا آخرین لحظات عمر شریف خود هیچ گاه نماز را ترک نکردند.
آیا کسانی که ادعا می کنند چون به حقیقت رسیده اند نماز نمی خوانند بر این باورند که حضرت علی علیه السلام تا آخر عمرشان به حقیقت نائل نشده بود که تا آخرین لحظه نماز می خواندند؟!!

اگر قرار بود «نیاز» بهترین جایگزین نماز باشد آیا خود آن حضرت این مسئله را نمی دانستند تا این همه نماز نخوانند و حال آن که در اواخر عمر شریفشان در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواندند ۴ و اگر قرار بود به بهانه این که حضرت علی علیه السلام در نماز کشته شد کسی نماز نخواند اولین کسانی که باید نماز را ترک می نمودند خاندان آن حضرت می باشد و حال آن که به شهادت تاریخ و روایات فراوان، خاندان آن حضرت بیشترین اهمیت را به نماز می دادند و دیگران را نیز به نماز توصیه می نمودند به عنوان نمونه فرزندش امام حسین علیه السلام حتی در روز عاشورا نماز را ترک نکرد و کسی مانند امام زین العابدین علیه السلام از کثرت سجده و نماز به «سجده» بسیار سجده کننده - و «زین العابدین» - زینت عبادت کنندگان - ملقب گردید.

خدمت به جای نماز

پرسش ۲۷. مگر نه این که با ارزش ترین اعمال خدمت به مردم است! پس اگر کسی به دیگران خدمت بکند مثل کسانی که با اختراعات خود به مردم خدمت می کنند دیگر چه نیازی به نماز دارد؟!!

بدیهی است ریشه و عامل خدمات، ارزنده تر از یک خدمت است زیرا کسی که انگیزه خدمت را در درون خود بارور کند، خدمات فراوانی را از خود بروز خواهد داد و یکی از مهم ترین آثار نماز آن است که ریشه پاکي ها و انگیزه ساز خدمات است. علاوه بر این که نباید فراموش کرد که بالاتر از خدمت به مردم خدمت به خالق و پروردگار عالمیان در روی زمین می باشد و نماز خدمت به خداوند متعال است که هیچ چیز جایگزین آن نمی شود.

امام صادق علیه السلام فرموده اند: **«إِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ خِدْمَتُهُ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ شَيْءٌ مِنْ خِدْمَتِهِ تَعْدِلُ الصَّلَاةَ»**5؛ «پیروی و اطاعت از پروردگار خدمت کردن به او در زمین است و هیچ چیز در خدمت به پروردگار معادل نماز نیست.»

دستورات دین مقدس اسلام هر کدام در جای خود خوب و مناسب است و هر کدام اثر و نورانیت و کمال بخشی خاص خود را دارد. همان گونه که سیری جای تشنگی را نمی گیرد و سیرابی جایگزین گرسنگی نمی شود، در تعالیم اسلام نیز خدمت به خلق جای نماز را نمی گیرد و نماز جایگزین خدمت به مردم نمی شود.

البته در مورد نمازهای مستحبی می توان گفت که اگر با خدمت به مردم تعارض داشته باشد، در این صورت خدمت به خلق، تقدم دارد. نکته مهم این است که معمولاً همین تعارض و تقابل میان نماز مستحبی و خدمت به خلق موردی و مختص موارد خاصی است و این گونه نیست که من همیشه نماز مستحبی و نافله را به خاطر خدمت به مردم ترک کنم چون این خود از دام شیطان برای محروم کردن بندگان مؤمن از فیض نماز مستحبی است.

در پایان خوب است این نکته را نیز یادآور شویم که خدمت به خلق دامنه وسیعی دارد و اگر چه به طور قطع هرگونه خدمت به خلق خدا

هر چند به ظاهر ناچیز باشد موجب پاداش و ثواب است، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «من رفع حجراً عن

الطریق کتبت له حسنة6»؛ «هر کس سنگی را از راه مردم بردارد برای آن حسنه و ثوابی نوشته می شود.»

اما اگر این خدمت از راه تعلیم و هدایت دیگران باشد، ارزش فوق العاده ای دارد؛ پیامبر اکرم به امام علی علیه السلام فرمود: «لأن یهدی

الله علی یدیك عبداً من عباد الله خیر لك مما طلعت علیه الشمس من مشارقها إلى مغاربها7»؛ «اگر خداوند به دست تو کسی

را هدایت کند برای تو از همه چیز که خورشید بر آن طلوع و غروب کند بهتر است.»

و یا در خصوص خدمت به مردم در مسیر علم آموزی، امام صادق علیه السلام فرموده اند: «من علم خیراً فله مثل أجر من عمل به8»؛

«کسی که به دیگری چیزی بیاموزد برای او مثل پاداش آن که به آن علم عمل می کند پاداش هست.»

نماز و یوگا

پرسش ۲۸. فرق نماز با یوگا چیست؟

یوگا نوعی ورزش همراه با تمرکز است و از آثار معنوی، فرهنگی و تربیتی و ارتباط با مبدأ هستی تهی است، در حالی که نماز جامع ترین و کامل ترین راه پرواز از جهان ماده و پیوستن به معبود و معشوق حقیقی و کمال و جمال مطلق است. هر یک از شرایط، اجزا، اقوال و افعال نماز دارای معانی و اسراری عظیم و در بردارنده اصول تربیتی و پیام آور فرهنگی خاص هستند که هیچ یک از آنها در یوگا وجود ندارد.

به نظر می رسد آنچه باعث این مقایسه نادرست شده چند چیز است:

الف. این که غالباً نمازهای ما حقیقی و با حضور قلب و آداب باطنی نیست و چون به ژرفای نماز راه نیافته و نماز در هویدای دل ما رسوخ نکرده است، با حرکات دیگری که با نگرش سطحی مشابه می نمایند یکسان انگاشته می شود.

ب. بی توجهی به اسرار و روح نماز و تعالیم و پیامدهای معنوی، تربیتی، روحانی، دنیوی و اخروی هر یک از اجزا و شرایط آن باعث پناه بردن به ورزش هایی چون یوگا می شود. باید بدانیم که یوگا تنها یک ورزش برای تقویت بعدی از ابعاد درونی انسان است و برای عبادات و نیایش و شکرگزاری آفریدگار نیست.۹

فلسفه وضو

پرسش ۲۹. فلسفه وضو چیست؟

در خصوص فلسفه وضو با استفاده از روایات اهل بیت علیهم السلام می توان امور زیر را بیان کرد:

تقویت روحیه تعبد و بندگی

یکی از مهم ترین فلسفه های تمامی دستورات الهی از جمله وضو تقویت روحیه تعبد و بندگی می باشد چرا که به وسیله همین فرامین است که میزان اطاعت پذیری و بندگی ایمان آورندگان در برابر خداوند متعال ظهور و بروز می نماید ۱۰ هر چند علت اصلی این دستورات برایشان مخفی و پوشیده باشد ۱۱. لذا خداوند متعال در قرآن فرموده است:

«ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا و اتقوا الله ان الله شدید العقاب12»؛ «آنچه را رسول خدا برای شما آورده

بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است.»!

از همین رو یکی از فلسفه هایی که در احادیث اهل بیت علیهم السلام برای دستورات الهی از جمله وضو بدان تصریح شده، تقویت روحیه تعبد و بندگی نسبت به فرامین الهی می باشد، امام باقر علیه السلام فرموده اند: «إنما الوضوء حد من حدود الله لیعلم الله من یطیعهُ

و من یعصیه13»؛ «وضو یکی از حدود دستورات الهی است که خداوند برای شناسایی مطیع و عاصی آن را واجب فرموده است.»

آراستگی

از دیگر مسائلی که در روایات در خصوص فلسفه وضو بدان اشاره شده طهارت و پاکیزگی ظاهری می باشد. امام رضا علیه السلام در توجیه

یکی از شاگردان خود چنین می فرماید: «فإن قال قائل فلیم أمر بالوضوء و بدی به قیل لأنه یكون العبد طاهراً إذا قام بین یدی

الْجَبَّارِ عِنْدَ مُنَاجَاتِهِ إِيَاهُ مُطِيعاً لَهُ فِيمَا أَمَرَهُ نَقِيّاً مِنَ الْإِدْنِاسِ وَالنَّجَاسَةِ 14 «...»؛ «اگر کسی بگوید چرا خداوند امر فرمود به وضو و به آن آغاز کرد؟ پاسخ می‌گوییم: برای آن که عبد در مقام مناجات و گفتگو و در حال ملاقات با خالق، پاک و طاهر باشد». البته همین طهارت ظاهری زمینه ساز طهارت باطنی است، لذا امام رضا علیه السلام فرموده اند: «بدان جهت به گرفتن وضو امر شده که... دل را برای قیام در حضور حضرت پروردگار پاکیزه می‌سازد» ۱۵.

نشاط و شادابی

یکی دیگر از فلسفه های وضو ایجاد آمادگی و نشاط برای قرار گرفتن در حضور پروردگار به هنگام مناجات با خداوند می باشد. در این باره نیز امام هشتم علیه السلام فرموده اند: «بدان جهت به گرفتن وضو امر شده که... کسالت و خواب را از آدمی دور می‌کند» ۱۶.

تسکین اعصاب و روان

از دیگر فوایدی که می‌توان برای وضو برشمرد نقش آرامش بخشی آن می‌باشد چرا که تماس آب با پوست بدن اثر خاصی در تعادل اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک دارد ۱۷ به خصوص اگر این عمل با آب سرد صورت پذیرد لذا می‌بینیم رسول خدا صلی الله علیه و آله توصیه نموده اند به هنگام خشم، انسان با آب سرد وضو بگیرد ۱۸. علاوه بر فواید بهداشتی وضو، از سوی ائمه معصومین علیهم السلام نیز فواید معنوی متعددی برای آن ذکر گردیده است که در اینجا به نمونه هایی از این موارد اشاره می‌گردد:

نورانیت چهره

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به فردی در خصوص وصف مؤمنان و کافران در قیامت فرمودند: **«أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَعَرَفُوا مَجْزَلُونَ مِمَّا تَرَى الْوُضُوءَ وَالسُّجُودَ وَأَمَّا الْكَافِرُونَ فَعَرَفُوا بِأَلْوَجْهِ قِيَوْتِي بِهِمْ إِلَى الصِّرَاطِ** 19 «؛ «مؤمنان، درخشان و روسفید بر اثر وضو و کافران سیه رویند و آنها را بر کنار صراط آرند.»

درک ثواب شهدا

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در ادامه روایت قبلی با تأکید بر دائم الوضوء بودن می‌فرماید: **«إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى طَهَارَةٍ فَافْعَلْ فَإِنَّكَ تَكُونُ إِذَا مِتَّ عَلَى طَهَارَةٍ مِتَّ شَهِيداً** 20 «؛ «اگر می‌توانی همیشه با وضو باشی این عمل را ترک نکن چرا که ملک الموت آنگاه که روح بنده ای با وضو باشد او را شهید محسوب خواهد نمود.»

بخشش گناهان

از دیگر اسرار وضو بخشش گناهان می‌باشد امام باقر علیه السلام در این خصوص فرموده اند: **«ثَلَاثُ كَفَّارَاتٍ فَاسْبَاغُ الْوُضُوءِ فِي السَّبْرَاتِ وَالْمَسْئِي بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَى الْجَمَاعَاتِ وَالْمُحَافَظَةُ عَلَى الصَّلَوَاتِ** 21 «؛ «سه چیز است که جبران کننده و محو کننده گناه است: کامل گرفتن وضو در هوای بسیار سرد، راه رفتن در شب و روز به سوی جماعت های اسلامی (نماز جماعت و جمعه)، مراقبت بر انجام صحیح نمازها.»

ثواب شب زنده داری

اگر کسی قبل از رفتن به رختخواب وضو بگیرد مانند کسی می‌ماند که تمام شب را احیا کرده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: **«مَنْ بَاتَ عَلَى طَهْرٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا اللَّيْلَ كُلَّهُ** 22 «؛ «کسی که شب را با وضو بیارامد، گویی که تمام شب را به احیا و عبادت گذرانده است.»

نقش معنوی شستشو و مسح

امام رضا علیه السلام درباره مهم ترین دلیل شستشو و مسح چند عضو در وضو فرموده اند: انسان به هنگام نماز با صورت سجده می‌کند. با دست از ذات خداوند متعال درخواست می‌کند و با سر در رکوع و سجود به خدا رو می‌آورد و در نماز با پاها بر می‌خیزد و می‌نشیند ۲۳.

پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: وضو گرفتن یعنی شستن دست و صورت و مسح سر و پا؛ شستن صورت یعنی خدایا

هر گناهی که با این صورت انجام دادم آن را شستشو می کنم که با صورت پاک به جانب تو عبادت کنم و با پیشانی پاک سر بر خاک بگذارم. شستن دست ها در وضو یعنی خدایا از گناه دست شستم و گناهایی را که با دستم مرتکب شدم با شستن دست تطهیر می کنم. مسح سر در وضو یعنی خدایا از هر خیال باطل و هوس خام که در سر پروراندم سرم را تطهیر می کنم و آن خیال های باطل را از سر به دور می افکنم. مسح پا یعنی خدایا من از جای بد رفتن پا می کشم و این پا را از هر گناهی که با آن انجام داده ام تطهیر می کنم. ۲۴

تفاوت وضوی زن و مرد

پرسش ۳۰. چرا در وضو مردان باید از پشت آرنج آب بریزند ولی خانم ها باید از قسمت تالی دست (جلو) این کار را انجام دهند؟

قبل از پاسخ به این سؤال باید دانست؛ تفاوت ریختن آب روی دست ها میان مردان و خانم ها، مستحب است و اگر هر دو از پشت آرنج و یا جلوی دست، آب بریزند وضو باطل نیست.

شارع مقدس برای صیانت زن از نگاه مردان و حفظ عفت و حیای آنها، دستوراتی واجب یا مستحبی را در وضو و نماز داده است؛ آب ریختن به دست از داخل آرنج هنگام وضو و یا گذاشتن آرنج ها و شکم بر زمین و چسباندن اعضای بدن به یکدیگر هنگام سجده و... همگی در این راستا است.

علاوه بر این که رعایت استحباب این مسئله در وضو موجب می شود همیشه مردان و زنان میان خود تفاوتی قایل بشوند و در نتیجه حفظ حریم ها به عنوان یک رفتار هنجار در جامعه نهادینه شود؛ برخلاف آنچه جریان سازی فمینیسم به دنبال آن است که مرز حریم های میان زن و مرد را از بین ببرد و ناهنجاری های فراوانی حتی به طور ناخواسته در جامعه به وجود آید.

وضوی پیامبر صلی الله علیه و آله

پرسش ۳۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونه وضو می گرفتند مانند شیعیان یا مانند اهل تسنن؟ آیا دلیل محکمی که نشان دهنده نحوه وضو گرفتن ایشان باشد وجود دارد؟

دلایل و مستندات تاریخی متعددی وجود دارد مبنی بر این که در زمان خلافت ابوبکر و عمر تا زمان عثمان اختلافی میان مسلمانان راجع به وضو وجود نداشته به گونه ای که تمامی مسلمانان یکسان وضو می گرفتند و حتی خود عثمان نیز چندین سال بعد از خلافتش همانند دیگران وضو می گرفت اما پس از مدتی اقدام به تغییر وضو نموده است.

عمده ترین تغییراتی که عثمان در وضو ایجاد کرد این بود که دست ها را از پایین به بالا شست و به جای مسح، پاها را شستشو نمود، که این اقدام وی با مخالفت صحابه، تابعین و عامه مردم که از نحوه وضو گرفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله به خوبی آگاه بودند مواجه گردید. ۲۵

سیره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

براساس حدیث مورد اتفاق همه مسلمانان: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتهم بها لن تضلوا ابدًا»؛ «دو شیء گران بها میان شما باقی می گذارم: کتاب خدا و اهل بیتم، مادامی که به این دو چنگ بزنید گمراه نخواهید شد.»

اگر ائمه علیهم السلام حکم شرعی یا کیفیت عملی را بیان می کنند، مورد قبول خواهد بود و از گمراهی به دور می باشد. آنچه که از سیره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص نحوه وضو گرفتن آنها نقل شده همگی گویای آن است که سیره این بزرگواران در وضو گرفتن آن بوده که دست ها را از بالا به پایین می شستند و پاها را نیز مسح می نمودند کما این که شیعه نیز به تبعیت از ایشان همین گونه وضو می گیرد. ۲۷

روایات متعددی نیز از شیعه و سنی نقل گردیده و در آن با بیان نحوه صحیح وضو، شیوه ابداعی عثمان که بر خلاف وضوی پیامبر بود رد شده که در اینجا تنها به دو نمونه از این روایات اشاره می نمایم:

امام باقر علیه السلام وضوی رسول خدا صلی الله علیه و آله را تشریح و بیان داشته اند: **«فَغَسَلَ يَدَهُ الْيَمْنَى مِنَ الْمِرْقَى إِلَى الْأَصَابِعِ لَا يَرُدُّ الْمَاءَ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ 28»**: «دست راست خود را از آرنج تا سر انگشتان شست و آب را به سوی آرنج ها باز نمی گرداند.»
قرآن می فرماید:

«فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ 29»: «دست های خود را تا آرنج (با با آرنج) بشوید.»

نکته مهم در این آیه آن است که هدف از آوردن کلمه «إلى المرافق» (شستن تا آرنج (چيست؟ آیا هدف بیان تعیین محدوده شستشوی دست به هنگام وضو می باشد، یا این که هدف از آوردن این کلمه بیان نحوه شستن دست از نوک انگشتان تا به آرنج می باشد؟! در این باره علاوه بر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیه السلام که براساس حدیث ثقلین عمل به روش آنها ما را از گمراهی دور می کند، از آیات دیگر قرآن نیز می توان به عنوان نمونه استفاده کرد.

گروهی از مفسران معتقدند واژه «إلى» در آیه به معنی «انتها» یا به تعبیر فارسی «تا» نیست، بلکه به معنی «مع» و «همراه» است. و هدف از آوردن «إلى» این است که آرنج هم باید شسته شود و نظیر آن در قرآن دو آیه یاد شده در زیر است:

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ 30»: «اموال یتیمان را همراه اموال خود نخورید.»

«وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ 31»: «نیروی بر نیروی خود بیفزاید.»

در این صورت با استدلال به این که «ألى» به معنی «مع» باشد دیگر هیچ توجیهی برای شستن دست ها از نوک انگشتان تا به آرنج باقی نخواهد ماند. ۳۲ دانشمند و فقیه سنی مذهب آقای وهبه الزحلی نیز به این امر اعتراف نموده، می گوید: «در نزد تمامی دانشمندان و عالمان - از جمله امامان مذاهب چهارگانه اهل سنت - داخل نمودن دو آرنج در شستن واجب است، زیرا حرف «إلى» که برای انتهای غایت است در این جا به معنای «مع» می باشد مانند دو آیه شریفه «وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ» و «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ» که در این دو نیز «إلى» به همین معنا است. ۳۳ از همین رو، هیچ یک از مذاهب اهل سنت شستن دست ها را از پایین به بالا واجب یا مستحب نمی دانند بلکه برخی «إلى» را به معنای «مع» می گیرند. ۳۴

مسح در نماز

پرسش ۳۲. چرا ما در هنگام وضو پاها را مسح می کنیم اما اهل سنت پاها را می شویند؟

قرآن درباره وضوی صورت و دست ها می فرماید: **«فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَىٰ الْمَرَافِقِ 35»** و درباره دو عضو دیگر می فرماید: **«وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلِكُمَا إِلَىٰ الْكَعْبَيْنِ 36»** بنابراین شستن پاها با ظاهر آیه مخالف می باشد.

ابن عباس نیز از سرپیچی مردم از ظاهر قرآن، سخن می گوید و می فرماید: **«أبَى النَّاسِ إِلَّا الْغَسْلَ وَ لَا أجد فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَّا**

الْمَسْحَ 37»: «مردم جز شستن به چیزی تن ندادند در حالی که من در قرآن غیر از مسح چیزی نیافتم». از همین رو، گروهی از علمای اهل سنت بر دلالت آیه بر مسح پاها، اعتراف کرده و برخی برای احتیاط میان مسح و غسل جمع می کنند، و برخی با اعتراف به دلالت آیه بر مسح می گویند علت «شستن پا» نظافت بیشتر است، تو گویی خدای حکیم از این موضوع غافل بوده است!!

ابن حزم متوفای (۴۵۶) می گوید: **«ان القرآن نزل بالمشح، قال الله تعالى: «وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَ أَرْجُلِكُمْ» وَ سِوَاءِ قِرَاءِ بَخْفِضِ**

اللام أَوْ فَتْحِهَا هِيَ عَلَىٰ كُلِّ حَالٍ عَطْفُ عَلِيٍّ الرَّؤْسِ 38» قرآن درباره پاها حکم به مسح کرده است، و آیه نیز همین را می رساند خواه لفظ «وَأَرْجُلِكُمْ» را به کسره بخوانیم یا به فتح و در هر حال عطف بر «رؤسکم» می باشد.»

و قتاده نیز گفته است خدا دو شستن و دو مسح بر ما واجب کرده است. ۳۹

علی بن برهان الدین حلبی (متوفای ۱۰۴۴ ه) می گوید: جبرئیل آنگاه که به رسول خدا صلی الله علیه و آله وضو را آموزش داد، فرمان به مسح پا داد، سپس می گوید محیی الدین می گوید: مسح دو پا ظاهر کتاب است. ۴۰

درباره آیه شریفه: **«وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلِكُمَا إِلَىٰ الْكَعْبَيْنِ»** سخن این است که واژه «وَأَرْجُلِكُمْ» به کجا عطف شده است، و به تعبیر دیگر: معطوف علیه آن چیست؟!

درباره واژه «و ارجلکم» دو قرائت هست:

قرائت جر «و امسحوا بروکم و ارجلکم.»

قرائت نصب «و امسحوا بروکم و ارجلکم.»

بنا بر قرائت جر که چهار قاری (ابن کثیر، ابو عمرو، حمزه، عاصم به روایت ابی بکر (از قراء سبعة موافق آن قرائت کرده اند حکم آن واضح است و آن این که معطوف بر ظاهر «بروسکم» می باشد، و طبعاً هر دو عضو، حکمیکسان (مسح) خواهند داشت.

و بنا بر قرائت نصب که هسه قاری از قراء سبعة مطابقاً نقرائت کرده اند عطف بر محل «بروسکم» می باشد زیرا محل آن به حکم این که مفعول

«وامسحوا» است منصوب می باشد و عطف بر محل در کلام عرب و قرآن شایع است؛ مانند:

«أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ 41»؛ «خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند.»!

در این آیه واژه «و رسوله» به محل «اللّه» که به ظاهر منصوب و از نظر محل مرفوع است، عطف شده است.

نکته پایانی آن که صراحت آیه شریفه آن است که «وامسحوا

بروکم» و بر اساس ادبیات عرب این «باء» بعضیهاست یعنی بهمقداری از سر خود مسح کنید در حالی که آنچهار ایچمیان برخی اهل سنت است مسح یا شستن تمام

سر است!! و به طور یقین این رفتار آنها مخالف آیه شریفه و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است زیرا در آیه نگفته (وامسحوا بروکم)

یعنی تمام سر خود را مسح بکشید، بلکه فرموده «وامسحوا بروکم» یعنی بعض سر را مسح بکشید وقتی ثابت شود بخشی از وضوی اهل

سنت با ظاهر قرآن سازگار نیست نسبت به دیگر روش های آنها در وضو نیز نمی توان اطمینان پیدا کرد. به ویژه که مخالف روش و روایت

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد.

غسل جنابت

پرسش ۳۳. قبول دارم که غسل یک فرمان الهی است اما چرا اسلام دستور می دهد که به هنگام جنب شدن تمام بدن را

بشویند در حالی که فقط عضو معینی آلوده می شود؟

در ابتدا گفتنی است؛ در بدن انسان دو سلسله اعصاب وجود دارد که تمام فعالیت های بدن را کنترل می کنند «اعصاب سمپاتیک» و

«اعصاب پاراسمپاتیک» این دو رشته اعصاب در سراسر بدن انسان و در اطراف تمام دستگاه ها و جهازات داخلی و خارجی گسترده اند،

وظیفه اعصاب سمپاتیک «تند کردن» و به فعالیت واداشتن دستگاه های مختلف بدن است، و وظیفه اعصاب «پاراسمپاتیک»، «کند

کردن» فعالیت آنهاست، در واقع یکی نقش «گاز» اتومبیل و دیگری نقش «ترمز» را دارد، و از تعادل فعالیت این دو دسته اعصاب، دستگاه

های بدن به طور متعادل کار می کند.

گاهی جریان هایی در بدن رخ می دهد که موجب هیجان می شود مانند «ارگاسم» (اوج لذت جنسی) که معمولاً مقارن خروج منی صورت

می گیرد.

از جمله اموری که می تواند اعصاب سمپاتیک را به کار وادارد و تعادل از دست رفته را تأمین کند تماس آب با بدن است و از آن جا که

تأثیر «ارگاسم» روی تمام اعضای بدن به طور محسوس دیده می شود و تعادل این دو دسته اعصاب در سراسر بدن به هم می خورد دستور

داده شده است که پس از آمیزش جنسی، یا خروج منی، تمام بدن با آب شسته شود و در پرتو اثر حیات بخش آن تعادل کامل در میان

این دو دسته اعصاب در سراسر بدن برقرار گردد.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرموده اند: **«ان الجنابة خارجة من كل جسده فلذلك وجب عليه تطهير جسده كله 42»؛**

«جنابت از تمام بدن بیرون می آید و لذا باید تمام بدن را شست.»

البته فایده غسل منحصر به این نیست، بلکه غسل، یک نوع عبادت نیز می باشد که اثرات اخلاقی آن قابل انکار نیست و به همین دلیل اگر

بدن را بدون نیت و قصد قربت و اطاعت فرمان خدا بشویند غسل صحیح نیست در حقیقت به هنگام خروج منی یا آمیزش جنسی، هم

روح متأثر می شود و هم جسم، روح به سوی شهوات مادی کشیده می شود، و جسم به سوی سستی و رکود، غسل جنابت که هم

شستشوی جسم است و هم به علت این که به قصد قربت انجام می یابد شستشوی جان است، اثر دوگانه ای در آن واحد روی جسم و روح می گذارد تا روح را به سوی خدا و معنویت سوق دهد، و جسم را به سوی پاکی و نشاط و فعالیت. از همه اینها گذشته، وجوب غسل جنابت یک الزام اسلامی برای پاک نگه داشتن بدن و رعایت بهداشت، در طول زندگی است زیرا بسیاری کسانی که از نظافت خود غافل می شوند ولی این حکم اسلامی آنها را وادار می کند که در فواصل مختلفی خود را شستشو دهند و بدن را پاک نگاه دارند.

مجموع جهات سه گانه فوق روشن می سازد که چرا باید به هنگام خروج منی (در خواب یا بیداری) و همچنین آمیزش جنسی (اگر چه منی خارج نشود) غسل کرد و تمام بدن را شست. ۴۳

فایده تیمم

پرسش ۳۴. تیمم چه فایده ای دارد؟ آیا این کار بهداشتی است؟

برای تیمم حداقل دو فایده مهم قابل تصور است:

فایده اخلاقی

تیمم یکی از عبادات است، و روح عبادت به معنی واقعی کلمه در آن منعکس می باشد، زیرا انسان پیشانی خود را که شریف ترین عضو بدن او است و دست ها که از مهم ترین اعضای کار اوست به خاک می ساید تا فروتنی و تواضع خود را در پیشگاه خداوند آشکار سازد.

فایده بهداشتی

امروز ثابت شده که خاک به خاطر داشتن باکتری های فراوان می تواند آلودگی ها را از بین ببرد، این باکتری ها که کار آنها تجزیه کردن مواد آلی و از بین بردن انواع عفونت ها است معمولاً در سطح زمین و اعماق کم که از هوا و نور آفتاب بهتر می توانند استفاده کنند فراوانند، به همین دلیل هنگامی که لاشه های حیوانات و یا بدن انسان پس از مردن زیر خاک دفن شود و همچنین مواد آلوده گوناگونی که روی زمین ها می باشد، در مدت نسبتاً کوتاهی تجزیه شده و بر اثر حمله باکتری ها کانون عفونت از هم متلاشی می گردد، مسلم است اگر این خاصیت در خاک نبود کره زمین در مدت کوتاهی مبتل به یک کانون عفونت می شد، اصولاً خاک خاصیتی شبیه مواد «آنتی بیوتیک» دارد و تأثیر آن در کشتن میکروب ها فوق العاده زیاد است.

بنابراین خاک پاک، نه تنها آلوده نیست بلکه از بین برنده آلودگی ها است و می تواند از این نظر تا حدودی جانشین آب شود، با این تفاوت که آب حلال است، یعنی میکروب ها را حل کرده و با خود می برد، ولی خاک میکرب کش است. اما باید توجه داشت که خاک تیمم کاملاً پاک باشد همانطور که قرآن در تعبیر جالب خود می گوید: «طیبا.»

قابل توجه این که تعبیر به «صعید» که از ماده «صعود» گرفته شده اشاره به این است که بهتر است خاک های سطح زمین برای این کار انتخاب شود، همان خاک هایی که در معرض تابش آفتاب و مملو از هوا و باکتری های میکرب کش است، اگر چنین خاکی طیّب و پاکیزه نیز بود، تیمم با آن اثرات فوق را دارد بدون این که کمترین زبانی داشته باشد ۴۴.

فلسفه اذان

پرسش ۳۵. فلسفه اذان گفتن چیست؟ و چرا در آن تکرار هست؟

هر جمعیت و ملتی برای مراسم دسته جمعی و شعار ملی، از سرود یا وسیله ای ویژه استفاده می کنند. ناقوس کلیسا در مسیحیت، سرود ملی، شلیک تیر و توپ از آن جمله است.

در اسلام نیز اذان تشریح شد تا اعلامی برای تجمع مردم و آمادگی آنان برای نماز باشد با این تفاوت که «اذان» دارای محتوایی بس عمیق است که حتی تکرار آن در نمازهای فرادا، انسان را از غفلت بیدار کرده و او را به توحید و عقاید اساسی اسلام هشیار می سازد.

امام رضا علیه السلام درباره فلسفه و حکمت اذان می فرماید:

1. آن کس را که فراموش کار است، یاد آور باشد و آن کس را که غافل است هشیار سازد.

2. اعلام وقت نماز.

3. ترغیب و تشویق مردم به پرستش خالق یکتا.

4. اذان گو، اقرار به توحید دارد و ایمان را آشکار می سازد و اسلام را اعلان می کند ۴۵.

بنابراین اذان شعاری سکوت شکن، موزون، کوتاه، پرمحتوا و سازنده است که دربردارنده اساسی ترین پایه های اعتقادی و جهت گیری عملی مسلمانان است.

اذان، اعلام موجودیت اسلام، معرفی عقاید و اعمال مسلمانان و فریاد علیه معبودهای خیالی است.

اذان، نشانه باز بودن فضای تبلیغات و اعلام مواضع فکری مسلمانان به صورت روشن و صریح است و همیشه نشانه هشیاری و بیداری از غفلت است.

اذان، آماده ساختن روح، دل و جان برای ورود به «نماز» و فریادی است که طنین ملکوتی آن در فضا، دل مؤمنان را به سوی خدا می کشد و بر وحشت و خشم کافران می افزاید. هم چنان که این وحشت را در جملات «گلاستون» سیاست مدار و صهیونیست انگلیسی مشاهده می کنیم. وی در پارلمان می گوید: «تا هنگامی که نام محمد صلی الله علیه و آله در مأذنه ها بلند است و کعبه پابرجا است و قرآن رهنما و پیشوای مسلمانان است امکان ندارد پایه های سیاست ما در سرزمین های اسلامی استوار و برقرار گردد» ۴۶.

اما درباره تکرار فرازهای اذان، امام رضا علیه السلام چنین می فرمایند: «در آغاز اذان؛ تکبیرهای چهارگانه برای آگاهی شنوندگان و آمادگی آنها برای شنیدن فرازهای بعدی است و دوبار تکرار فرازهای بعدی برای تأکید و یادآوری دوباره است» ۴۷.

اذان اهل سنت

پرسش ۳۶. چرا در اذان اهل سنت «حی علی خیرالعمل» وجود ندارد؟ اذان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه بوده است؟

براساس آنچه که از روایات اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وارده شده معلوم می شود «حی علی خیرالعمل» جزو اذان بوده و در عهد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تا عهد ابی بکر و قسمتی از عهد عمر در اذان گفته می شد بعداً عمر دستور داد آن را از اذان و اقامه حذف کنند.

در روایتی از ابن عباس سؤال کردند: به چه علت «حی علی خیرالعمل»، از اذان حذف شده است؟ جواب داد: «عمر می خواست مردم با

تکیه کردن بر نماز جهاد را ترک نکنند و به این جهت آن را از اذان حذف کرد» ۴۸.

در روایت دیگری فردی به نام محمدبن ابی عمیر همین سؤال را از حضرت رضا علیه السلام پرسید؛ حضرت فرمودند: علت ظاهرش را جویا هستی یا از علت باطنی آن سؤال می کنی؟

محمدبن ابی عمیر می گوید: عرض کردم از هر دو می پرسم.

حضرت فرمودند: اما علت ظاهرش، آن است که مردم جهاد را به خاطر نماز ترک نکنند و اما علت باطنی آن، خیرالعمل ولایت است لذا

کسی که امر به ترک «حی علی خیرالعمل» از اذان نمود قصدش این بود که بر ولایت تحریص و تحریکی نباشد. ۴۹

حذف این فراز از اذان در حالی صورت گرفت که مسلمانان در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به هر دو فریضه «نماز» و «جهاد» اهمیت می دادند و هیچ کدام مانع دیگری نمی شد. علاوه بر این کسانی که این فراز از اذان را حذف نموده اند باید به این سؤال پاسخ دهند که مگر پیامبر صلی الله علیه و آله نمی دانستند خیرالعمل نماز است یا جهاد تا این فراز را در اذان ذکر نمایند ولی بعداً دیگران پی به این مسئله برده و آن را از اذان حذف کردند؟

بنا بر آنچه گفته شد، در اذان اهل سنت متأسفانه بخشی از اذان حذف شده است و بخش دیگری با عنوان «الصلوة خیر من النوم» اضافه شده است و اما درباره اذان رایج در میان شیعیان، در ادامه شهادت به نبوت و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، شهادت بر ولایت و امامت نیز به عنوان مستحبّ گفته می شود و بنا بر اتفاق همه مراجع بزرگوار تقلید شیعه، جزء اذان نیست علاوه بر این که شیعه دلایلی در دست دارد که نشان می دهد، اقرار به ولایت علی علیه السلام در اذان و اقامه، از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان اصحاب موجود

بوده و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز آن را تأیید نموده اند.

سلمان فارسی بعد از حجه الوداع، در اذان و اقامه بعد از گواهی به یکتایی خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله به ولایت امیرمؤمنان علی علیه السلام شهادت می داد. یکی از اصحاب به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده و عرض کرد: ای رسول خدا! امروز موضوعی را شنیدم که قبلاً نشنیده بودم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آن موضوع چیست؟ او عرض کرد: سلمان اذان می گفت، شنیدم او بعد از گواهی به یکتایی خدا و رسالت پیامبرش، به ولایت علی علیه السلام گواهی داد پیامبر فرمود: «سمعتم خیراً»؛ «چیز خوبی شنیده اید.»

همچنین یکی از اصحاب نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمده و عرض کرد: ای رسول خدا! ابوذر در اذان بعد از شهادت به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله به ولایت علی شهادت می دهد و می گوید: «شهد انّ علیاً ولی الله». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: **«کذلک او نسیتم قولی فی غدیر خم من کنت مولاه فعلی مولاه؟ فمن نکث فانما ینکث علی نفسه»**؛ «همین گونه است. مگر سخن مرا در غدیر خم فراموش کرده اید که گفتم هر کس من مولای او هستم پس علی علیه السلام مولای او است؟ هر کس پیمان را بشکند قطعاً به خودش آسیب رسانده است.» ۵۰

در برخی از روایات نیز آمده است که هر کس «لا اله الا الله محمد رسول الله» می گوید: «علی امیرالمؤمنین» نیز بگوید ۵۱. این روایت دلالت بر استحباب شهادت به ولایت پس از شهادت به توحید و رسالت در همه مواضع دارد چه در اذان باشد چه در غیر اذان. در هر صورت عبارت «حی علی خیرالعمل» که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله جزء اذان بوده به دستور خلیفه دوم حذف شده است بدون این که دلیل قرآنی یا روایی برای آن اقامه نماید.

متکلم معروف اشعری به نام علاء الدین قوشجی (متوفای ۸۷۹) می گوید: عمر بن خطاب نسبت به سه چیز هشدار داد و گفت: «ثلاث کن علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و انا محرمهن و معاقب علیهن؛ متعه النساء، و متعه الحج و حی علی خیرالعمل فی الاذان» ۵۲؛ «سه چیز در عهد رسول خدا رسمیت داشت و من از آنها باز می دارم، و تحریم می کنم و مؤخذه می نمایم: متعه زنان، متعه حج، گفتن حی علی خیرالعمل در اذان.»

نماز میّت

پرسش ۳۷. علّت این که برای اموات نماز خوانده می شود چیست؟

امام رضا علیه السلام در روایتی در خصوص علّت اقامه نماز برای مردگان فرموده اند: «به این وسیله برای میّت شفاعت کرده و دعا می کنند خداوند او را بیمارزد چه آن که در هیچ وقتی از اوقات انسان نیازمندتر به طلب آمرزش و دعا از آن ساعت نمی باشد» ۵۳. خواندن نماز بر میّت بدون طهارت نیز جایز می باشد، زیرا در این نماز رکوع و سجود نیست بلکه دعا و طلب رحمت است ۵۴. نماز میّت با دیگر نمازها به خاطر نداشتن سجده و رکوع تفاوت دارد، زیرا مقصود از این نماز تذلل و خضوع و خشوع در برابر خداوند نمی باشد بلکه مراد شفاعت کردن از بنده ای است که از دنیا رفته و بدین وسیله از بازماندگان جدا گردیده است ۵۵.

نماز آیات

پرسش ۳۸. چرا باید نماز آیات بخوانیم؟ آیا بهتر نیست به کمک زلزله زدگان بشتابیم و یا پدیده خورشید گرفتگی را تماشا کنیم؟!

خواندن نماز آیات، برای توجّه دادن به منشأ اصلی آفرینش و دگرگونی طبیعت، از سوی خدای تواناست. در روایت آمده است؛ هنگام درگذشت ابراهیم، فرزند کوچک پیامبر، خورشید گرفت. مردم با خود می گفتند که این کسوف و خورشید گرفتگی، به خاطر فقدان پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای تصحیح افکار و برداشت ها منبر رفت و پس از حمد و ثنای پروردگار، فرمود: **«ایها الناس! انّ الشمس والقمَر آیتان من آیات الله، یجربان بأمره مطیعان له لا ینکسف لموت احدٍ و لا لحیاته،**

فَإِذَا أَنْكَسَفْنَا أَوْ وَاحِدَةً مِنْهُمَا فَصَلُّوا 56»؛ «ای مردم! خورشید و ماه، دو نشانه از نشانه های الهی اند، به فرمان او جریان دارند و مطیع

اویند، و به خاطر مرگ یا زندگی کسی، گرفته نمی شوند. پس اگر هر دو یا یکی از آن دو گرفت، نماز بگذارید.»

امام رضا علیه السلام در بیان علت نماز آیات به هنگام کسوف فرموده اند: کسوف آیتی است از آیات خدا که نمی دانیم به نشانه رحمت حق عزّ و جل ظاهر شده یا به منظور عذاب الهی پدید آمده، باری نبی اکرم صلی الله علیه و آله دوست دارند که امتشان هنگام ظهور کسوف در مقابل خالق و راحم فزع و جزع و تضرّع نموده تا شرّ آن از ایشان دفع گشته و بدین وسیله از امر مکروه مترتب بر آن مصون بمانند، چنان چه قوم یونس وقتی در مقابل حقّ عزّ و جل تضرّع و جزع و فزع نمودند باری تعالی عذاب را از آنها برگرداند. ۵۷

امام صادق علیه السلام از پدرش نقل می کند که فرمود: زلزله ها و گرفتگی ماه و خورشید و بادهای سخت و وحشت زا، از نشانه های قیامت است. هر گاه یکی از اینها را دیدید، به یاد برپایی قیامت بیفتید، به مسجدها پناه برید و نماز بخوانید. ۵۸

و اما درباره کمک به زلزله زدگان و تماشای خورشید گرفتگی باید به امور ذیل توجه نمود:

1. به طور معمول خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی مدتی طول می کشد. لذا می توان نماز آیات را خواند و از فرصت نگاه به حوادث و پدیده های طبیعی نیز با رعایت شرایط ایمنی بهره مند شد.

2. مهم ترین وظیفه و اقدام امدادگران و نهادهای مسئول ایجاد احساس آرامش و امنیت است، با توجه به خدا و این که همه اینها نشانه های قدرت و عظمت اوست و باید به او استغاثه نمود همه اضطراب ها و دلهره ها برطرف شده، بهترین وضعیت روانی برای تصمیم گیری امدادگران (هم از حیث روحی خودشان و هم از این که مردم دچار اضطراب و ناامنی نیستند از این جهت خیال آنها آسوده می باشد) مهیا خواهد شد.

3. تمامی زلزله ها، خرابی های سنگین و بنیان کن، به بار نمی آورند و برخی از آنها، جز خسارت های مالی غیرقابل توجه، چیزی را در پی ندارند. از این رو خواندن نماز آیات، در این فرض، هرگز مخالف عقل و درایت به نظر نمی رسد. البته به اتفاق نظر علماء در تلاقی نماز آیات با واجبی مهم تر، نماز آیات به تأخیر می افتد.

ثواب مستحبات

پرسش ۳۹. فلسفه این ثواب های عجیب برای نمازهای مستحبتی در مفاتیح چیست؟

درباره ثواب های نمازهای مستحبتی اشاره به چند نکته شایان توجه است؛

۱- فضل و رحمت الهی بی پایان است و آن چه از شخص کریم انتظار می رود همانا لطف و رحمت بیش از حد معمول است. خداوند با گناهان براساس عدل برخورد می کند. اما در برابر نیکی ها و عبادت ها براساس لطف و رحمت پاداش می دهد. خداوند می خواهد زمینه های امید و بازگشت را در پیش پای مردم قرار دهد تا در صورت ارتکاب گناه و کوتاهی در عبادت، خود را در بن بست نبینند و راه اصلاح وجود داشته باشد. لذا این عبادات مستحبتی قرار داده شده تا راه جبرانی باشد برای آنهایی که می خواهند در مسیر تکامل قدم بگذارند.

۲- ثواب ها مشروط است به رعایت سایر شروط، مثلاً نمازی که در آن وعده بخشش از گناهان داده شده مشروط است به صحیح انجام دادن عمل و رعایت سایر شرایط توبه از جمله تصمیم به عدم بازگشت به گناه و جبران خطاهای گذشته مثل ادای حق الناس، لذا هرگز نباید تصوّر کرد که ذکر این ثواب ها چراغ سبزی است برای معاف شدن از تکالیف یا خدای ناکرده انجام معاصی. چراکه هیچ عملی مصونیت مادام العمر برای انسان به ارمغان نمی آورد بلکه باید به همه وظایف و تکالیف عمل کرد، واجبات را انجام داد، محرّمات را ترک نمود و امید به فضل الهی داشت که این ثواب ها به ما داده شود.

طبقه بندی ثواب ها متناسب با میزان تأثیرگذاری در هدایت انسان هاست. لذا اگر برای برخی عبادت ها و یا اعمال، ثواب فراوان ذکر شده به این منظور است. به طور مثال برای شرکت در مجلس امام حسین علیه السلام، ثواب بسیار ذکر شده است. زیرا بسیار دیده شده که برخی افراد با بهره مندی از یک مجلس امام حسین علیه السلام و یا برگزاری یک نماز خاص، نقطه عطفی در زندگی آنها صورت می پذیرد و موجب هدایت همیشگی آنها می شود.

نماز امام علی علیه السلام

پرسش ۴۰. می گویند حضرت علی علیه السلام هر شب هزار رکعت نماز می خواندند؟ چطور ممکن است؟

روایات متعددی در خصوص هزار رکعت نماز خواندن حضرت علی علیه السلام نقل شده است ۵۹. به عنوان نمونه امام باقر علیه السلام در روایتی فرموده اند: «وَاللَّهِ إِنْ كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ... وَ إِنْ كَانَ لَيَصَلِّي فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكْعَةٍ 60»؛ «به خدا سوگند شیوه علی علیه السلام این بود که در شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند.»

اما نکته ای که در این روایات وجود دارد و کمتر مورد توجه قرار گرفته، این است که در تمامی این روایات با صراحت جملاتی همچون «فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ» به معنی شبانه روز بیان شده است، لذا براساس برخی روایات، آن حضرت در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواندند نه در هر شب؛ بنابراین آنچه که مطرح می شود مبنی بر این که حضرت علی و برخی دیگر از معصومین علیهم السلام در هر شب هزار رکعت نماز می خواندند یک اشتباه لفظی و غلط رایج می باشد.

براساس آنچه که از برخی احادیث نیز فهمیده می شود؛ چنین عبادتی همیشگی نبوده بلکه مربوط به اوقات خاصی از عمر ایشان بوده است، به گونه ای که ایشان در برخی از ایام این گونه خداوند را عبادت می کردند.

امام باقر علیه السلام این مسئله را مربوط به اواخر عمر حضرت علی علیه السلام بیان نموده و فرموده اند: «إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ فِي آخِرِ عُمُرِهِ يَصَلِّي فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ أَلْفَ رَكْعَةٍ 61»...؛ «همانا حضرت علی علیه السلام در اواخر عمرشان در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواندند.»

بر فرض این که آن حضرت و برخی دیگر از ائمه علیهم السلام در هر شب هزار رکعت نماز می خواندند همان گونه که در روایتی نقل شده امام رضا علیه السلام به دعبل، شاعر معروف، پیراهنی از خز هدیه کرد و به او گفت: قدر این پیراهن را بدان که من هزار شب و در هر شبی هزار رکعت با آن نماز گزارده و هزار بار قرآن ختم نموده ام ۶۲. باز این مطلب از نظر امکان، مشکلی ندارد و علامه امینی (ره) در برابر انکار برخی، یک شب هزار رکعت نماز در مقابل آنان بجا آوردند ۶۳.

در پایان گفتنی است؛ می توان نماز مستحبی را بسیار ساده بجا آورد و بدون خواندن سوره و تنها با خواندن حمد و یک ذکر سبحان الله در رکوع و سجود آن را انجام داد و در پایان به یک سلام اکتفا نمود. در این صورت دو رکعت، حدود ۱ دقیقه طول می کشد و در مجموع حدود هشت ساعت وقت لازم است ۶۴.

تیر پای امام علی علیه السلام

پرسش ۴۱. چگونه حضرت علی علیه السلام تیر در پایشان فرو رفت و در حین نماز آن را از پای مبارکشان بیرون کشیدند، اما به دلیل حضور قلب در نماز متوجه نشد ولی در جای دیگر به هنگام نماز متوجه فقیر شد و انگشتر خود را در رکوع به او داد؟

خداوند متعال می فرماید:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ.

وَمَنْ يَتَّبِعْهُ فَيُؤْمِرْهُ بِالسَّلَامَةِ وَالْإِيمَانِ فَاتَّبِعْهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَصِيرُ 65»؛ «سرپرست شما تنها خداست و پیامبر او و آنان که ایمان آورده اند؛ همانان که نماز را بر پا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند. و کسانی که ولایت خدا و پیامبر و افراد با ایمان را بپذیرند (پیروزند؛ زیرا) حزب خدا پیروز است.»

صدقه دادن حضرت علی علیه السلام در نماز از احادیث متواتر و مسلمات شیعه و سنی ۶۶ است.

گفتنی است معنی غرق شدن در توجه به خدا این نیست که انسان بی اختیار شود و حواس خود را از دست بدهد بلکه با اراده خویش توجه خود را از آنچه در راه خدا و برای خدا نیست بر می گرداند ۶۷ و در صورتی که کار خداپسندانه باشد نسبت به آن متوجه می شود. لذا شنیدن صدای فقیر و کمک به او، توجه به غیر خدا و اشتغال به امور مادی نیست که با حضور قلب منافات داشته باشد، بلکه آن هم در

بنابراین ایشان در همان حال که خدا را با نماز بندگی می نمود، بندگی دیگری را بر آن افزود. هم چنان که نوری را بر روی بیافزاید. چه بسا فرق میان حضور قلب و حال وصال امام در حال نماز با مقامات فنای برخی عرفا و حالت خلسه برخی اهل معرفت در این باشد که امام به خوبی می تواند در مقامات متعدّد حضور یابد اما آن گروه از عرفا هنگامی که در مقام فنا هستند به آسانی نمی توانند متوجه اطراف خود باشند در حالی که اراده الهی امام معصوم حاکم بر مقامات و موقعیت هاست، لذا می تواند با شوق به مناجات به مقامی دست یابد که درد کشیدن تیر از پا را احساس نکند.

چنان که درباره یاران امام حسین علیه السلام گفته شده است: «لا یسمون الم الحدید»؛ «درد شمشیر و نیزه دشمن را حس نمی کردند». در همان هنگام اگر وظیفه ای و یا عبادتی به سراغ آنها می آمد می توانستند خود را در موقعیت جدید قرار دهند و به وظیفه الهی خود عمل کنند. چنان که امام علی علیه السلام به فقیر کمک کرد و امام حسین علیه السلام و یارانش به نماز اول وقت توجه داشتند.

نمازهای حاجت

پرسش ۴۲. اگر نمازهای مستحبی برای حاجت گرفتن می باشد، چرا من هر چه این نمازها را می خوانم حاجتم را نمی گیرم؟!

در روایات اهل بیت علیهم السلام برای برخی از نمازهای مستحبی اثرات مخصوصی بیان شده است مانند نماز جعفر طیار که برای برآورده شدن حاجت یا رفع مشکل خوانده می شود یا نماز شکر که موجب ازدیاد نعمت می گردد. در خصوص این گونه اعمال نباید فراموش کرد که هر چند خواندن آنها به هر مقدار برای انسان ثواب به دنبال دارد ولی بهره برداری کامل از آثار و خواص آنها زمانی خواهد بود که کمترین تغییری در آن ایجاد نگردد.

اما در خصوص این که با وجود خواندن این گونه نمازها همچنان حاجت افراد برآورده نمی شود در احادیث معصومین علیهم السلام دلایل مختلفی ذکر گردیده است از جمله:

آلودگی به گناهان

مردی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که ما دعا می کنیم و مستجاب نمی شود فرمود: «شما کسی را می خوانید که از او نمی ترسید و نافرمانیش را می کنید چطور دعای شما را مستجاب کند» ۶۹.

در روایت دیگری نقل شده: گذر موسی علیه السلام به مردی از اصحابش افتاد که در سجده بود هنگامی که بازگشت باز همان شخص را در سجده دید فرمود: «اگر حاجتت به دست من بود هر آینه برآورده کرده بودم خداوند به او چنین وحی فرمود که اگر آن قدر برای من سجده کند که گردنش خرد شود از او نمی پذیرم تا این که از آنچه که ناخوشایند من است روی گرداند و به آنچه مطلوب من است روی آورد» ۷۰.

رعایت مصلحت

چه بسا برآورده شدن حاجت در همان زمان به مصلحت فرد نباشد و برآورده شدن حاجت، زمینه صدمات شدیدتر دنیوی و یا زیان اخروی را به دنبال داشته باشد، لذا خداوند متعال برای مصلحت بنده اش دعای او را مستجاب نمی کند اما در قیامت، بیشتر از آنچه که تصور می نموده برایش جبران می نماید؛ امام صادق علیه السلام در این خصوص می فرماید: «مؤمن خدای تعالی را در حاجتی می خواند خدای تعالی می فرماید: اجابت او را به تأخیر بیاندازید تا آن که صدا و دعایش را بشنوم و وقتی که روز قیامت شد خدای تعالی می فرماید: بنده ام مرا خواندی و اجابتت را به تأخیر انداختم و ثوابت چنین و چنان است و در فلان گرفتاری مرا خواندی من اجابت تو را به تأخیر انداختم و ثواب تو چنین و چنان است. در این هنگام مؤمن آرزو می کند که ای کاش هیچ دعایی از او در دنیا به اجابت نمی رسید چون که ثواب نیکوی آن را می بیند» ۷۱.

از مجموع آیات و روایات به دست می آید هیچ دعایی از سوی خداوند بدون پاسخ نمی ماند. البته گاهی همان خواسته و حاجت مطرح شده اجابت می شود و گاهی جایگزین آن که مصلحت ما باشد اجابت می شود و گاهی بلا و ضد آن دفع می شود و گاهی ثواب و آثار آن

در قیامت به بندگان می رسد.

امام سجاده علیه السلام در این باره فرموده اند: **«الْمُؤْمِنُ مِنْ دُعَائِهِ عَلَى ثَلَاثٍ - إِمَّا أَنْ يُدْخَوْلَهُ وَإِمَّا أَنْ يُعَجَّلَ لَهُ - وَإِمَّا أَنْ يُدْفَعَ عَنْهُ بَلَاءٌ يُرِيدُ أَنْ يُصِيبَهُ 72»**؛ «مؤمن در دعاهاى خود یکی از سه استفاده را می برد: یا برایش ذخیره می شود و یا دعایش مستجاب می گردد و یا بلایی از او دفع می شود که باید دچار آن بلا می شد.»

مهر نماز

پرسش ۴۳. چرا شیعیان در نماز از مهر استفاده می نمایند؟

بنا بر روایات بسیاری - که شیعه و سنی نقل نموده اند - پیامبر صلی الله علیه و آله بر خاک سجده می کردند و در تابستان که بر اثر هوای عربستان، خاک و ماسه های کف مسجدالنبی بسیار گرم و سوزان می شد، بر حصیر سجده می کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده اند: **«جُعِلَتْ فِي الْأَرْضِ مَسْجِدًا وَ طَهْرًا 73»**؛ «زمین برای من، سجده گاه و مایه پاکیزگی قرار داده شده است». از این روایت به خوبی استفاده می شود؛ که پیامبر صلی الله علیه و آله خاک و زمین را به عنوان سجده گاه و جهت تیمم استفاده می کردند و در این باره تمامی شیعیان و اهل سنت اتفاق نظر دارند.

مهر همان خاک است که به صورت فشرده در آمده و سجده بر خاک امری معمول است که از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و از آنجا که امروزه همه مساجد فرش دارد و سجده بر فرش تشریح نشده است، لذا شیعیان مهري از خاک تهیه می کنند که «زمین» بر آن صدق کند و پاک و تمیز باشد.

برخی روایات اهل تسنن نیز بر استفاده برخی صحابه از چیزی شبیه مهر امروزی برای سجده در نماز تصریح دارد، ابن سعد در طبقات الکبری در احوال مسروق بن اجدع ۷۴ می گوید: **«كان مسروق اذا خرج يخرج بلبنه يسجد عليها في السفينه 75»**؛ «وقتی مسروق بیرون می رفت خشتی همراه خود می برد و در کشتی بر آن سجده می کرد.»

زرین می گوید: **«كتب الى علي بن عبدالله بن عباس رضى الله عنه ان ابعث الى بلوح من احجار المروه اسجد عليه» 76**؛ «علی بن عبدالله بن عباس به من نوشت که لوحی از سنگ های مروه برایم بیاور تا بر آن سجده کنم». از این ادله معلوم می شود که سجده بر مهر یا همان لوح، بدعت نیست.

مهر نزد شیعه موضوعیت ندارد؛ بلکه ملاک همان سجده بر خاک است و مهر وسیله ای است که سجده بر خاک را در هر جا و هر مکان سهل و آسان می سازد. و سجده بر خاک مخصوص یعنی بر تربت سیدالشهدا علیه السلام مورد عمل و تأکید امامان معصوم علیهم السلام چون حضرت صادق علیه السلام بوده است 77.

عالمان برجسته و عارفان اهل سنت نیز سجده بر خاک را تأکید کرده اند؛ هم چنان که امام محمد غزالی در کتاب «احیاء العلوم» بر این مسئله انگشت نهاده و آورده است: **«أن عمر بن عبد العزيز رضى الله عنه كان لا يسجد إلا على التراب 78»**؛ «عمر بن عبدالعزیز این گونه بود که سجده نمی کرد مگر بر خاک.»

بنابراین سجده بر مهر شرک نیست چرا که شرک آن است که سجده برای غیر خدا باشد ولی شیعیان بر خاک سجده می کنند، نه برای خاک! برخلاف حرکت بت پرستان که بت ها را مسجود قرار داده و در پیشگاه آنها کرنش و تواضع می نمودند.

بنابراین، مخالفت برخی از اهل سنت با این مسئله، از روی ناآگاهی و تعصبات جاهلانه است و از نظر منابع فقهی و عالمان برجسته اهل سنت نیز سجده بر خاک افضل است و اگر اشکالی هست بر رفتار برخی اهل سنت وارد است که برخلاف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بر فرش سجده می کنند.

اما در خصوص برتری تربت امام حسین علیه السلام، علامه امینی(ره) می فرماید: «این امر بر دو اصل اساسی استوار است:

الف) آن که شیعه امامیه در صدد آن است که برای خود تربت و مَهْری پاک به همراه داشته باشد تا بر آن سجده نماید.

ب) برخی از مکان ها بر بعضی دیگر برتری دارد، لذا آثار و برکاتی بر آن مترتب است؛ به همین دلیل کعبه و حرم، حکم خاصی به خود گرفته است. از جمله سرزمین هایی که دارای آثار و برکاتی خاص است.

استاد عباس محمود عقاد - نویسنده مصری - در مورد سرزمین کربلا می نویسد: «سرزمین کربلا حرمی است که مسلمانان برای عبرت و یادآوری به زیارت آن می آیند و غیرمسلمین برای مشاهده و بازدید، ولی اگر بنا باشد که حق این سرزمین ادا شود باید آن را زیارت گاه هر انسانی قرار داد که برای نوع خود نصیبی از قداست و بهره ای از فضیلت قائل است، زیرا ما به یاد نداریم که قطعه ای از زمین به مانند کربلا این چنین دارای فضیلت و منقبت باشد و این نیست مگر به جهت آن که این سرزمین با اسم کربلا و منزلگاه حسین علیه السلام مقرون و عجین شده است.» ۷۹

از همین رو گرچه سجده بر هر خاکی، بلکه هر سنگ و چوب پاکی جایز و صحیح است اما براساس همین امتیازی که تربت امام حسین علیه السلام دارد، امام صادق علیه السلام جز بر خاک کربلا سجده نمی کرد و این کار را از سر خشوع و خضوع برای خدا می کرد. ۸۰ و می فرمود: «سجده بر خاک حسین علیه السلام حجاب های هفت گانه را از میان بردارد» ۸۱.

بنابراین، سجده بر خاک و مَهْر در نماز، عمل به سنت و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام است.

جمع بین دو نماز

پرسش ۴۴. این که شیعیان نماز عصر را بلافاصله بعد از نماز ظهر می خوانند برخلاف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و

نوعی دروغ نیست؟! زیرا هنوز عصر نشده است!؟

در ابتدا گفتنی است؛ زمان برگزاری نماز ظهر و عصر از هنگام اذان ظهر تا قبل از غروب یا مغرب است. بنا براین اگر کسی به هر دلیلی مانند خواب و یا سفر و یا تأخیر تا هنگام عصر نماز نخوانده باشد ابتدا باید نماز ظهر بخواند و سپس نماز عصر و دروغی اتفاق نیفتاده است بلکه از نظر شرعی نمازها یک وقت فضیلت دارد که نماز ظهر بهتر است در هنگام ظهر و نماز عصر در هنگام عصر خوانده شود اما جمع بین نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله انجام می شده و در روایات شیعه و روایات اهل سنت آمده است؛

عبدالله بن سنان از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدون این که عذری در کار باشد، نماز ظهر و عصر و نیز مغرب و عشاء را با یک اذان و دو اقامه خواندند» ۸۲.

اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدون این که عذری در کار باشد، ظهر و عصر را در یک نوبت می خواندند. عمر به آن حضرت گفت: آیا در نماز چیز تازه ای پیدا شده؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت: نه چیز تازه ای درباره نماز نیامده ولی خواستم بر امت خودم گشایشی بدهم» ۸۳.

عبدالملک قمی می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: می توانم بین دو نماز بدون این که عذری داشته باشم جمع بکنم؟ امام علیه السلام در جواب گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این کار را انجام داد و خواست که امت را در آسایش و سبکی قرار دهد» ۸۴.

عبدالله بن عمر می گوید: «پیامبر با این که در مدینه بود و مسافر نبود نماز را تمام و با هم خواند» ۸۵.

امام باقر علیه السلام فرمود: «پیامبر خدا ظهر و عصر و نیز مغرب و عشاء را با یک اذان و دو اقامه خواندند» ۸۶.

فقهای شیعه به پیروی از این احادیثی که از عمل پیامبر حکایت می کند و از روایاتی که از پیشوایان بزرگ اسلام رسیده است و به پیروی از ظواهر آیات قرآنی، در تمام اعصار اسلامی، تفریق میان نمازها را مستحب دانسته و می فرمایند: فاصله انداختن میان نمازها و اقامه هر نمازی در وقت فضیلت خود مستحب و افضل است و در عین حال می توان این مستحب را ترک نمود و نمازها را جمع خواند و معنای مستحب همین است که انسان بسان سایر مستحبات در فعل و ترک آن مختار باشد.

جابر بن زید از ابن عباس نقل کرده است که: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هفت رکعت مغرب و عشاء را با هم خواند و هشت رکعت ظهر و عصر را با هم خواند و آن حضرت در مدینه بود» ۸۷ و نیز می گوید: «پیامبر اسلام هفت رکعت را با هم خواند و هشت رکعت را هم با هم

-ابن عباس می گوید: «پیامبر اسلام در مدینه، بین ظهر و عصر و بین مغرب و عشاء جمع می کرد، بدون این که عذری در کار باشد» ۸۹. -سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می کند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله ظهر و عصر و مغرب و عشاء را با هم خواند بدون این که خطر و یا سفری در کار باشد» ۹۰.

حکمت این مسئله و جواز جمع بین نمازها به خاطر آسایش مسلمین و سخت نگرفتن به آنان بوده است.

در روایتی از اهل سنت آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جمع بین نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء کرد، به آن حضرت عرض شد که چرا چنین کردی؟ فرمود: این گونه عمل کردم تا حرجی بر امت نباشد. ۹۱ ابن عباس نیز در تبیین فلسفه و حکمت این حکم می گوید: به خاطر گشایش و تخفیف بر امت، پیامبر صلی الله علیه و آله این کار را کرد. ۹۲

این ها قسمتی از احادیثی است که محدثان اهل تسنن در کتاب های تفسیر و حدیث خود نقل کرده اند و همگی حاکی از این است که جدا خواندن نمازها امری مستحبی است و اگر روزی دیدیم که مراعات این مستحب به اصل ادای فریضه لطمه می زند، به دستور خود پیامبر می توانیم ترک کنیم، یعنی هر دو را با هم بجا آوریم. امروز در بسیاری از مناطق، وضع زندگی طوری تنظیم شده که مراعات این استحباب، موجب مشقت شده است و چه بسا سبب می شود که گروهی از انجام اصل نماز سر باز زنند. در این موقع با الهام گرفتن از راهنمای خود، پیامبر می توان برای مراعات «هم»، مسئله تفریق را ترک نمود، و هم اکنون بسیاری از فقهای اهل تسنن همین نظر را دارند، ولی به ملاحظاتی از اظهار نظر خودداری می کنند. ۹۳ بنابراین، جمع کردن بین نماز ظهر و عصر و نیز مغرب و عشاء، هیچ گونه اشکالی ندارد زیرا ریشه در روایات و سیره پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله دارد و متهم ساختن شیعه به این که خلاف سنت پیامبر عمل می کنند، کار دشمنان اسلام و مسلمین است.

آیاتی که با صراحت به اوقات نماز اشاره دارد در هیچ کدام به جزئیات به طور کامل و پنج وعده بودن تصریح نشده است. خداوند متعال می فرماید:

«اقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا ۹۴»؛ «نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب [نیمه شب] برپا دار؛ و همچنین قرآن فجر [نماز صبح آرا؛ چرا که قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است!» ۹۵.

بنابراین نمازهای یومیه دارای اوقات مخصوص و اوقات مشترک و اوقات فضیلت هستند. مثلاً نماز عصر دارای سه وقت است: وقت فضیلت نماز عصر و آن زمانی است که سایه شاخص (چوب یا میله ای صاف که در زمین مسطح به صورت عمود نصب شود) به دو برابر خود برسد. وقت مشترک نماز ظهر و عصر از زمانی آغاز می شود که به اندازه خواندن نماز ظهر از اذان گذشته باشد و پایان آن تا موقعی است که به اندازه خواندن نماز عصر به مغرب یا غروب آفتاب باقی مانده باشد. وقت مخصوص نماز عصر موقعی است که به اندازه خواندن نماز عصر تا مغرب یا غروب آفتاب باقی مانده باشد. در منابع روایی شیعه روایاتی نیز در خصوص استحباب این امر نقل شده ۹۶ و کلام حضرت امام علی بن ابیطالب علیه السلام در نامه ۵۲ نهج البلاغه نیز تبیین اوقات فضیلت نمازهای یومیه و تأکید بر امری مستحب و یکی از سنن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارد و دلالتی بر وجوب و الزام و حتمیت ندارد.

امام علی علیه السلام پس از آن که محمد بن ابی بکر را برای فرمانداری مصر انتخاب کرد، دستورالعملی نسبت به نماز اول وقت به او نوشت: **«صَلِّ الصَّلَاةَ لِوَقْتِهَا الْمَوْقُوتِهَا، وَلَا تُعْجَلْ وَقْتُهَا الْفَرَاغِ، وَلَا تُؤَرِّهَا لِشَغَاوِ الْعِلْمَانِ كَلْشَىٰ مِنْ مَمْلَكَةٍ تَبْعِلَصَلَاتِكَ ۹۷»**؛ «نماز را در وقت اختصاصی خودش بخوان اول وقت، و چون بیکار شدی در انجام نماز شتاب نکن، یا چون به کاری مشغول هستی آن را تأخیر مینداز، و بدان که تمام اعمال تو، در گرو قبولی نماز تو می باشد» و در نامه ۵۲ خطاب به تمامی والیان، اوقات فضیلت نماز و خواندن نماز با مردم و اقامه آن را متذکر می گردد. فقهای شیعه نیز با توجه به روایات و ظواهر قرآن علاوه بر این که فتوا به جواز جمع بین دو نماز داده اند، قائل به استحباب خواندن نماز در وقت فضیلت آن هستند.

پرسش ۴۵. چرا شیعیان مانند اهل تسنن دست بسته نماز نمی خوانند؟ سنت پیامبر صلی الله علیه و آله چه بود؟

دلایل مختلفی وجود دارد مبنی بر این که دست بسته خواندن نماز - که در اصطلاح فقهی تکفیر و تکتف نامیده می شود - شیوه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نبوده و بعد از ایشان به وجود آمده است.

در متون اهل سنت آمده است: «ابو حمید ساعدی، صحابی بزرگ برای گروهی از صحابه که در میان آنان ابو هریره دوسی، سهل ساعدی ابو السید ساعدی، ابو قتاده، حارث بن ربیع و محمد بن مسلمه نیز حضور داشتند کیفیت انجام نماز را از رسول خدا صلی الله علیه و آله حکایت کرد و نیز از مستحبات ریز و درشت آن نام برد ولی از چنین عملی، دست روی دست نهادن در نماز، سخن به میان نیاورده» ۹۸. اگر شیوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین بود او یادآور می شد و یا حاضران تذکر می دادند.

اگر این عمل، سنت همیشگی پیامبر صلی الله علیه و آله می بود، همه اهل سنت دست بسته خواندن را واجب می دانستند در حالی که هیچ کدام از چهار فرقه فقهی اهل سنت این عمل را واجب نمی دانند حتی مالکی ها آن را مستحب هم نمی دانند. ۹۹

علمای اهل سنت خود معترفند که تکتف جزء سیره پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده است، چرا که مهم ترین دلیل بر دست بسته نماز خواندن روایت بخاری است که در آن تصریح می کند به این که «الناس یورون» و نمی گوید که پیامبر امر کرد که دست راست را روی دست چپ بگذارد. بنابراین، این روایت به هیچ عنوان حاکی از سنت پیامبر نمی شود و بر فرض اگر دلالت آن درست بود و حاکی از سنت بود باز هم به دلیل تعارض با روایات معتبر که دست بسته را جایز نمی داند، از حجیت و اعتبار خارج می شد.

بخاری چنین روایت می کند: «فروی عن عبد الله بن مسleme، عن مالك، عن أبي حازم، عن سهل بن سعد، قال كان الناس يومرونا يضع الرجل اليد اليمنى على ذراعها اليسرى في الصلاة. قال أبو حازم لا أعلمه إلا ينمي ذلك إلى النبي صلی الله علیه و آله قال إسماعيل ينمي ذلك. ولم يقل ينمي» ۱۰۰؛ «...» ابن حازم از سهل بن سعد نقل می کند: که به مردم دستور داده می شد در نماز دست راست را بر ساعد دست چپ بگذارند. ابو حازم می گوید: مطلبی درباره این روایت نمی دانم جز این که به پیامبر نسبت داده شده است. اسماعیل می گوید: این مطلب نسبت داده شده است و نمی گوید خود او نسبت داده است.»

در روایات اهل بیت علیهم السلام این عمل را به مجوس نسبت داده اند از جمله در روایتی حضرت علی علیه السلام فرمود: مسلمان با گذاشتن دست خود روی دست دیگر، خود را به کفار (یعنی مجوس) تشبیه می کند. ۱۰۱

امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «و لا تکفر إنما یصنع ذلك المجوس»؛ «در نماز تکتف نکن که این کار مجوس است» ۱۰۲. و آن

حضرت به طور صریح دستور می دهد در نماز دست ها را روی ران ها بگذارید و آنها را رها کنید و انگشتان دست را به هم بچسبانید. ۱۰۳ در برخی از نقل های تاریخی آمده است که این عمل در زمان خلیفه دوم به نماز اضافه گردیده است: وقتی که اسیران ایرانی را نزد عمر بن خطاب آوردند، عمر بن خطاب آنها را دست بسته دید و پرسید: چرا چنین کرده اید؟ گفتند: رسم ما ایرانیان این است که در برابر

پادشاهانمان چنین می ایستیم. عمر بن خطاب از این حالت خوشش آمد و دستور داد از این پس در نماز چنین بایستند و مردم هم مطابق دستور عمل کردند و به این ترتیب، تکفیر، سنت شد. ۱۰۴

شیعیان این عمل را سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ندانسته و تکتف را حرام و باطل کننده نماز می دانند ۱۰۵ لذا طبق سیره پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام به هنگام نماز دست های خود را صاف و روی ران ها قرار می دهند، چرا که عبادات از احکام توقیفی است و هیچ کسی جز پیامبر صلی الله علیه و آله نمی تواند حرکت و فعلی را بر آن بیفزاید.

آمین گفتن

پرسش ۴۶. چرا اهل سنت بعد از سوره حمد «آمین» می گویند؟

به عقیده شیعیان گفتن «آمین» در نماز بعد از سوره حمد بدعت و حرام است و طبق نظر اهل بیت علیهم السلام نه تنها گفتن آن در نماز مستحب نیست، بلکه موجب بطلان نماز می گردد، زیرا دلیلی بر استحباب آن در نماز وجود ندارد. ولی مذاهب اهل سنت، آن را از سنت های نماز دانسته یا مستحب می دانند.

با مراجعه به مصادر روایی اهل بیت علیهم السلام نیز پی می بریم که آنان این امر را بدعتی در نماز دانسته و به جهت حفظ سنت پیامبر از

تحریف، شدیداً با اضافه کردن «آمین» در نماز مخالفت نموده و شیعیان را از گفتن آن در آخر قرائت حمد بازداشته اند: کلینی به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «هرگاه پشت سر امام جماعت مشغول نماز بودی، هنگامی که امام از قرائت حمد فارغ شد بگو: الحمد لله رب العالمین و آمین مگو» ۱۰۶.

وجود برخی روایات گویای آن است که این بدعت متأثر از نفوذ نظریات یهود و نصارا در برخی مذاهب اسلامی می باشد مانند روایت معاویه بن وهب که از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «درباره آمین گفتن بعد از «والضالین» از آن حضرت سؤال شد، حضرت فرمودند که این عمل یهود و نصارا است شما باید از آن اجتناب کنید» ۱۰۷.

قنوت نماز

پرسش ۴۷. آیا پیامبر صلی الله علیه و آله در نمازشان قنوت می خواندند؟

قنوت از مستحبات نماز واجب و مستحبی است و روایات معتبری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است که بر فضیلت قنوت در تمامی نمازها گواهی می دهد. ۱۰۸ امام محمدباقر علیه السلام درباره کسی که قنوت را ترک گفته بود، فرمود: «مرا خوش نمی آید که کسی، از سنت حضرت سیدالمرسلین صلی الله علیه و آله رو بگرداند». ۱۰۹ این مسعود می گوید: «ان النبی صلی الله علیه و آله قنت قبل الركوع»؛ «پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از رکوع، قنوت بجای می آورد» ۱۱۰.

براه بن عازب که از یاران رسول خداست می گوید: «**كان رسول الله صلی الله علیه و آله لا یصلی صلاةً مکتوبه إلا قنت فیها** 111»؛ «پیامبر نماز واجبی نمی خواند مگر این که در آن قنوت بجا آورد.»
درباره قنوت نماز در میان اهل سنت اختلاف فتوا وجود دارد:

ابوحنیفه می گوید: قنوت جز در نماز «وتر» در دیگر نمازها مکروه است ۱۱۲ اما دو فرقه مالکی و شافعی، با استناد به روایات انجام قنوت توسط پیامبر صلی الله علیه و آله، حکم به استحباب قنوت در نماز صبح و در هر پیش آمد ناگوار نموده اند. ۱۱۳

نماز شکسته

پرسش ۴۸. با توجه به این که سفرهای امروزه مانند گذشته سخت و پرخطر نیست چرا نمازها در سفر شکسته خوانده می شود؟

خداوند می فرماید:

«**وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ** 114»؛ «هنگامی که سفر می کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید.»...

در روایات نیز آمده است؛ نماز شکسته تخفیف خداوند بر مسافران است زیرا به طور معمول شرایط سفر با شرایط وطن متفاوت است و امکانات تغییر می یابد و این از نشانه های شریعت کامل است که علاوه بر «تعبد»، دارای «تنوع» نیز می باشد. از آنجا که مسافران معمولاً با فشرده گی برنامه ها و عجله روبرو هستند و چه بسا مسائلی پیش بینی نشده برای آنان در طول سفر رخ دهد، لذا خداوند متعال تخفیف در عبادت را برای مسافران بیان فرموده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «**ان الله تعالی وضع عن المسافر الصوم و شطر الصلاة** 115»؛ «خداوند متعال [رحمت] روزه و مقداری از نماز را از مسافر برداشته است.»

امام صادق علیه السلام از پدران خود و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که: «**ان الله اهدی الی و الی امتی هدیة لم یهدها الی احد من الامم کرامة من الله لنا، قالوا: و ماذاک یا رسول الله؟ قال: الافطار فی السفر و التقصیر فی الصلاة، فمن لم**

يفعل ذلك، فقد رد على الله عز و جل هديه 116»؛ «خداوند متعال هدیه ای به من و امتم کرامت فرموده که به امت های گذشته نداده است، عرض کردند: آن هدیه چیست؟ فرمود: اجازه افطار روزه و نصف شدن نماز [نمازهای چهار رکعتی] در مسافرت؛ پس هر کسی چنین نکند هدیه خداوند را رد کرده است.»

از مجموع آنچه گفته شد، استفاده می شود که شکسته خواندن نماز در سفر وابسته بر ترس از دشمن نیست، زیرا ابتدای آیه آمده است **«وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ...»** که مسافرت های عادی و معمولی را نیز شامل می شود. به علاوه نماز خوف در دو آیه بعد به طور جداگانه و با احکام خاص خودش بیان شده است. لذا نماز خوف با نماز شکسته در سفر متفاوت است. روایات متعددی که اهل سنت و شیعه در نماز شکسته نقل کرده اند نیز این عمومیت را تأیید می کند. البته ممکن است تصریح به هنگام ترس به عنوان قید غالبی باشد و در علم اصول، این مطلب اثبات شده که چنین قیودی مفهوم ندارد و این گونه نیست که اگر این قید نباشد حکم هم نباشد و بعضی از مفسران معتقدند که نماز شکسته، نخست به هنگام خوف و ترس تشریح شده، سپس این حکم توسعه پیدا کرده و یا به سبب تأکید باشد، یعنی نماز قصر برای مسافر همه جا لازم است، ولی به هنگام خوف تأکید بیشتری دارد.

در هر حال شکی نیست که با توجه به تفسیر آیه و روایات فراوان، شکسته بودن نماز مسافر اختصاص به هنگام ترس ندارد.

در تفسیر الدر المنثور است که ابن شیبیه، عبد بن حمید، احمد، مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی، ابن ماجه در ناسخ و ابن جبان از یعلی بن امیه روایت کرده اند که گفت از عمر بن الخطاب سؤال کردم خدا می فرماید: «لیس علیکم... ان خفتم...»؛ «اگر از فتنه انگیزی کافران می ترسید عیبی ندارد که قصر بخوانید». در حالی که مردم در امن به سر می برند (باز هم قصر بخوانند) عمر به من گفت: من از همین مطلبی که تو تعجب کرده ای تعجب کردم و از رسول الله صلی الله علیه و آله سؤال کردم حضرت فرمود: صدقه ای است که خدا به شما داده، شما هم صدقه خدا را قبول کنید و از ابن عباس روایت کرده اند بین مکه و مدینه در حالی که ایمن بودیم... با پیغمبر صلی الله علیه و آله نماز را دو رکعتی خواندیم ۱۱۷.

امام باقر علیه السلام می فرماید: شکسته خواندن نماز در سفر، واجب است؛ همان گونه که تمام خواندن آن در وطن واجب است ۱۱۸، ۱۱۹.

نماز در هواپیما

پرسش ۴۹. گاهی به دلیل تأخیر هواپیما و دلایل مختلف امکان نماز خواندن نیست و یا اتوبوس ها برای نماز نگه نمی دارند! در چنین مواقعی وظیفه ما چیست؟

در این باره باید چند نکته را یادآوری نماییم؛

در خصوص نماز خواندن در هواپیما باید تا حد ممکن بر طبق دستور نماز باشد یعنی اگر ایستاده خواندن و یا رعایت جهت قبله و یا سجده بر چیزی که درست و صحیح است ممکن است باید رعایت کنید و اگر ایستاده نشد باید نشسته بخوانید و اگر رو به قبله امکان پذیر نبود به هر طرف کافی است. در مورد رکوع و سجده نیز اگر نتوانستید طبق معمول انجام دهید می توانید با اشاره رکوع و سجده را انجام دهید. البته برخی هواپیماها، محل نماز دارد و در راهرو هواپیما نیز امکان نماز خواندن وجود دارد.

در اتوبوس نیز با اولویت بندی شرایط، لازم است نماز خوانده شود و برای وضو می توان با حدود یک لیوان آب در همان حال نشسته وضو گرفت در هر صورت نماز از واجباتی است که در هیچ صورت و حالتی از انسان ساقط نمی شود و باید به هر شکل و در هر صورت آن را در وقت خود انجام داد.

گفتنی است؛ خوب است در برنامه ریزی سفر تا جایی که ممکن است دقت شود و از سفرهای غیرضروری که احتمال از دست رفتن نماز است پرهیز نمود. حضرت علی علیه السلام در این باره فرموده اند: **«لَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ فِي سَفَرٍ يَخَافُ فِيهِ عَلَى دِينِهِ وَ صَلَاتِهِ 120»؛** «نباید شخص به مسافرتی برود که بر دین و نماز خود بیمناک است.»

مهم ترین عاملی که موجب بروز چنین مسائلی گردیده، سهل انگاری در وظیفه شرعی امر به معروف و نهی از منکر می باشد که موجب گردیده برخی از افراد نسبت به نماز بی توجهی نمایند همان گونه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: **«لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ**

لَتَنْهَنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أُوْلِيَ السُّلْطٰنِ اللّٰهُ شِرَارَكُمْ ۗ۱۲۱»؛ «امر به معروف و نهی از منکر کنید، وگرنه خدا بدان شما را بر نیکانتان چیره می کند.»...

لذا اگر تمامی کسانی که مقید به نماز هستند با زبانی نرم و رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر این مسئله را به مهمانداران و رانندگان اعلام کنند همکاری لازم را انجام می دهند.

حجاب در نماز

پرسش ۵۰. فلسفه حجاب خانم ها در نماز چیست؟ خدا که با همه محرم است!؟

یکم. نماز دارای آثار و فواید فراوان است. یکی از آنها، نهادینه کردن ارزش ها و تمرین پیوسته پاکی ها است. یاد خدا بزرگ ترین ارزش است و نمازهای پنج گانه این ارزش را در قلوب همگان نهادینه می کند. حفظ حجاب و پوشش اسلامی نیز برای زنان یک ارزش گران بها و تعیین کننده است. خداوند متعال تمرین و یادآوری پیوسته آن را برای زنان در نماز واجب کرده است تا همواره بر حفظ آن پایدار باشند. دوم. وجود پوششی یک پارچه برای تمام بدن و داشتن پوششی مخصوص برای نماز، توجه و حضور قلب انسان را بیشتر می کند و از تفرقه خاطر می کاهد و ارزش نماز را صد چندان می کند. سوم. داشتن پوشش کامل در پیشگاه خداوند، نوعی ادب و احترام به ساحت قدس ربوبی است. از این رو برای مرد نیز در بر داشتن عبا و پوشاندن سر در نماز، مستحب است و همین ادب حضور در پیشگاه الهی، زمینه ساز حضور معنوی و بار یافتن به محضر حق می شود. چهارم. حکم پوشش در نماز، با حفظ حجاب در برابر نامحرم تفاوت هایی دارد و با آن قابل مقایسه نیست. به عنوان مثال به فتوای غالب مراجع تقلید، پوشاندن روی پا در برابر نامحرم واجب است؛ ولی در نماز بدون حضور نامحرم واجب نیست.

پی نوشت :

۱. مجتبی کلباسی، یکصد و ده پرسش درباره نماز، ص ۱۱۴.
۲. آشنایی با فرقه اهل حق، گروه فرق و ادیان معاونت تبلیغ و آموزش های کاربردی حوزه علمیه قم، ص ۱۴.
۳. اسراء ۱۷، آیه ۷۸.
۴. امام باقر علیه السلام به این مسئله تصریح نموده و بیان داشته اند: «إِنَّ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ فِي آخِرِ عُمُرِهِ يُصَلِّي فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ أَلْفَ رُكْعَةٍ...»؛ «همانا حضرت علی علیه السلام در اواخر عمرشان در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواندند». شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۲۹ جلدی، مؤسسه آل البیت علیهما السلام قم، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۴، ص ۹۷.
۵. بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۱۸۵.
۶. نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله، ص ۷۶۹ شماره ۳۰۱۸.
۷. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۶.
۸. الکافی، ج ۱، ص ۳۵.
۹. مجتبی کلباسی، یکصد و ده پرسش درباره نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸ ش، نهم.
۱۰. البته این نکته را نباید فراموش کرد پذیرش تعبدی فروع دینی و احکام الهی یک مرحله پس از آن است که براساس مبانی عقلی صحت اصول اولیه دین برای افراد به اثبات رسیده باشد.
۱۱. البته این مسئله به معنای ممانعت از پرسشگری و همچنین پاسخ گو نبودن اسلام در فرامین و دستورات الهی نیست، چراکه معصومین علیهم السلام علاوه بر تشویق مسلمانان به تفقه و تدبیر در مسائل دینی در احادیث متعددی به تبیین فلسفه احکام الهی پرداخته اند. به عنوان نمونه می توانید به کتاب علل الشرائع که مجموعه ای از این قبیل روایات بوده و توسط شیخ صدوق ره گردآوری شده مراجعه نمایید.
۱۲. حشر ۵۹، آیه ۷.
۱۳. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۷۹.
۱۴. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۵۷.
۱۵. همان، ج ۲، ص ۱۰۴.
۱۶. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۰۴؛ میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، أسرار الصلاة؛ انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۸ ش، هشتم، ص ۵۶.

۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش، اول، ج ۴، ص ۲۹۱.
۱۸. الحکم الزاهره، ترجمه انصاری، ص ۵۸۶.
۱۹. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۶۰.
۲۰. بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۶.
۲۱. معانی الاخبار، ص ۳۱۴.
۲۲. أمالی، صدوق، ص ۳۴.
۲۳. همان.
۲۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۷.
۲۵. ر.ک: وضوء النبی صلی الله علیه و آله من خلال ملابسات التّشريع، علی شهرستانی که با عنوان وضوی پیامبر به ترجمه حسین صابری منتشر گردیده است.
۲۶. فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ج ۲، ص ۲۴۳ به نقل از: صحیح، ترمذی، ج ۲، ص ۳۰۸.
۲۷. همان.
۲۸. تهذیب، ج ۱، ص ۵۶.
۲۹. مائده ۵، آیه ۶.
۳۰. نساء ۴، آیه ۲.
۳۱. هود ۱۱، آیه ۵۲.
۳۲. جعفر سبحانی، سیمای فرزندگان، ج ۲، به نقل از: سایت تبیان با کمی تغییر.
۳۳. الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۱، ص ۲۱۸.
۳۴. ر.ک: الفقه علی المذاهب الاربعه، عبدالرحمن الخیری، دارالفکر، ج ۱، ص ۵۳؛ حلیه العلماء فی معرفه مذاهب الفقها، القفال، مکتبه الرساله الحدیثه، ج ۱، ص ۱۴۵.
۳۵. مائده ۵، آیه ۶.
۳۶. همان، آیه ۶.
۳۷. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، ج ۲، ص ۲۶۲.
۳۸. المحلي، ج ۲، ص ۵۶، شماره ۲۰۰.
۳۹. الجامع لأحكام القرآن، ۹۲ / ۶.
۴۰. السیره الحلبیة، ج ۱، ص ۲۸.
۴۱. توبه ۹، آیه ۳.
۴۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۶۶.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۹۲.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۰۰.
۴۵. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۲۱.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش، اول، ج ۴، ص ۴۳۸.
۴۷. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۲۱.
۴۸. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۷.
۴۹. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۸.
۵۰. سیدعلی حسینی میلانی، محاضرات فی الاعتقادات، قم، مرکز الابحاث العقائديه، ۱۴۲۱هـ، اول، ج ۲، ص ۶۵۹.
۵۱. احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ق، اول، ج ۱، ص ۱۵۸.
۵۲. علاء الدین قوشجی، شرح تجرید، مقصد پنجم، بحث امامت، ص ۳۸۶.
۵۳. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۴۵.
۵۴. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۴۹.
۵۵. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۴۷.
۵۶. کافی، ج ۳، ص ۲۰۸.
۵۷. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۵۱.

۵۸. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۸۷.
۵۹. رک: بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۶۱؛ أمالی، صدوق، ص ۲۸۱، المجلس السابع و الأربعون؛ روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۱۱۶.
۶۰. أمالی، صدوق، ص ۲۸۱، المجلس السابع و الأربعون؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۲۰.
۶۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، جلد ۲۹، مؤسسه آل البیت علیهما السلام قم، ۱۴۰۹ هـ، ج ۴، ص ۹۷.
۶۲. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۲۲.
۶۳. مجتبی کلباسی، یکصد و دهر سشدربار هنماز، انتشارات استاد اقامه نماز، ۱۳۸۸، نهم، ص ۷۷.
۶۴. همان.
۶۵. مائده ۵، آیات ۵۶ و ۵۵.
۶۶. رک: محب الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۲؛ ۸۸ - قاضی شوکانی، فتح الغدیر، ص ۳؛ ۵۰ - جامع الاصول، ج ۹، ص ۴؛ ۴۷۸ - اسباب النزول، واحدی، ص ۵؛ ۱۴۸ - لباب النقول، سیوطی، ص ۶؛ ۱۰۵ - تفسیر طبری، ص ۷؛ ۱۶۵ - تفسیر فخر رازی، ج ۳، ص ۸؛ ۴۳۱ - تفسیر در المنثور، ج ۲، ص ۹؛ ۳۹۳ - کنز العمال، ج ۶، ص ۳۹۱.
۶۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۴، ص ۴۲۸.
۶۸. سعید شمس، پرسمان قرآنی نماز، سبط اکبر، پاییز ۱۳۸۷ ش، سوم، ص ۱۰۲ به نقل از: ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۹، ص ۲۱۱-۲۱۲.
۶۹. ارشاد القلوب، ترجمه رضایی، ج ۵، ص ۳۶-۱.
۷۰. گناهان کبیره، شهید دستغیب.
۷۱. عده الداعی و نجاح الساعی، ص ۲۰۱؛ آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز، ص ۱۶۵.
۷۲. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۳۸.
۷۳. صحیح، بخاری، ج ۱، کتاب الصلاة، ص ۹۱.
۷۴. مسروق بن اجدع، فقیه مدینه و از شاگردان خلفای راشدین بود.
۷۵. ابن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، ۱۳۷۷ هـ، ج ۶، ص ۷۹.
۷۶. اخبار مکه، ازرقی، ج ۳، ص ۱۵۱، به نقل از: سجده بر تربت، سیدرضا حسینی نسب، انتشارات سیدالشهداء قم، ۱۳۶۹.
۷۷. النوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البیت، ج ۴، ص ۱۲، باب استحباب السجود علی تربته الحسین علیه السلام و لوح منها و اتخاذ السبحة منها.
۷۸. ابو حامد غزالی، إحياء علوم الدين، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۲، ص ۲۶۷.
۷۹. ابوالشهداء، ص ۱۴۵.
۸۰. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۶۶.
۸۱. همان.
۸۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۲۰.
۸۳. همان، ص ۲۲۱.
۸۴. همان.
۸۵. همان.
۸۶. همان، ص ۲۲۳.
۸۷. صحیح، بخاری، ج ۱، ص ۲۰۱، باب تأخیر الظهر الی العصر، ح ۵۱۸.
۸۸. همان، ص ۲۰۶، ح ۵۳۷، باب وقت المغرب.
۸۹. صحیح سنن نسائی، ج ۱، ص ۲۰۰، حدیث ۶۰۱، باب الجمع بین الصلوتین فی الحضر.
۹۰. صحیح، مسلم، ج ۱، ص ۴۸۹، ح ۴۹، باب الجمع بین الصلوتین فی الحضر.
۹۱. صحیح، مسلم، ج ۲، ص ۱۵۱.
۹۲. همان، ص ۱۵۲.
۹۳. رک: مکارم شیرازی، پاسخ به پرسش های مذهبی، قم، امیرالمؤمنین، ۱۳۷۷، ص ۳۰۰.
۹۴. اسراء ۱۷، آیه ۷۸.
۹۵. رک: جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، بیروت دار احیاء التراث العربی، ج ۵، ص ۲۸۰-۲۸۲.
۹۶. این روایات در وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۶ باب ۱۰ جمع آوری شده.
۹۷. نهج البلاغه، نامه ۲۷ و ۱۵.

٩٨. سنن، بيهقي، ج ٢؛ سنن، ابوداود، ج ١، باب افتتاح الصلاة، ح ٧٠ و ٧٣٦؛ سنن، ترمذی، ج ٢، ص ٩٨، باب صفت الصلاة.
٩٩. الفقه على المذاهب الخمسة، مغنيه، ص ١٠٩.
١٠٠. صحيح، بخاری، ج ١، ص ١٨١، ح ٧٤٠؛ كتاب الأذان، ب ٨٧، باب وَضَعُ الْيَمِينِ عَلَى الْيُسْرَى.
١٠١. وسائل الشيعة، ج ٧، ابواب ١٥ قواطع نماز، ص ٢٦٧.
١٠٢. وسائل الشيعة، ج ٧، ابواب ١٥ قواطع نماز، ص ٢٦٦.
١٠٣. وسائل الشيعة، ج ٥، باب ١٧ از ابواب قيام، ص ٥١١.
١٠٤. مستند العروة، آية الله شيخ مرتضى بروجردی، ج ٤، ص ٤٤٥؛ جواهر الكلام، ج ١١، ص ١٩.
١٠٥. جواهر الكلام، ج ١١، ص ١٥، نجفی.
١٠٦. وسائل الشيعة، ج ٦، ص ٦٧، كتاب الصلاة، باب عدم جواز التأمین فی آخر الحمد.
١٠٧. همان.
١٠٨. الكافي، ج ٣، ص ٣٣٩، بَابُ الْقُنُوتِ.
١٠٩. مجلسی، لوامع صاحبقرانی، ج ٤، ص ٩٦؛ الكافي، ج ٣، ص ٣٤٠.
١١٠. سنن، بيهقي، ج ٢، ص ٢٠٧.
١١١. سنن، دارقطنی، ج ٢، ص ٣٧، حديث ٤؛ سنن، بيهقي، ج ٢، ص ١٩٨.
١١٢. هدايه، مرغینانی، ج ١، ص ٦٦؛ بدايه المجتهد، ج ١، ص ١٣٢.
١١٣. الفقه على المذاهب الاربعه، ج ١، عده سنن الصلاة مجتمعه.
١١٤. نساء ٤، آيه ١٠١.
١١٥. كنز العمال، ج ٨، ص ٥٠٣.
١١٦. وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٥٢٠.
١١٧. رك: الميزان، ج ٥، ص ٦٣؛ تفسير نمونه، ج ٤، ص ٩٤-٩٦؛ طبري، احكام القرآن، ج ١٢، ص ٤٨٧؛ حسيني جرجاني، آيات الاحكام، ج ١، ص ٢٤٠-٢٤٧.
١١٨. شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٣٤.
١١٩. سعيد شمس، پرسمان قرآنی نماز، سبط اكبر، پایيز ١٣٨٧ش، سوم، ص ٣٠٦.
١٢٠. بحار الأنوار، ج ١٠، ص ١٠٨.
١٢١. بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٣٧٨.